

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال بیست و سوم
تابستان ۱۴۰۰ شمسی
۵۷۸۲ عبری
۲۰۲۱ میلادی سپتامبر

شماره

۵۵

بُرف

אָפּק

בִּינָה

לא-טובה, ולמדה
לא

✳️ تجلیل از فعالان فرهنگی ومدافعان سلامت اقلیت های دینی

✳️ یادى از استاد فیروزه کوبى،روبن یروشلمى

✳️ دینداری یهودیان در پنجاه سال اخیر

✳️ روزه گرفتن وحفظ سلامتی

✳️ ماجرای دریفوس

דגל של מצח



انجمن کلیمیان تهران
فرارسیدن سال ۵۷۸۲ عبری را
به عموم همکیشان عزیز
شادباش می گوید



اُفְתִּינָה

אָפֶק בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال بیست و سوم - شماره ۵۵

تابستان ۱۴۰۰ شمسی

تیشری 5782 عبری

سپتامبر 2021 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یح

سر‌دبیر: فرانک عراقی

مدیر اجرایی: نسترن جاذب

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبائی - اتوسا آرمین - سیما اخلاقی - شرگان انورزاده
نیوشا پایاب - نسترن جاذب - رحمن دل‌رحیم - لیورا سعید
المیرا سعید - مردخای امین شمولیان - فرزاد طویبان
فرانک عراقی - امید محبتی مقدم - مهران ملک
دوریتا معلمی - الهام مؤدب - امیرفرزاد نعیموت و مؤده یمینیان .

ویراستاران: آرش آبائی - فرانک عراقی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: نسترن جاذب

طراحی جلد: مردخای امین شمولیان

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم
کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷
تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۶۷۱۶۴۲۹ - نمابر:

نشانی الکترونیکی: bina126@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

کانال نشریه: @ofoq_bina

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است .

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است .

طرح روی جلد اثر هیلدا نجات حبیب نقاش و تصویرگر.

معنای نوشته‌ی عبری: سال نو مبارک و شیرین باد.

افق بی‌نا - אָפֶק בִּינָה - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است

- سخن سردبیر: به استقبال سال جدید / فرانک عراقی / ۲
- سرمقاله: ویژگی‌های مدیران موفق / دکتر همایون سامه‌یح / ۳

* گزارش و مصاحبه

- رویاهایت را دنبال کن / فرانک عراقی / ۴
- گفت و گو با نوید خاکشور / بیژن خاکشور / ۷
- تجلیل از فعالان فرهنگی و مدافعان سلامت / ۱۰
- اصفهان از نگاه یگ جهان‌گرد یک‌جانشین / لانا دانیالی / ۱۲
- دینداری یهودیان ایرانی در پنجاه سال اخیر / ۱۶
- بازتاب روایات تلمود بابلی در تفاسیر اسلامی / آرش آبائی / ۱۸

* فرهنگی، اجتماعی، روانشناسی

- پله‌ی همدلی / لیورا سعید / ۱۹
- گذری بر تاریخچه کنیساها «کنیسای زرگریان» بخش پایانی / مهران ملک / ۲۱
- یهودیان لتونی / سیما اخلاقی / ۲۳
- هیچ خواننده‌ای حق خواندن این مقاله را ندارد / استاد رحمن دل‌رحیم / ۲۸
- یادی از استاد برجسته فیروزه کوبی «روبن یروشلمی» / بیژن خاکشور / ۲۹
- برای حفظ روابط سالم از چه اشتباهاتی باید دوری کرد / الهام مؤدب / ۳۳
- ماجرای دریفوس / اتوسا آرمین / ۳۶
- یهودیان در دوران نادر شاه / یاسمن غنی / ۴۰
- مناظرات امام رضا با علمای یهود / مهندس آرش آبائی / ۴۳
- آشنایی با مشاهیر یهود جهان «تونی کرتیس» / نیوشا پایاب / ۴۵
- نگاهی به زندگی یهودیان کوهستان / نسترن جاذب / ۴۷
- نگاهی به تاریخچه پارالمپیک / اتوسا آرمین / ۴۹
- سیر نشر و ترجمه کتاب مقدس عبری به زبان‌های دیگر / روبرت شمیمان / ۵۲

* ادب و هنر

- دارویی از جنس بیداری / المیرا سعید / ۵۴
- زندگی قصه‌می‌سازد / شرگان انورزاده / ۵۶
- دلنوشته / سحر بروخیم / ۵۶

* طنز

- می‌گن یه زنی شبه وبا گرفته / استاد رحمن دل‌رحیم / ۵۷
- تهران ۱۵۰۰ شمسی «شیپورچی» / ۵۹
- عروسی پسر فخرالملوک / الهام مؤدب / ۶۱

* تغذیه

- روزه گرفتن چگونه به سلامتی کمک می‌کند / مؤده یمینیان / ۶۳

* حقوقی

- ماهیت حقوقی انجمن کلیمیان تهران / امیرفرزاد نعیموت / ۶۶

* اخبار و گزارشات

- اخبار / مهندس امید محبتی مقدم / ۶۹
- نشست تخصصی روابط الاهیاتی فرهنگی مسلمانان و یهودیان / ۷۴
- مناسبت‌های تقویمی / آرش آبائی / ۷۶



سخن سردبیر

به استقبال سال جدید

فرانگ عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

سال ۵۷۸۲ عبری از راه رسید و سال گذشته با تمامی گرفتاری‌ها و بیماری‌ها و اتفاق‌های تلخ و شیرین به پایان رسید. با وجود تمامی نامالایمات و اخبار بدی که در سال گذشته شاهد آن بودیم، شوق تحویل سال و امید به روزهای بهتر، همواره در ذهن و قلب همه وجود دارد و طبق سنت همه ساله همکیشان عزیز به استقبال رُش هֶשָׁנָה (הַשָּׁנָה הַשְּׁלִישִׁית) رفتند و به صورت محدود با توجه به شرایط، دور هم جمع شده و با اجرای مراسم، از ایزد منان درخواست کردند که مانند عسل، سال پیش رو شیرین باشد، مانند شُش، گناهانمان سبک و مانند انار پر از دانه‌های نیکی شوند.

خوشبختانه با شروع اجرای واکسیناسیون همگانی امید به پیشگیری از اپیدمی بیماری زیاده‌تر شده و اگر همکاری مسئولین و مردم جامعه بیشتر شود حتماً به نتایج بهتری هم دست خواهیم یافت.

متأسفانه جامعه‌ی کوچک ما هم از گزند این بیماری در امان نماند و تعدادی از همکیشان نیز جان خود را از دست دادند و خانواده‌های زیادی داغدار شدند...

با این وجود می‌خواهم که ابتدای سال را با حرف‌های شیرین و امیدوار کننده شروع کنم. از امید به روزهای خوب آینده بگویم و از اعیاد زیبایی که در پیش رو داریم و سنت‌هایی که همگی خوشایند و دلپذیرند.

از این فرصت استفاده می‌کنم و از عمق وجود آرزو می‌کنم سال جدید، آرامش، آسایش و تندرستی با خود به همراه داشته باشد.

שנה טובה

חג שמח



ویژگی‌های مدیران موفق

دکتر همایون سامعیع
 رئیس انجمن کلیمیان تهران

سازمان، اداره، کارخانه، مدرسه، بیمارستان، فروشگاه و یا هر مجموعه دیگری، زمانی موفق عمل می‌کند که مدیریت قوی داشته باشد و نقش مدیر در یک مجموعه یکی از مهمترین عوامل در پیشبرد اهداف آن است. گاه دیده شده که با وجود مدیری متخصص در یک سازمان، عملکرد و برآیند و بازده رضایت‌بخش نیست چرا که به کارگیری موثر و کارآمد منابع مالی و انسانی، سازماندهی و بسیج امکانات و همچنین هدایت و کنترل برای دستیابی به اهداف سازمانی به درستی صورت نگرفته است.

بسیاری از افراد معتقدند که مدیر توانمند کسی است که یک سخنران خوب باشد و با حرف زدن بتواند بر عملکرد افراد زیر مجموعه خود تاثیرگذار باشد؛ ولی این باور اشتباه است، به نحوی که در بعضی از مواقع علیرغم حضور یک کارمند خوب با توانمندی بالا در یک مجموعه که حتی قدرت تاثیرگذاری بر مدیران را داشته باشد، در صورت ضعف مدیریت، از شایستگی‌های فردی وی کاسته شده و چه بسا باعث ایجاد مشکلات و معضلات عدیده‌ای در سازمان خود گردد. حتی اگر مجموعه توسط هیئت‌مدیره اداره گردد ضعف ریاست آن مطمئناً اثرات منفی بر دیگر همکاران خود خواهد گذاشت، ولی باید متذکر گردید که در صورت عدم پیشبرد اهداف یک سازمان، مسئولیت مسئله به عهده تمام اعضای هیئت مدیره خواهد بود.

در جامعه یهودی ایران تشکل‌های بسیاری فعال هستند، از هیئت امنای کنیساها، انجمن‌های اولیا و مربیان گرفته تا هیئت امنای سرای سالمندان و هیئت مدیره سازمان‌های جوانان، بیمارستان و انجمن‌های کلیمیان شهرهای مختلف. لذا لازم دانستم جهت انتخاب هرچه بهتر اعضای هیئت مدیره و هیئت امنای ارگان‌های مختلف برخی از مشخصات فردی یک مدیر کارآمد را در ذیل بیاورم.

دارا بودن ایده‌هایی خوب، یکی از شروط لازم یک مدیر موفق است ولی کافی نیست. عملیاتی نمودن آن ایده‌ها شرط کافی خواهد بود. برخی فکر می‌کنند که یک مدیر باید تمام همکاران خود را تحت سیطره خود قرار دهد ولی در دنیای امروزی این روش برعکس عمل می‌کند و مدیران به دنبال اثبات قدرت خود به کارمندان نیستند بلکه در شرایط ضروری تصمیمات خود را اعمال می‌کنند و نحوه عملکرد آنان باعث می‌گردد که دیگران در مورد انجام برخی از کارها، اولین فردی که با او مشورت می‌کنند مدیر خودشان است.

شجاعت از دیگر مشخصات مدیر موفق است تا بتواند ایده‌ها و تصمیمات مهم را در مواقع ضروری اعمال کند. شجاعت و تصمیم‌گیری درست در زمان مناسب یک مدیر باعث ایجاد احساس امنیت در زیرمجموعه‌ی خود خواهد شد. اعتماد به نفس از دیگر صفات یک مدیر توانا است که ناخودآگاه این احساس را می‌تواند به دیگر همکاران خود انتقال دهد. مشورت با افراد متخصص و دیگر همکاران، حفظ آرامش، انعطاف‌پذیری، قدرت ارتباط با دیگران و قدرت سازماندهی و هماهنگی از دیگر ویژگی‌های یک مدیر موفق است.

امید است جامعه ما هم بتواند مدیران موفق را پرورش داده تا بتواند با راحتی خیال به آنها اتکا کند. در پایان، سال ۵۷۸۲ عبری را به تمامی همکیشان عزیز تبریک گفته و سلامتی و سربلندی اعضای جامعه را از درگاه ایزد منان خواستارم. ■

^۱ - یک مدیر باید مسئولیت تمامی نقصان‌ها و شکست‌های زیرمجموعه خود را بپذیرد، همانطور که تمام موفقیت‌ها و پیشرفت زیرمجموعه خود را با افتخار اعلام می‌کند و به خود نسبت می‌دهد.

روپاهایت را دنبال کن

مصاحبه با هیلدا نجات حییم، نقاش و تصویرگر

فرانک عراقی

کارشناس ارشد روزنامه نگاری

هیلدا نجات حییم، یکی از هنرمندان جوان و خوش ذوق جامعه‌ی ماست که خوشبختانه در این راه بسیار موفق بوده و آثار زیبایش حتی در سطح بین‌المللی نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تاکنون چندین نمایشگاه گروهی نقاشی برگزار کرده و جوایزی نیز دریافت کرده است. در ادامه نظر شما خوانندگان عزیز را به گفت و گویی دوستانه که با ایشان انجام داده‌ام جلب می‌کنم.



نقاشی می‌رفت. پدرم خودش نقاشی می‌کشید. من هم از همان زمان کوچکی نقاشی می‌کشیدم و پدرم آنها را قاب می‌کرد و به دیوار می‌زد. به خاطر همین این ذهنیت همیشه با من بود و هرگز با این هنر بیگانه نبودم. در دبیرستان با وجود معدل بالا و توانایی شرکت در رشته‌های دیگر، ترجیحا رشته‌ی مورد علاقه‌ام، هنر را انتخاب کردم. ۱۶ ساله بودم که این رشته را پی‌گیری کردم و از روز اول از انتخابم راضی بودم. مطمئن بودم که راه درستی را انتخاب کردم.

• سلام و درود بر شما. لطفا خودتان را معرفی کنید.
* من هیلدا نجات حییم هستم. متولد ۲۰ دی ماه ۱۳۶۸. دیپلم نقاشی دارم و با دو مدرک کارشناسی در رشته‌های نقاشی و گرافیک شاخه‌ی تصویرسازی، فارغ-التحصیل کارشناسی ارشد نقاشی هستم.

• از چه زمانی به نقاشی علاقمند شدید؟
* ۳-۴ ساله بودم که با نقاشی آشنا شدم. پدرم به نقاشی علاقمند بود و هست. خواهر بزرگترم به کلاس‌های



روحیه دادن، علاقمندی که به من تزریق می‌کنند، این که راه درستی انتخاب کرده‌ام، رفت و آمدها و آموزش‌ها، تهیه لوازم و وسایل و... همه سختی‌هایی داشته که به هر حال خانواده هم تحت تاثیر قرار گرفته، اما آنها همیشه من را حمایت و تشویق کرده‌اند.

• چه سبکی را دنبال می‌کنید؟

*این سوال چالش‌برانگیز است. بک پزشک شاید تخصصش چشم باشد اما از بقیه‌ی اعضای بدن هم بی‌خبر نیست. در مورد ما هم همین طور است. به هر حال از هیچ سبکی بی‌خبر نیستیم. همه‌ی سبک‌ها را دنبال می‌کنیم. در حال حاضر سبک مینی‌مالیسم را دنبال می‌کنیم. اکسپرسیونیست‌ها تاثیر زیادی داشتند. من بدون این که بخوایم نشان دهم یک مینی‌مالیست هستیم، تحت‌تاثیر اکسپرسیونیست‌ها هم هستیم. البته بیشتر اکسپرسیونیست انتزاعی هستیم.

• نقاش‌های مورد علاقه‌تان چه کسانی هستند؟

*من سعی می‌کنم نقاش‌های مطرح را دنبال کنم. کاردانی من هنر نگارگری بود که بسیار جذاب است و برگرفته از نقاشی سنتی ایرانی است. رضا عباسی را خیلی دوست داشته و دارم و روی من خیلی اثرگذار بوده. الان کارهای مارک روتکو و کیفر را دنبال می‌کنم. دغدغه کارهای روتکو همیشه در من بوده و همیشه اثرش را بر ضمیر ناخودآگاه من گذاشته، از دوره‌ی دبیرستان روتکو را در تاریخ هنر می‌خواندم و با او آشنا بودم.

• برنامه‌تان برای آینده چیست؟

• چه کسانی در خانواده این هنر را دنبال می‌کنند؟
* پدرم عاشق هنر بود. حرفه اش خرید و فروش فرش بود و به صنایع دستی و نقاشی و هنر علاقمند بود. وقتی من در بچگی نقاشی می‌کردم، پدرم هم همراه من نقاشی می‌کشید. از سال ۷۳-۷۴ نقاشی می‌کرد ولی مدتی به خاطر مشغله‌ی کاری وقفه افتاد. در سال ۸۵-۸۴ که من هنرستانی شدم و این هنر را حرفه‌ای دنبال کردم، پدرم دوباره این شوق در درونش شعله‌ور شد و دوباره نقاشی را شروع کرد.

خواهرم نیز علاوه بر پدرم یکی از مشوق‌های اصلی من بود. او این جرات را به من داد که این هنر را انتخاب و دنبال کنم.

• تاکنون چند نمایشگاه برگزار کردید؟

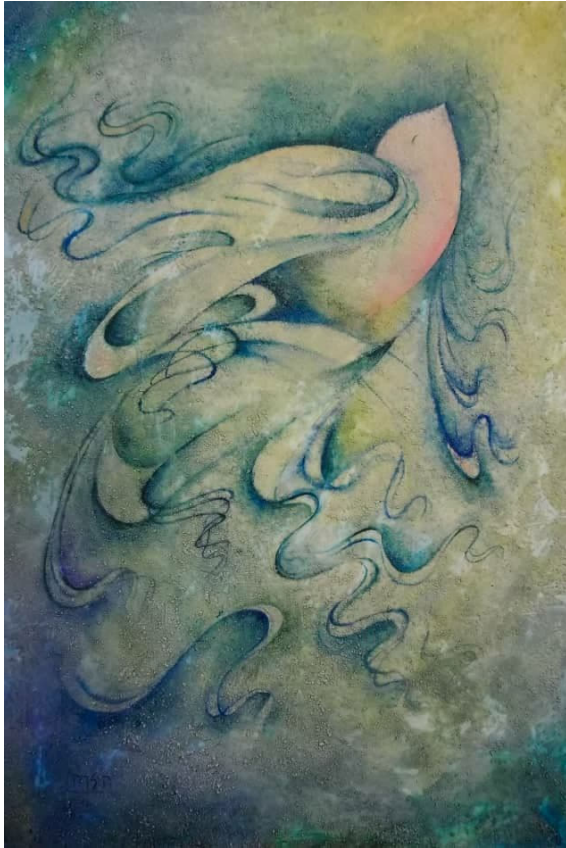
*اگر بخوایم آنها را شمارش کنم بیشتر از ده نمایشگاه تا الان داشته‌ام. اولین نمایشگاه به دنبال یک فراخوان در سال ۱۳۸۸ بود که به صورت گروهی در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. مدت زمانی به علت قبولی کارشناسی نقاشی وقفه افتاد. ولی دوباره نمایشگاه گروهی و نیمه گروهی را شروع کردم. اخیراً در آلمان یک نمایشگاه آنلاین داشتم و یکی از نقاشی‌هایم هم فروش رفت. یک نمایشگاه انفرادی عکس هم برگزار کردم. همچنان نیز به دنبال برگزاری نمایشگاه انفرادی بهتر و بیشتر هستیم.

• تاکنون چه جوایزی گرفته‌اید؟

*من تاکنون در فراخوان‌های متعددی شرکت کرده‌ام. یکی از آنها که خیلی باعث خوشحالی من شد در مهران مال بود. در این نمایشگاه من نفر برگزیده‌ی دوسالانه‌ی نقاشی استان البرز شدم. زمان نمایشگاه دو هفته بود. در کنار استاد‌های به نام باز هم از برگزیده‌ها انتخاب کردند و خوشبختانه از آثار من هم برای دوره‌ی دوم انتخاب شد که این بهترین جایزه در فراخوان‌هایی که شرکت کردم محسوب می‌شود.

• مشوق اصلی شما چه کسی بوده؟

*این جمله شاید کلیشه‌ای باشد اما در تمام مدت ۱۵-۱۶ سال، خانواده مشوق من بوده‌اند. بن اصلی این هنر،



*امیدوارم عمری باقی باشد چون خیلی برنامه‌ها برای خودم دارم. تصویرسازی را تجربه کردم. در آینده مجموعه تصویرگری را دوست دارم اتود بزنم. هر اتفاق روزمره برای من منبع الهام هست.

این روزها احساس می‌کنم عینکی به چشم دارم و همه چیز را جور دیگری می‌بینم. خود کلمه‌های ساده که به زبان می‌آید منبع الهام هست. انگار خود این هنر نقاشی برای من برنامه‌ریزی می‌کند که در آینده چه کنم. خیلی دوست دارم دستم را قوی کنم و کلاس‌های تمرینی را به صورت پی‌گیر ادامه می‌دهم چرا که هیچ وقت تمام شدنی نیست. می‌خواهم نمایشگاه انفرادی بهتر و بیشتری داشته باشم.

یکی از ایده‌های من برای آینده، کار کردن در حیطه‌ی تصویرگری مذهبی است. در مورد دین اسلام کار کرده‌ام اما در مورد یهودیت و تورات با مضامین مذهبی هم به عنوان یک یهودی می‌خواهم کار کنم.

همیشه به ایرانی بودنم افتخار می‌کنم و معتقدم فرهنگ ایران بسیار غنی است. علاقمندم نقاشی سنتی خودم را به کمال برسانم و مجموعه‌های خوبی از نقاشی سنتی ارائه دهم. چون همیشه فکر می‌کنم هنر نقاشی ایرانی از بهترین‌هاست.

• به جوانان چه توصیه‌ای دارید؟

*من خودم هنوز اول راه هستم اما خواهشی که از والدین دارم این هست که بین رشته‌ها تبعیض قائل نشوند. اگر خانواده من هم این نظر را داشتند که در کنار درس، نقاشی را ادامه بدهم هرگز به این جا نمی‌رسیدم. من با معدل بالا وارد هنرستان شدم. حتی در خود هنرستان هم مسئولان به من پیشنهاد رشته‌های دیگر می‌دادند. اما خواهشی که از والدین دارم این هست که اجبار نکنند و از جوان‌ها هم خواهش می‌کنم علاقه‌شان را دنبال کنند البته با احترام به خانواده. خیلی از دوستانم به اجبار رشته‌های دیگر را انتخاب کردند اما دوباره به رشته‌ی مورد علاقه خود برگشتند و ادامه دادند و در این میان فقط خستگی راه بر خودشان داشتند.

• در پایان اگر چیزی ناگفته باقی مانده و من نپرسیدم بفرمایید.

*از شما خیلی تشکر می‌کنم. این صحبت و گفت‌وگو بسیار برایم دلنشین بود. این که من را دیدید و این وقت را گذاشتید بسیار خوشحالم. این گفت‌وگو مروری بود بر خاطراتم در این چند سال و اتفاق‌های خوشایندی که در زندگی تجربه کردم. در پایان برای شما دعای خیر دارم و خوشحالم که این فرصت را به من دادید.

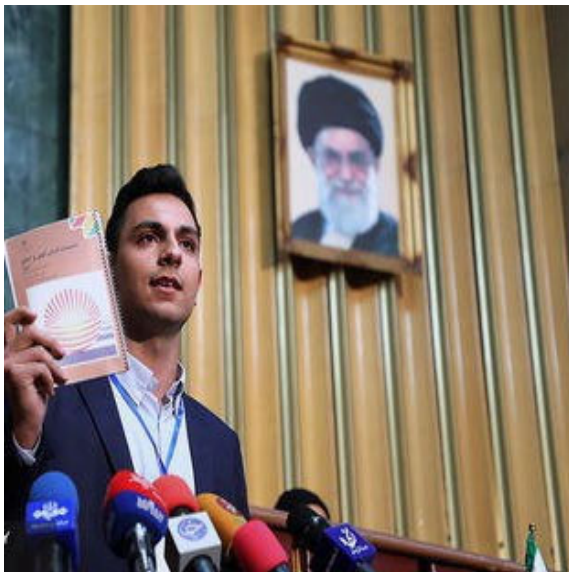
• سپاس از شما.

من هم متقابلاً برای شما آرزوی موفقیت روزافزون دارم. ■

گفت‌وگو با نوید خاکشور

نماینده‌ی دانش‌آموزان کلیمی ایران در مجلس نهم دانش‌آموزی

بیژن خاکشور



• درباره‌ی نحوه‌ی ورود خود به دوره نهم مجلس دانش‌آموزی ایران توضیح دهید و بگویید قبل از شما چه کسانی سکاندار این صندلی در مجلس بوده‌اند؟

* بنده دو سال قبل از ورود خود به مجلس دانش‌آموزی به وسیله‌ی برادر خودم که در آن موقع نماینده همین پارلمان بود آشنا شدم. ایشان همانطور که به فعالیت خود در حوزه دانش‌آموزی می‌پرداخت تجربیاتی را نیز در اختیار من قرار می‌داد. برای همین من خودم را هدفمند کرده و تلاش می‌کردم اطلاعات شخصی و تجربیاتم را در زمینه دانش‌آموزی به‌خصوص دانش‌آموزان اقلیت کل کشور بالا ببرم. بالاخره تاریخ انتخابات فرا رسید و من توانستم رای اعتماد دیگر دوستان و دانش‌آموزان را جلب کنم و به پارلمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران راه یابم.

قبل از من در دوره‌های گذشته دوستانی همچون ایمانوئل شماشیان، پگاه نقره‌بیان، شموئیل یروشلمی، فرید رحمانی، سامان گیدانیان، داوود خاکشور و امید خاکشور در این مجلس حضور داشتند.

• برای گزینش نماینده دانش‌آموزان کلیمی در مجلس دانش‌آموزی چه فاکتورها و عواملی دخیلند؟

* یک دانش‌آموز باید خصوصیتی را دارا باشد. از جمله در یکی از پایه‌های نهم یا دهم مشغول تحصیل بوده و معدل بالای ۱۸ و نمره انضباط ۲۰ یا عالی داشته باشد. سابقه‌ی آن دانش‌آموز در شوراهای فعال مدرسه نیز مهم است.

• نمایندگان زرتشتی، مسیحی و آشوری از کدام شهرها انتخاب می‌شوند و نحوه‌ی انتخاب آنها به چه شکلی است؟

* دیگر نمایندگان اقلیت نیز به همان صورت انتخاب و به این مجلس راه می‌یابند. قابل ذکر است که از بین چهار نماینده اقلیت به صورت توافقی در بین سازمان‌های دانش‌آموزی استان‌های مربوطه نمایندگان به صورت زوج دو نفر پسر و دو نفر دختر انتخاب می‌شوند که تعادلی که در مجلس بین تعداد دختران و پسران هست از بین نرود.

نماینده آرامنه از شهر تهران، نماینده زرتشتی‌ها از شهر یزد و نماینده آشوری‌ها از شهر ارومیه انتخاب می‌شوند.

• تعامل و همکاری شما با نمایندگان دانش‌آموزان اقلیت‌های دیگر چگونه بوده است؟

* در این دوره خوشبختانه با دیگر نمایندگان اقلیت دوستان و همکاران بسیار خوبی بودیم که همگی تلاش بسیاری کردیم تا دانش‌آموزان اقلیت به آرمان‌های خود نزدیک‌تر شوند.

• در طی دوران فعالیت خود، برای حل کدام بخش از مشکلات موانع تحصیلی دانش‌آموزان کلمی ایرانی پیش قدم شده و فعالیت نمودید؟

*اصلی‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت‌ها در مورد کتب دینی مشترک ویژه اقلیت‌های دینی بود که در این مورد نهایت پیگیری انجام شد. همچنین نقدنامه‌ای در مورد این کتب که ابتدا به دبیرخانه مجلس دانش‌آموزی و سپس به وزارتخانه‌ی آموزش و پرورش فرستاده شد که خوشبختانه با توجه به گفته‌های وزیر آموزش و پرورش وقت در چند سال آینده این کتب‌ها به صورت کامل تغییر خواهند کرد. پیگیری لازم در مورد تعطیلی دانش‌آموزان کلمی در اعیاد مذهبی که با وجود این که قانونی در این مورد در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده بود ولی در مدارس غیر یهودی در شهرستان‌ها به صورت عملی و کامل انجام نمی‌شد که از همین جا از جناب آقای مره‌صدق و انجمن‌های کلیمیان اصفهان و تهران و سایر شهرها تشکر می‌نمایم.

بازدید بنده از بعضی از مدارس غیر یهودی که دانش‌آموزان یهودی در آنجا مشغول تحصیل بودند و پیگیری وضعیت این دانش‌آموزان در این مدارس از نظر پرورشی و تحصیلی بود. همچنین در مورد سوالات دینی کنکورهای آزمایشی ویژه اقلیت از جمله کانون فرهنگی آموزشی قلمچی، گزینه دو و سنجش و متناسب شدن این سوالات در مقابل سوالات کنکور سراسری که منجر به تعادل درست سوالات تستی کتاب‌های تعلیمات اخلاق و دروس اختصاصی شد پیگیری کردم.

• به نظر شما مجلس دانش‌آموزی تا چه حد می‌تواند در رفع مسائل و مشکلات دانش‌آموزی مؤثر ثمر باشد؟

*مجلس دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران نهادی صنفی- مشورتی و زیر مجموعه سازمان دانش‌آموزی است که بر اساس آیین‌نامه تشکیل این مجلس مصوب ششصد و هفتاد و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۰ آغاز به کار کرد.

از جمله تعامل و همکاری‌ها می‌توان به جلسه‌ای با معاون متوسطه دفتر تالیف و تدوین کتب درسی پرداخت. در این جلسه نمایندگان اقلیت پیشنهادهایی را مطرح کردند. موضوعی که هر ساله مورد انتقاد دانش‌آموزان و دبیران اقلیت‌های مذهبی بوده است محتوای کتب درسی دینی ویژه اقلیت‌های مذهبی می‌باشد که اولین چاپ آن کتاب با عنوان ادیان الهی و اخلاق با سال ۱۳۶۰ برمی‌گردد و در طی این ۳۷ سال به غیر از عوض شدن جلد، فونت نوشتاری، عکس و تغییر معنی عبارت‌ها نسبت به قبل تغییر چندانی نکرده است. برای تحقق این منظور خواستار تشکیل کمیته‌ای برای بررسی و تغییر محتوای کل کتاب درسی و بروزرسانی کل کتب در پایه‌های اول و دوم متوسطه بودیم. در ضمن خواستار شدیم برای پیشبرد این مطالبه کمیته‌ای از مولفان از کلیه نمایندگان اقلیت‌های مذهبی تشکیل شود تا به بررسی بهتر محتوای کتب دینی بر اساس دین و شریعت خود کمک کنند.

از جمله هم صدایی ما نطق‌های پیش از دستوری بود که به عنوان نماینده همه‌ی اقلیت‌های دینی در صحن علنی مجلس دانش‌آموزی ادا کردم و مشکلات این دانش‌آموزان در مقابل چند وزیر وقت و دیگر مسئولین عالی رتبه مطرح و بیان شد.

• از شروع کار خود در مجلس دانش‌آموزی و نشست‌های برگزار شده در طی این مدت دوره نهم چه خاطره‌ای دارید؟

*خاطره جذاب من در طی این دو سال به مکان‌هایی برمی‌گردد که در آن‌ها حضور پیدا کردم از جمله صحن مجلس خیرگان که جلسات ما در آنجا برگزار می‌شد. دیگر مکان‌های بیاد ماندنی خانه‌ی امام خمینی و مسجد جماران بود و همچنین خانه‌ی آیت‌الله رفسنجانی بود که اکنون چند سالی است پس از فوت ایشان به موزه تبدیل شده است. سفرهایی را نیز به عنوان جلسات کمیسیون به شهرهای دیگر کشور انجام دادیم از جمله یاسوج، آبادان و خرمشهر بود و حضورمان در کنار اروند رود و دیدن مکان‌های جنگی بود.



*پیشنهادم به همه‌ی دانش‌آموزان هم‌کیش خودم این است که از همین لحظه فکر خود را باز کنند تا در آینده در جامعه کلیمیان با جامعه و مسئولینی با فکر بسته که فقط به فکر خویش و منافع خود هستند روبرو نشویم و جامعه با نسلی آگاه و با تدبیر جامعه اداره شود. پیشنهاد می‌کنم دانش‌آموزان کلیمی در سرتاسر ایران به مطالعه‌ی کتاب و روزنامه و تحقیق‌های آگاهانه و مفید و مستمر بپردازند تا به این طریق از مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژی آگاهی پیدا کنند. پیشنهاد دیگر من خودنگری و ارتقاء خویش است، یعنی دانش‌آموزان بیشتر به دنبال حرفه و رشته‌ای که به آن علاقه دارند بروند و آینده خود را با حرف‌های حاشیه‌ای و بی‌ارزش خراب نکنند. ■

مصوبات این مجلس پس از تأیید در شورای عالی آموزش و پرورش، قابلیت اجرایی پیدا می‌کند.

مجلس دانش‌آموزی در جلسات خود به بحث و بررسی پیرامون مسایل و مشکلات جامعه دانش‌آموزی ایران را دنبال می‌کند و راهکارها و پیشنهادهای خود را اعلام می‌کند و در برابر انتظارات خود از مسئولین پاسخ را طلب می‌کند. چرا که در هر نشست مقامات عالی جمهوری اسلامی حضور دارند. همچنین این مجلس در مورد پیش‌نویس طرح‌ها و لوایح مرتبط با دانش‌آموزان که از طریق شورای عالی آموزش و پرورش یا مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌شود، اظهار نظر می‌کند. از دیگر مباحث اصلی مجلس دانش‌آموزی می‌توان به چگونگی مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های دانش‌آموزی، پرورشی و اجرایی مدرسه اشاره کرد. مصوبات مجلس دانش‌آموزی پس از تأیید در شورای عالی آموزش و پرورش ضمانت اجرایی دارد.

• با برگزار شدن انتخابات مجلس دهم دانش‌آموزی، نماینده آتی کلیمیان هم مشخص شده است، برای پیشبرد اهداف نماینده بعدی چه پیشنهادی دارید؟

*از همین جا به خانم رویطال یومتوبیان نماینده منتخب دانش‌آموزان کلیمی در دوره دهم مجلس دانش‌آموزی تبریک عرض می‌کنم و از ایشان خواستارم با تحقیق و پرس و جو بیشتر از دانش‌آموزان و استادان دینی یهود سراسر کشور خیلی بهتر و عمقی با مشکلات جامعه دانش‌آموزی ما آشنا شوند و در مقابل مسئولین به همه‌ی جوانب مشکلات دانش‌آموزان اقلیت بپردازند و امیدوارم ایشان بدون ترس و واهمه و بدون هیچ حاشیه‌ای که مربوط به موقعیت و افرادی که در آن سیاست مربوطه مشغول هستند رو به جلو قدم بگذارند و حقی را که از دانش‌آموزان اقلیت دریغ شده است را مطالبه کنند و پس از دو سال که از این مسئولیت رها شدند خیالشان راحت باشد که دینی را که به دانش‌آموزان کلیمی متعهد شده بودند ادا کرده‌اند.

• در پایان حرف دل شما به سایر دانش‌آموزان کلیمی در مقاطع مختلف تحصیلی چیست؟

تجلیل از فعالان فرهنگی و مدافعان سلامت اقلیت‌های دینی



برهه‌های مختلف از جمله جنگ تحمیلی در دفاع از کشور، جانفشانی کرده‌اند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران گفت: امروز تعدادی زیادی از پیروان اقلیت‌های دینی در کسوت پزشکی و پرستار در بیمارستان‌های کشور مشغول خدمت رسانی به مردم بوده و در مقابله با این بیماری تلاش می‌کنند.

حجت‌الاسلام محمد حسن ابوترابی‌فرد رئیس شورای فرهنگ عمومی استان تهران نیز در این مراسم گفت: حفظ حقوق پیروان ادیان الهی در کشور باعث ایجاد وحدت بین آحاد جامعه ایران شده است و بحث جایگاه پیروان ادیان الهی در ایران و در نگاه قرآن و پیشوایان معصوم، یک واقعیت بسیار مهم و تثبیت شده و بیانگر احترام ویژه‌ای است که اسلام برای عقیده، فکر، اندیشه و باور افراد قائل است.

ابوترابی فرد افزود: بر اساس قانون اساسی، باید به مبانی اعتقادی و فکری پیروان ادیان الهی غیر از اسلام احترام گذاشت تا آنان به احوال شخصی و مبانی اعتقادی خود عمل کنند، اصولی که باعث شده تا امروز، اقلیت‌های

نخستین آئین تجلیل از نویسندگان، مؤلفان و مدافعان سلامت اقلیت‌های دینی استان تهران به میزبانی شهرستان پاکدشت و به همت دفتر مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرمانداری، شهرداری و شورای شهر شهرستان پاکدشت، ۲۷ اردیبهشت ماه در پردیس ابوریحان دانشگاه تهران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران این مراسم با حضور مهدی یوسفی جمارانی فرماندار پاکدشت، بشیری نماینده مردم شهرستان در مجلس، حجت‌الاسلام ابوترابی امام جمعه تهران و رئیس شورای فرهنگ عمومی استان تهران، حجت‌الاسلام لزومی امام جمعه شهرستان، جاودانی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، خانم مروستی مدیرکل دفتر اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران، شیرازی معاون سیاسی و انتظامی فرمانداری، علیدادی بخشدار شریف آباد، خانواده شهدا و نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس و دیگر مسئولان برگزار شد.

در این مراسم احد جاودانی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران گفت: این طرح برای اولین بار در استان تهران برگزار شد که در آن از ۳۰ نفر از نویسندگان، ناشران و مدافعان سلامت پیروان ادیان توحیدی از جمله کلیمیان، آشوریان، ارامنه و زرتشتیان فعال در حوزه نشر، نویسندگی و مدافعان سلامت تجلیل بعمل آمد.

احد جاودانی افزود: آنچه امروز در تاریخ ایران اسلامی به خوبی به چشم می‌خورد این واقعیت است که تمامی پیروان ادیان توحیدی، فارغ از دین و آئین خویش، خود را ایرانی و مدافع فرهنگ ایران می‌دانند و با تمام وجود و در



همچنین در این آئین از دکتر یونس حمای لاله‌زار، مرجان یشایایی، آرش آبائی از نویسندگان کلیمی، مهرداد قدردان نویسنده زرتشتی، اندرانیک سیمونیان، گارون سرکیسیان، اندرانیک خچومیان از نویسندگان مسیحی - ارامنه و خانم ژاستت صلیبی از نویسندگان مسیحی آشوری تجلیل شد.

علاوه بر این، در این مراسم از دکتر سلیمان کهن صدق، جهانبخش قهرمانی، سرژیک آزارباش و دکتر موریس محبتی مقدم به عنوان نمایندگان مدافع سلامت و خانم بلدینا خمونیان مادر شهید دفاع مقدس ربرت لازار تقدیر به عمل آمد. ■

دینی در مجلس شورای اسلامی صاحب ۵ کرسی و نماینده باشند.

امام جمعه موقت تهران با اشاره به سخن امام راحل که همه ما ملت واحد و ید واحدیم تصریح کرد: یکی از عوامل مهم خلق قدرت، وحدت ملی است و برگزاری چنین جلساتی، نماد وحدت ملی آحاد جامعه است چرا که با تحلیل رفتار جامعه کلیمیان، زرتشتیان، ارامنه، مسیحیان و پیروان سایر ادیان الهی در چهار دهه گذشته، نقش آنان در شکل گیری این وحدت و اقتدار به خوبی نمایان است.

رئیس شورای فرهنگ عمومی استان تهران گفت: جامعه مسیحیان ایران تا کنون ۹۴ شهید، ۳۴۶ جانباز و ۱۰ آزاده، جامعه کلیمیان ۱۱ شهید، ۴۰۷ جانباز و ۲ آزاده، جامعه زرتشتیان ایران ۴۲ شهید، ۲۴۴ جانباز و یک آزاده و جامعه ارامنه ایران ۷۴ شهید، ۳۵ آزاده و ۱۰۵ جانباز در راه دفاع از تمامیت ارضی ایران اسلامی تقدیم کرده‌اند.



اصفهان از نگاه یک جهانگرد یکجا نشین

لئا دانیالی

عضو هیئت مدیره‌ی انجمن کلیمیان اصفهان

لازم است به این نکته توجه شود که این گزارش مشاهدات ۸ ساله من است و علاوه بر محدود بودن صرفاً از دریچه چشم من دیده شده و قابل تعمیم و مستند نیست. همچنین گرچه این مقال از قضاوت‌گری هم خالی نبوده اما کوشش بر آن بوده که بیشتر به توصیف بپردازد، مثلاً از نظر نویسنده جامعه مدرن و سنتی رجحانی بر یکدیگر ندارند و صرفاً هرکدام سبکی از زندگی هستند.

نه در طول تاریخ در وصفش هر چه گفته باشند از پس توصیف برنیامده‌اند.

از فرهنگ این شهر به سبب مسطح بودن آن دوچرخه سواری است چه در جایگاه وسیله نقلیه برای همه چه در قالب تفریح دسته جمعی در روزهای تعطیل. صرف شام و یا دیگر وعده‌های غذایی هم در هر گوشه سبز این شهر بیش‌تر خانوادگی رواج است. شهر پاکیزه است و مردمش به این فرهنگ پای بندند. اصفهانی‌ها اهل چانه‌زنی‌اند و به مقصد بودن معروف‌اند. خوش لهجه، حاضر جواب و متل‌گویند. چند مثال را بخوانید:

میزبان رو به میهمان: گرد کفشدونا رو سر ما تکوندین. (منت به ما گذاشتین تشریف آوردین).
دستفروش کنار چهارباغ: از تولید به ضرر، از تولید به ضرر، از مغازه بی در و پیکر ما دیدن کنید.

بلال فروش کنار سی و سه پل: بلال‌های ما رژیمی، فاقد اسیدهای چرب، ارگانیک و ارزان و تقویت کننده مو، روشن کننده پوست و افزایش دهنده قوای جنسی. بشتابید بشتابید. کوچک کننده بینی، بازکننده بخت دختران.

پیرزن به سبزی فروش: حاج آقا مصطفی آمو خُب مغازه را رُفتین. (منظور: گل سبزی‌هایی که به من فروختی زیاد است).

روزها در اصفهان گویی طولانی‌تر است و افق دید بازتر. زندگی آن تب و تاب و ضربان ثانیه‌ای تهران را ندارد اما خمود هم نیست. مردان هر روز ظهر برای نهار به خانه برمی‌گردند و کرکره مغازه‌ها عموماً ظهرها پایین است. ترافیک هم هست اما نه آنقدر که روزت را شب کند. به سبب آن که جای جای این شهر ثبت میراث فرهنگی یا یونسکو است، خانه‌ها عموماً سه طبقه و تراکم ساختمان‌ها قابل قبول و افق دید شهر تقریباً باز است. طلوع و غروب خورشید را در خانه و محله می‌توان دید. این شهر زیباست زیبا زیبا، آثار معماری چشم‌نوازش که رشک جهان است و زیباتر آن که زنده است یعنی زندگی روزمره در آن جریان دارد. مثلاً بازارچه حسن‌آباد که قدمتی صفوی دارد تقریباً همه حجره‌هایش پر است و از سبزی‌فروشی و بقالی گرفته تا تولید آثار هنری گذر مردم است. یا جالب است که بانک ملی بر چهارباغ و نیش بازار هنر که آن هم قدمت صفوی دارد طاق چشمه‌ای و گنبد خانه‌ای مرتفع دارد و از این‌ها دست چه در جلفا و جاهای دیگر شهر کم نیستند. از این‌ها گذشته سرسبزی اصفهان را کم‌تر جایی دارد، گذشته از دنبال رودخانه که به حاشیه دو طرف رودخانه که از میانه شهر می‌گذرد گفته می‌شود و سراسر سبز است و تفرج‌گاه و باغ‌ها و باغچه‌های سرآمدی چون باغ گل‌های معروف و عمارت آینه‌خانه و باغ غدیر و ناژوان و باغ پرندگان را شامل می‌شود، خود گذرها مثل چهار باغ خواجو و چهارباغ عباسی که نزدیک یک سالی است که پیاده راه شده و درختان سر به گردون‌سای دارند. در دسر نهم زیبایی اصفهان را من که

اصفهان شهری مذهبی است و اصلا به شهر گنبد‌های فیروزه‌ای معروف است. سحر و مغرب صدای اذان در اکثر کوچه‌هایش طنین‌انداز است. مسلمان و کلیمی در اعتقادات خود متعصب‌اند. صاحبان ادیان با مدارا در کنار هم زندگی می‌کنند اما رواداری چندان جایی ندارد. زندگی اصفهانی‌ها لایه لایه است و مثل خانه‌های تاریخی بیرونی و اندرونی دارد. نمی‌دانم شاید از دوره صفوی آغاز شده و در دوره قاجار مستحکم شده باشد، خانه‌ها بیرونی و اندرونی داشته‌اند و فرهنگ امروز اصفهان هم به این سبک معماری بی‌شبهت نیست. روابط، اعتقادات و نوع سلوک با دیگران بیرونی و اندرونی دارد. شاید سال‌ها از عمر رابطه‌ای بگذرد و صمیم دوستی طرفین بر یکدیگر نامعلوم باشد. چند مثال می‌زنم. اکثر خانه‌ها در اصفهان فضایی جداگانه برای مهمان دارند که عموما با ظروف نقره قلم‌کاری شده و سطول‌های خاتم‌کاری شده، مبلمان منبت‌کاری شده با تاج‌های سلطنتی آذین یافته‌اند و این تصویر مجاز برای ارائه به دیگران است. شاید کمتر به نوع معماری یا چینشی بر بخوریم که فضای میهمان و میزبان یکی باشد. البته در این سبک زندگی زنان همچنان در پرده هستند، چه در بازار کار و چه در زمینه تحصیل و یا حق انتخاب همسر. در جامعه‌ی خودمان دیده‌ام دخترانی را که بعد از دیپلم به سبب آنکه انتظارشان از همسر آینده افزایش نیابد با وجود قبولی در دانشگاه از تحصیل باز داشته شده‌اند. همچنین ازدواج در سنین پایین در جامعه خودمان رایج است و به اصطلاح پسران و دختران چشم و گوش بسته به خانه بخت می‌روند و اصلا این چشم و گوش بستگی از محاسن محسوب می‌شود و سبک زندگی است.

مردان کلیمی اصفهان عموما در صنف فروشندگان پوشاک‌اند و توانسته‌اند به رشد اقتصادی خوبی برسند و اختلاف طبقاتی در جامعه کلیمی اصفهان چندان چشمگیر نیست و تعداد بی‌بضاعتان انگشت‌شمار است. محل سکونت اکثر کلیمیان اصفهان تقریبا در شعاع یک کیلومتری کنیسی‌ای کتر داوید قرار گرفته و همین هم‌محله بودن به نوعی هم‌ردیفی اجتماعی را سبب شده است. ادامه تحصیل

حاج آقا مصطفی به دکان دار همسایه: حج آقا
مرتضی الهی که دیگه اَمسال خدا قسمتتون کوند به حق علی شوما قریونی من بری. (نوعی چاق سلامتی با ارادت).
حاج آقا مرتضی خطاب به نوکاسبان: اون موقعی که شوما سماور ذغالیا را جا ضریح بوس می‌کردی لبادون داغ می‌شد، ما دکون دار بودیم.

نوکاسبان خطاب به یکدیگر: معلوم نیست چه که که ای میذارن لا کوکو می‌دن دسی مردم. البته ناگفته نماند شهروندان در گذر و معبر عموما به طرز پوشش، نوع رفتار، گفتار و قضاوت کلامی گویا دارند (متلک گو هستند) و به نظرم مخصوصا بانوان نوعی خشونت رایج را تجربه می‌کنند.

کلیمیان اصفهان هم البته لهجه و گویش مخصوص به خودشان را دارند که برای مخاطب ناآشنا چندان قابل درک نیست و متاسفانه چون در روزگار نو دهان‌ها به آن ورزیده نشده کم‌کم دارد از دهان می‌افتد. و این گویش مملو از اصطلاحات و دعاها و نقطه مقابلش نفرین‌هاست. چند مثال از آن می‌آورم:

دعاها:

کاسه زانیات مو اسپز کی آ: آنقدر عمر کنی و زنده باشی که در کاسه زانوهایت موی سپید درآید.
خدا گوشداریدونا بکرا: خدا از شما نگهداری کند.
همه خبیا را خِدا سردون ریجا: خدا همه خوبی‌ها را برسر تان بباراند.

رحم و رحمانیت‌های خِدا پِرا آمه‌ای: رحم خدا برای همه بیاید

تعارف:

این چای را تو زانیات که: چای را قوت زانویت کن.

نفرین:

مغنا سیا سرش کا: در عزای عزیزانش مغنه سیاه بیوشد دلش آو سیا بارا: دچار بیماری بدخیم شود.
نخل جونیش پهنون خاک بیا: جوان مرگ شود.
خدا کُجی سارش کرا: خدا کورش کند.

می‌شود و در نهایت مغازه سلیمان صدیق پور که هم مرجع دینی کلیمیان اصفهان است و ریش سفید بین آنان که در خانواده به شکلی برخوردارند و صاحب دفتر رسمی و هم هنرمند و هم هنرشناس از فیروزه کوبی گرفته تا قاب خاتم و مینیاتور در مغازه‌اش یافت می‌شود. و سنت دینی و اجتماعی رهبرانی دینی سنتی از جمله ملا شیمعون را ادامه داده است. دکانش محل رجوع غریب و قریب است. نفس گرمی دارد و سخنش حق است چه برای حل اختلاف چه برای راهگشایی در سوالات مربوط به تاریخ و فرهنگ کلیمیان چه درباره هنر محل رجوع است.

کلیمیان اصفهان چندان اهل تفریح نیستند و و از آنجا که پایبندی مذهبی دارند استراحت و تفریحشان اغلب در برگزاری شب‌های خلاصه می‌شود. رفت و آمدهای خانوادگی و جشن و پایکوبی و مهمانی همراه با رقص مگر در عروسی‌ها رایج نیست و از آنجا که چندسالی است که به طور متناوب رستوران کاشر راه‌اندازی شده صرف وعده غذایی درکنار هم هم جای چندانی ندارد و کنیسا کتر داوید یکی از مراکز اصلی فعالیت اجتماعی جامعه کلیمی اصفهان است. اگر تفریحی هم در کار باشد بروز بیرونی ندارد. جالب است بدانیم نرخ تفریحات و خدمات در اصفهان نسبت به تهران پایین‌تر است.

در اصفهان تقریباً همه یکدیگر را شناسایی دارند و به قول خودشان باخواجه‌گانشان را می‌شناسند این موضوع در چند زمینه اثر داشته است. مثلاً در ازدواج، رفت و آمد پسر و دختر چندان ملاک نیست که این شناسایی عمیق خانوادگی نقش ایفا می‌کند و از طرف دیگر به سبب همین قلت جمعیت اعمال و رفتار اکثر اعضای جامعه قابل رصد است و قضاوت اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. سیستم عملکرد شبیه به قبیله‌است. از نظر مذهبی اکثرها به شیوه سنتی دین پایبندند البته با گسترش یهودیت و هلاک‌های وارداتی، پای آن به اصفهان هم باز شده و طرفداران خودش را دارد و طرز اداره کثروت و گاه‌ها فعالیت جوانان را هم تحت تاثیر خود قرار داده و گاه‌گاه تندروی‌هایی را هم سبب شده اما عموماً پایه اعتقادی خانواده‌ها با یهودیت سنتی عملکرد

چندان رایج نیست و خواهان ندارد. از طرف دیگر اصفهانی‌ها اهل پز دادن و به رخ کشیدن نیستند و یک فرهنگ دیگر اینکه خود را بر سر چشم و زبان دیگران نمی‌اندازند و به این اندرز مولانا که می‌گوید: «دانه باشی مرغکانت برچند | غنچه باشی کودکانت برکنند | دانه پنهان کن به کلی دام شو | غنچه پنهان کن گیاه بام شو» به خوبی گوش سپرده‌اند. و همین هم سبب آن شده که سبک زندگی ایشان چندان تفاوتی با یکدیگر نداشته باشد.

یکی از مراکز تجمع کسبه کلیمی پاساژ انقلاب است که بر تابلوی مغازه‌ها نام‌های عبری و حتی با ضبط عبری دیده می‌شود. به نظر من که اگر بخواهند تفیلا (نماز) را به جماعت بخوانند «مین یان» (حد نصاب نماز جماعت) هم بیشتر دارند و خدا براخا (برکت) دهد. یکی از مغازه‌های شاخص چه از لحاظ کالا و خدمات و چه گارگشایی اجتماعی مغازه تیپیک مربوط به خانواده سپارزاده است. یوسف سپارزاده از مدیران آن است که یکی از اعضای انجمن کلیمیان اصفهان و عضو هیئت مدیره پاساژ نیز هست، به خون‌گرمی و کارگشایی شناخته شده به همین مناسبت مغازه‌اش به نوعی دفتر مراجعان و جلسات اجتماعی هم هست. تقریباً مقابل پاساژ انقلاب در آن سوی میدان پاساژ سپاهان در آن هم چند کلیمی به کسب مشغولند از جمله بیژن خاکشور که هیچوقت در مغازه نیست و چهره فرهنگی و اهل مطالعه جامعه کلیمیان اصفهان است. او هم از اعضای انجمن کلیمیان است و سالیان است که در فعالیت‌های اجتماعی، آموزش دینی و فرهنگی و هنرهای نمایشی (تاتر) دستی بر آتش دارد. خودش دانش آموخته کارگردانی سینماست و یکی از ستون‌های نحله تاتر کلیمیان اصفهان بوده است. بسیاری از داراش (سخنرانی‌های پر محتوای شب‌های شب‌ات (شنبه) از سخن او گرم می‌شود.

بعد از پاساژ انقلاب به سمت چهارباغ عباسی چندین مغازه هست که از هنر و تخصص کلیمیان سخن به میان می‌آورد. برادران دکاییم که زمینه شناخت هنر و عتیقه دستی دارند و مغازه ایزاک که به صنایع دستی مربوط

الایام عضو آن کنیسا بوده‌اند هم معروف شده است. مثلا کنیسا بزرگ (بله) به کنیسای میرآخور یا کنیسای موشه حیا به کنیسا سعدیا شاید بعضی از این کنیساها در شب شبات چراغشان روشن نشود و اهالی آن به کنیسای کترداوید بیایند. اما اهالی حتما صبح شبات را در کنیسای محله برگزار می‌کنند. کلیمیان اصفهان جز آن که در شب‌های شبات خوراکی‌هایی از دست انواع خورشت‌ها دارند در روز شبات انواع حلیم‌ها و آش‌ها و غذای سنتی این روز را مانند بهشیره، گییا، شوربا، حلیم گندم و سبزی، تودلی (ور بستنی با سبزی‌های معطر) صرف می‌کنند.

اصفهان با اینکه جمعیت اندکی از کلیمیان را در خود جا داده اما افراد سرشناس و موفق در خود کم ندارد از جمله آقای صیون ماه‌گرفته که من ترجیح می‌دهم به سبب رافت توام با دانایی آقای ماه معرفی‌شان کنم. از آنجا که سیستم ریش‌سفیدی و کدخدایی در جامعه کوچک اصفهان کارکرد دارد ایشان در کسوت ریاست انجمن کلیمیان اصفهان کدخدایی مهربان بوده‌اند و البته ایشان از پیشگامان صنعت ایمنی در ایران هستند.

از دیگر افراد سرشناس پرفسور موسی نقرئیان از اساتید پیشکسوت زمین‌شناسی در دانشگاه اصفهان هستند و دیگری مهندس سلیمان ساسون مهندس معمار برجسته، نقاش و رئیس سابق انجمن کلیمیان اصفهان و پسرشان ایگال ساسون از اساتید به‌نام موسیقی. در اصفهان البته در زمینه موسیقی باید از شلمو عاقلیان با صوت داودی‌اش و ژاکوب حناساب نوازنده چیره‌دست نام برد. حتی در تهران هم عقبه چندین چهره اجتماعی و سرشناس اجتماعی چون دکتر سیامک مره‌صدق و دکتر همایون سامیح و ... را می‌توان در اصفهان جستجو کرد. ■

دارد. و آنچه بسیار نادر کالمعدوم است شیوه نگرش مدرن به دین و زندگی است. مثلا مستقل شدن فرزندان خارج از چارچوب ازدواج در هر سنی تقریبا امری محال است.

از رسوم کلیمیان اصفهان پختن آتش تاسه

است که با بارداری زنی یا عروسی در فامیل دیگر زنان فامیل یا در کنیسا یا خانه آش‌رشته پخته و دیگران را هم دعوت می‌کنند. یکی دیگر از ویژگی‌های مراسم شادی در اصفهان سادگی آن است مثلا برای مراسم بریت میلا یا نام‌گذاری دختران یا برمیصوا همزمان با شحریت مراسم عموما در کنیسا و کنیسای کترداوید واقع می‌شود و پذیرایی ساده و دلنشینی چون تخم مرغ آب‌پز و شیرینی گردانده می‌شود و اهالی کنیسا شیرا و زیمر (سرودهای مذهبی و محلی) خوانده و صدای کِل و هل‌هله زنان شادی بخش مجلس است. در عروسی‌ها هم پس از ساخت تالار عروسی‌ها همه در همین تالار جشن می‌گیرند، پذیرایی بسیار ساده‌تر از تهران و برای همه میزبانان تقریبا یکسان است.

در رُش‌هسانا (ایام سال نو عبری) پیش از این شور

و غوغایی در زیارتگاه سرح بت آش‌ر واقع در پیر بکران اصفهان برپا بوده تا آنجا که تا ۵۰۰ نفر جمعیت را در خود جا می‌داده و ارکستر شادی شامل ارگ و تنبک و خواننده برپا بوده و دیگ‌های بزرگ آش‌رشته نذری در حال جوشیدن بودند. اما در این سال‌ها که من در اصفهان بودم هم به سبب قلت جمعیت و هم به سبب هلاخایی که شادی سال نو را در کنار آرامستان جایز نمی‌شمارد این سنت رو به افول است.

از دیگر سنت‌ها زیارت **ملا یعقوب ماری** در روز تعنیت تیشعا به آو (روزه ۹ آو) است. مرسوم است که زیارت کنندگان که تعنیت (روزه) هم هستند از سر نشان دادن سوگواری شالم (سلام) هم نمی‌گویند و در شمع‌خانه‌ی کنیسا شمع می‌گیرانند.

در محله جوباره حدود ۱۸ کنیسا وجود دارد که به نام خانواده‌های شرکت‌کننده و نگاه‌دارنده کنیسا هم که از قدیم

دینداری یهودیان ایرانی در پنجاه سال اخیر

گزارشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب
نگارش: فهیمه اشعری، استاد راهنما؛ دکتر مهربان صادق نیا، استاد مشاور؛ آرش آبائی، استاد داور؛ دکتر علی شهبازی، تیرماه ۱۴۰۰

۴- دلیل دیندارتر شدن مردم یهودی ایران در این سال‌ها چه بوده است؟
۵- رابطه‌ی یهودیان ایران با بقیه‌ی مردم ایران چگونه است؟
۶- مشارکت مذهبی و رفتن به کنیسه بعد از انقلاب چگونه بوده است؟
۷- آزادی دینی و امنیت دینی جامعه‌ی یهودی ایران چگونه ارزیابی می‌شود؟
۸- چه درک دینی متقابلی بین مردم یهودی ایران و دیگر مردم ایران وجود دارد؟
۹- کارکرد کنیسه در جامعه‌ی یهودی ایران چیست؟
در جمع‌بندی مصاحبه‌ها و تحلیل آن چنین می‌توان گفت که یهودیان ایرانی معتقدند جامعه‌ی آن‌ها در این پنجاه سال، دیندارتر شده است که از مهم‌ترین دلایل آن تأثیر حکومت اسلامی با پدیده‌ی انقلاب اسلامی و دیندارتر شدن جامعه‌ی اکثریت و کوچکتر شدن جامعه‌ی اقلیت و حتی تبدیل مذهب به یک مکانیزم دفاعی به چشم می‌خورد. در این دین‌افزایی، بُعدی همچون مشارکت در مناسک بیشتر شده و با بالا رفتن اطلاعات و آگاهی مذهبی، فزون یافته است. دلیل اصلی این دین‌افزایی را انقلاب اسلامی و تأسیس یک دولت دینی در ایران دانسته‌اند که باعث شده یهودیان به هویت مذهبی خویش حساس‌تر شوند و سعی کردند که بیشتر به آن بپردازند. گویه‌هایی از این قبیل مؤید این حاصل است: «عامل اصلی دینداری، همان جامعه یا هسته‌ی بالاتر است. وقتی از صبح در رادیو و صدا و سیما از خدا صحبت می‌شود، این روی ما هم تأثیر می‌گذارد.» و «... واقعیت این است که بعد از انقلاب اسلامی، توجه به دین و اصول دینی و حضور در مناسک دینی مثل کنیسا بیشتر شده.» و «... مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی توجه به دین و الهیات بیشتر شده.» و «... به مرور با انقلاب مردم خیلی دیندارتر شدند و جامعه‌ی ما هم بیش‌تر به دین روی آوردند.» و «... در ایران مردم

دینداری جامعه‌ی مسلمان ایران در پنجاه سال اخیر، با روی کار آمدن حکومت دینی با وقوع انقلاب اسلامی، بی‌شک تغییر و افزایش یافت. با توجه به رویکردی از دینداری مبنی بر باورها و نمایش‌های دینی؛ جای این سؤال باقی است که این دین‌افزایی، تأثیری در دینداری جوامع اقلیتی ایران از جمله جامعه‌ی یهودی ایران نیز داشته است؟ از آن جا که این موضوع، فحوص و جستجویی نو و تازه بود و هیچ منبع و فرضیه‌ای برای این پرسش وجود نداشت، برای دستیابی به پاسخ به جامعه‌ی یهودی ایران رجوع کرده و به شیوه‌ی مصاحبه پرداخته شد. برای این گفتگوی شفاهی، چند نفر از جامعه‌ی یهودی انتخاب شدند و چند پرسش در خصوص اوضاع دینداری آن‌ها پرسیده شد.

مصاحبه شونداگان عبارتند از: حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار؛ دکتر همایون سامه‌یح نجف‌آبادی؛ هارون یشایایی؛ مرجان یشایایی؛ فرانک عراقی؛ مهندس روبرت خالدار؛ مهندس آرش آبائی.

این پژوهش به وضعیت کیفی دینداری یهودیان ایرانی در بازه‌ی زمانی پنجاه سال اخیر و نحوه‌ی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی به مثابه بستر تاریخی اجتماعی این موضوع، پرداخته است. پرسش اساسی این است که کیفیت دینداری یهودیان ایرانی در نیم قرن اخیر به چه صورت بوده است. در پی این پرسش تأثیرات انقلاب اسلامی به عنوان بستر تاریخی این بازه زمانی، مورد کنکاش قرار گرفت.

گزیده‌ای از سؤالاتی که در این پژوهش از مصاحبه کنندگان پرسیده شد عبارت بودند از:

- ۱- دینداری یهودیان ایرانی را در ۵۰ سال اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۲- روند عمل به مناسک دینی در نیم قرن اخیر به چه صورت بوده است؟
- ۳- آگاهی دینی در این پنجاه قبل چه روندی داشته است؟

همیشه حد وسط بودند. نه این طرفی نه آن طرفی از لحاظ دینی. خیلی از کسانی که می‌خواستند دینداری شدیدتری داشته باشند، از اینجا رفتند.....»

یهودیان کنیسه را محلی فراتر از عبادت می‌دانند. در واقع کنیسه علاوه بر محل عبادت و نیایش، محلی برای یهودیان ملتزم، محلی برای آموزش برای همه یهودیان می‌باشد. کنیسه محلی برای دیدارها و ملاقات‌های یهودیان است. جایی که به تبادل نظرات در مورد مسائل مختلف می‌پردازند. در حقیقت کنیسه تبدیل شده است به یک مرکز وصل با کارکردهای اجتماعی. یعنی کنیسه علاوه بر این که محلی برای عبادت یهودیان دیندار و ملتزم باشد، محلی امن برای دیدار و گرد هم آمدن همه یهودیان فارغ از انگیزه‌ی دین و التزام به آن می‌باشد.

یهودیان ایرانی معتقدند که در روابط خود با دیگر مردم ایران حسن روابط وجود دارد که حاصل نوع نگرش مثبت مردم و حکومت و سیاست است. احترام و حسن تعامل نتیجه‌ی این است که هموطنان ایرانی یا یهودیان ایران را مثل بقیه‌ی هموطنان فارغ از هر دین و کیش می‌پندارند و یا با نگاهی دین‌باورانه به یهودیت به عنوان یکی از ادیان الهی و یهودیان ایرانی را به عنوان پیروان دینی نگاه می‌کنند. اما در این بین مسائلی وجود دارد تا سوء رفتارهایی را برای مردم ایران نسبت به یهودیان ایران ایجاد کند. بی‌اطلاعی و ناآشنایی و یا حتی اطلاعات کم و ناقص و منفی و درک کمتر از یهودیان ایران در این سوء رفتار و سوء تفکرات سهم به‌سزایی داشته است. در این میان، رویش و رشد تفکر صهیونیستی و تسری دادن آن به یهودیان ایران را باید با ذره‌بین دقت و توجه نگاه کرد. یهودیان ایران بر این باورند که خط و مشی تفکر آن‌ها از تفکر صهیونیسم کاملاً جدا است که در نقل قول‌های آن‌ها کاملاً مشهود است.

پس از انجام این پژوهش، به جای خالی مطالعاتی در حوزه‌های مختلف یهودیان ایران پی بردم و برخی از آن‌ها را به عنوان مسأله‌ی مطالعاتی و پژوهشی پیشنهاد می‌کنم که قسمت‌هایی از این کار توسط پژوهشگران دیگر به صورت عمیق‌تر انجام شود. ■

یهودی دیندارتر شدند؛ چون جامعه‌ی بزرگتر دیندارتر شده و می‌دانید که وقتی شما در یک جامعه‌ی خیلی مذهبی زندگی می‌کنید، مذهبی شدن، یک نوع مکانیزم دفاعی می‌شود و یک نوع ایجاد امنیت بین مردم می‌کند.»

یهودیان معتقدند که «آموزش مذهبی و سطح آگاهی دینی در مدارس ایران از حالتی که پیش از انقلاب وجود داشته که سکولار و کم اهمیت در سطح جامعه بوده؛ در آمده و تبدیل به آموزش حرفه‌ای و کاربردی دینی شده و به جز مدارس، کنیساها هم این آموزش‌ها را دنبال می‌کنند.» و «در مورد انجام مناسک دینی، من آدم‌های بیشتری را می‌بینم که این‌ها را رعایت می‌کنند، افرادی که تا به حال شنبه را رعایت نمی‌کردند. اما الان افراد خیلی بیشتری شنبه را رعایت می‌کنند، سرکار نمی‌روند، غذا نمی‌پزند و بیشتر استراحت می‌کنند.» گویه‌ای که میل به آگاهی و آموزش را تأیید می‌کند: «میل نسل جوان مخصوصاً گرایش به شناخت یهودیت و این که بدانند؛ خیلی زیاد شده. تقریباً در همه‌ی کنیساهایمان بعد از انجام نماز، دور هم جمع می‌شوند و یکی که آگاه‌تر است تورات، تلمود، مزامیر یا دیگر کتاب‌ها را می‌خواند.» و «بعد از انقلاب، کتاب‌های دینی تدوین شد، یعنی معادل تعلیمات دینی اسلامی، تعلیمات دینی یهودی هم تدوین شد و فضای مذهبی یهودی، غلیظ‌تر شد.» مؤید تلاش‌های گوناگون جهت افزایش آگاهی دینی در جامعه‌ی یهودی ایران می‌باشد.

یهودیان ایرانی بر این نظرند که امنیت و آزادی دینی خوب و منطقی و کاملاً آزادانه‌ای در انجام مراسم و امور دینی خویش دارند. از نظرات و گویه‌های متفاوت افرادی که با آن‌ها مصاحبه کردم، به این نتیجه رسیدم که مفهوم اعتدال دینی، نوعی مفهوم نسبی است که بسته به فراخور نگاه افراد و جامعه تعریف می‌شود. «اعتدال وجود دارد. نه جمهوری اسلامی ما را اجبار کرده نه حاخام‌های ما. هر کس می‌تواند در خانه‌ی خودش دین داشته باشد یا نداشته باشد.....» و «اکنون به خاطر فضای مذهبی کشور، یک یهودی هم قاعدتاً معادل تبلیغات اسلامی را در دین خویش جست و جو می‌کند..... فضا به قولی یهودی‌تر شده» و «یهودیان ایرانی

بازتاب روایات تلمود بابلی در تفاسیر اسلامی

مهندس آرشد آباتی



نشست علمی «بازتاب روایات تلمود بابلی در تفاسیر اسلامی» ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۹ در سالن کنفرانس امام موسی صدر دانشگاه ادیان و مذاهب برگزار شد.

دکتر آزاده احسانی در این نشست علمی گفت: یکی از شاخه‌های تلمودپژوهی، مقایسه حکایات موجود در تفاسیر قرآن (اسرائیلیات) با روایت‌های مشابه تلمودی است. در این گفتار دو روایت تلمودی مرتبط با حضرت سلیمان(ع) با دو روایت از تفاسیر قرآن مقایسه شدند.

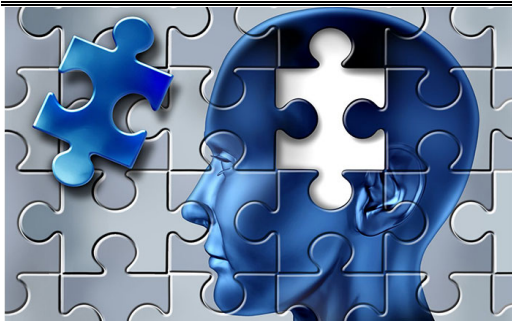
وی افزود: در بخش نخست، روایت‌های موجود در تفاسیر کهن (مانند تفسیر طبری و تفسیر صنعانی) که در تفسیر سوره صاد آیه ۳۴ آمده‌اند، با روایت مشابه از تلمود بابلی رساله گیتین ۶۸ ب مقایسه شد. پس از مقایسه مشخص شد که روایت موجود در برخی از تفاسیر مانند تفسیر صنعانی و تفسیر طبری دقیقاً مشابه حکایت تلمودی است.

(سنه‌درین ۲۱ الف) برای تفسیر آیات ۳۴-۳۱ سوره صاد بهره برده‌اند.

دکتر احسانی در ادامه این نشست گفت: بسیاری از آنچه به عنوان اسرائیلیات در تفاسیر قرآنی آمده‌اند، مشابهی در عهد عتیق ندارند و در نتیجه می‌توان این فرضیه را که آنچه به عنوان اسرائیلیات در تفاسیر قرآن می‌شناسیم، عمدتاً از تلمود بابلی وارد تفاسیر شده‌اند، مطرح نمود. برای مفسران قرآن و پژوهشگران حوزه تفسیر، تلمودپژوهی می‌تواند بسیار راه‌گشا بوده و سودمند افتد. ■

در ادامه بر این نکته که روایت قرآنی مطالبی فراتر از آنچه در تلمود آمده است، شامل می‌شود نیز تأکید شد و پس از بررسی بیشتر مشخص شد که روایت اسلامی از کتاب «عهد سلیمان» (کتاب pseudoepigraphic مربوط به قرون ۳-۱) و همچنین از کتاب سوم تواریخ هرودوت نیز بهره برده است.

در بخش دوم این گفتار مباحثه‌ای از عالمان یهودی درباره شیوه حکمرانی حضرت سلیمان(ع) با تأکید بر تعدد همسران و اندوختن ثروت و همچنین گرد آوردن اسبان بسیار از رساله سنه‌درین ۲۱ الف با تفاسیر سوره صاد آیه‌های ۳۱ تا ۳۴ مقایسه شد. در برخی تفاسیر کهن قرآنی در تفسیر این آیات حکایتی آمده است که به حکایت پی کردن اسبان توسط حضرت سلیمان (ع) مشهور است. با مقایسه این دو دسته روایات از تلمود و تفاسیر قرآن به این نتیجه می‌رسیم که مفسران قرآنی از مباحثه عالمان یهودی



پله‌ی همدلی



لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی

از این مکالمات به جایی نمی‌رسید که هیچ، اصلا بین شما ارتباط برقرار نمی‌شود و باعث می‌شود از هم دورتر شوید. چون در این نوع گفتگوها، راه باز نیست، درک و همدلی وجود ندارد، فرصت نمی‌دهید طرف مقابل هیجانات خود را بروز دهد. بنابراین، یا برای همیشه سکوت می‌کند و مسائل خود را جایی دیگر و یا با کسی دیگر بیان می‌کند یا از این به بعد هیجان غالب بین شما خشم خواهد بود. برای همین است که بسیاری از همسران در مورد همدیگر، یا والدین و نوجوانان در ارتباطاتشان می‌گویند ما با هم نمی‌توانیم صحبت کنیم، تا می‌خواهیم شروع به حرف زدن کنیم دعویمان می‌شود. چرا؟

چون این نوع مکالمات در سطح هیجان آغاز می‌شوند اما در سطح فکر ادامه پیدا می‌کنند. این اشخاص در یک پله قرار ندارند، با هم ارتباط ندارند؛ برای همین راه گفتگوی سالم مسدود شده، ادامه مکالمه خراب می‌شود. وقتی دیالوگی بین دو نفر در سطح هیجان شروع می‌شود فرد دوم بهتر است در همان سطح با او ادامه دهد علی‌رغم این که میل دارد در سطح فکر ادامه بدهد؛ مثلا می‌خواهد به او توصیه‌ای ارائه دهد، نصیحتی بکند یا دستوری بدهد، اما بهتر است خودش را هم سطح مخاطبش نگه دارد و در آن سطح با او ادامه دهد؛ به تدریج بعد از درک و هم‌بانی و همدلی، می‌بیند فردی که احساس درک شدگی و دیده شدن پیدا کرده، حالا آغوش خود را برای شنیدن پیشنهادات یا انتقادات باز می‌کند.

فکر می‌کنید افراد چرا وقتی در کنار دوستی هستند که روابط صمیمی با یکدیگر دارند یا وقتی در اتاق درمان در کنار روانشناس هستند به راحتی خود را ابراز می‌کنند، گریه می‌کنند، خشم خود را خالی می‌کنند و از غم‌ها و دردهای خود به راحتی حرف می‌زنند؟ چون جای امنی قرار گرفته‌اند که در آن جا و پیش آن شخص، قضاوت نمی‌شوند،

- دوست ۱: من دوستش دارم نمی‌تونم فراموشش کنم.
- دوست ۲: باید بتونی کنارش بذاری، شما به درد همدیگره نمی‌خورید، می‌دونی اگه خانواده‌ت متوجه بشن کلی برات بد میشه!

- پسر ۸ ساله: مامان من از بابا متنفرم، امروزم مثل دفعه‌های قبل قولش یادش رفت.
- مادر: پسرم آدم که نباید در مورد پدرش اینطوری حرف بزنه، پدرت کار می‌کنه و خسته میشه، باید درکش کنی.

- زن: تو اصلا منو نمی‌بینی، مدت‌هاست احساس می‌کنم دیگه منو دوست نداری.
- شوهر: چرا این فکر رو می‌کنی؟ مگه نمی‌بینی من این همه برای تو و بچه‌ها زحمت می‌کشم؟

- دختر: من از این خواستگاره خوشم نیامد؛ چطوری بگم، در این مدت آشنایی اصلا نتونستم جذبش بشم.
- مادر: خوش اومدن مال بعد از ازدواجه، الان فقط ببین که اون سرش به تنش می‌ارزه و خانواده خوبی داره!

- شوهر: چرا توی همه‌ی تفریحاتمون باید امیر و خانواده‌ش هم باشن؟ من از این آقا خوشم نیامد، یه بارم بدون اونا بریم.

- زن: چرا؟ چون از نظر مالی از ما بالاترن؟ ماشین خوب سوارن و خوب خرج می‌کنن؟

- پسر ۱۴ ساله: پویا و سیاوش بچه‌های خوبی هستن، ازشون خوشم میاد، فردا هم قرار داریم با هم بریم بازی.

- پدر: اونا کجا خوبن پسر جان؟! هر روز توی پارک علاف! یکی شونم سیگاریه، درس هم نمی‌خونن.

دوست ۱: تو میگی چکار کنم؟ گیر کردم؛ از طرفی دلم می‌خواد باهاش ادامه بدم از طرفی فایده‌ای در ارتباط با مرد گرفتاری که سرش همیشه شلوغه و بهانه‌های زیادی برای نبودن با من داره نمی‌بینم.

دوست ۲: آره عشق یک طرفه رنج زیادی داره، خیلی سخته آدم کسی رو بخواد که اون به همون اندازه نخواد، البته این از ضعف تو هم هست. باید روی ضعف خودت کار کنی و بینی برای تو سود ادامه‌ی این رابطه بیشتره یا زیانش؟

این نوع ارتباطات را افرادی بلدند که از هوش هیجانی خوبی برخوردارند. مهم نیست ارتباط بین همسران باشد یا بین دو همکار، بین کارفرما و کارمند باشد یا خواهر و برادر. مهم این جنس ارتباط است که در همه جا کاربرد دارد و کیفیت رابطه را ارتقا داده، به دوستی، همکاری و صمیمیت بیشتری منجر می‌گردد.

پسر ۱۴ ساله: پویا و سیاوش بچه‌های خوبی هستن، ازشون خوشم میاد، فردا هم قرار داریم با هم بریم بازی.

پدر با لحن شوخی: می‌بینم که هر وقت با اونا میری بیرون بهت خوش می‌گذره و خوشحالی. مگه چکار می‌کنید؟ منم یه بار با خودتون ببرید.

پسر با اشتیاق: پویا یه بازی جدید بلده که برای من و سیاوش هم نصب کرده و بهمون یاد داده سه تایی بازی می‌کنیم. پدر: چه خوب!

پسر: سیاوش هم فوتبالتش خوبه.

پدر: آفرین به سیاوش. اونا مثل تو درس خون هستن؟ پسر: پویا حفظیات و ادبیاتش خوبه اما توی ریاضی ضعیفه، سیاوش برعکس ریاضی‌ش خوبه.

پدر: خب پس یه تیم سه نفره هستید که هر کدوم نقاط قوت و ضعفی دارید.

وقتی ارتباط به خوبی و به شکل درست شکل بگیرد احساس امنیت و اعتماد بین افراد به وجود می‌آید. در سایه‌ی امنیت و اعتماد است که آنها می‌توانند حرف‌های مگویشان را با یکدیگر عنوان کنند و ترس از تنبیه، طرد یا قضاوت شدن نداشته باشند. پس از شکل‌گیری ارتباط صحیح و احساس امنیت و اطمینان بین شما و مخاطب‌تان، آموزش، تذکر، عیب‌یابی و اصلاح خطا می‌تواند قابل اجرا باشد. ■

حرف‌شان بریده نمی‌شود، دردشان سرکوب نمی‌شود، از آنها با کلمه‌ی «چرا» پرسش نمی‌شود و اعتماد دارند که حرف‌شان پیش دیگری بازگو نمی‌شود.

از نظر فیزیولوژی مغز، قسمت کوچکی از مغز به نام آمیگدال^۱ یا بادامه با ادراک و ابراز هیجانات انسان ارتباط دارد. آمیگدال که در سیستم لیمبیک^۲ مغز ما قرار گرفته، نقش مهمی در به یاد آوردن خاطراتی که بار هیجانی برای ما دارند داشته، پاسخ‌های هیجانی ما را کنترل می‌کند. وقتی آمیگدال فعال می‌گردد، مسیرهای عصبی منتهی به قشر پیش‌پیشانی^۳ مغز که مسئول فکر کردن، منطق و استدلال کردن است مختل می‌گردد؛ به همین علت وقتی مشغول بحث با فردی هستید که قسمت هیجانی مغزش فعال شده از بحث با شما کناره می‌گیرد. چرا؟ چون در آن زمان بخش آمیگدال مغزش فعال شده، قشر جلوی پیشانی او غیرفعال است و دلش می‌خواهد شما هم به آن شیوه با او همراهی کنید، بنابراین قادر به بحث کردن به طور سالم با شما نیست. پس یا از گفتگو کنار می‌کشد یا دعویاتان می‌شود.

از طرفی، نیمکره راست مغز مسئول مدیریت احساسات است به این معنی که احساسات هر فرد از سوی نیمکره راست درک و ابراز می‌شود. بنابراین اگر فرد مقابل بخواهد با نیمکره چپ خود با این شخص گفتگو و بحث کند قادر به برقراری ارتباط خوب و رضایت‌بخش با او نخواهد بود.

دوست ۱: من دوستش دارم نمی‌تونم فراموشش کنم. دوست ۲: می‌دونم دوستش داری خب خیلی وقته که این احساس در تو شکل گرفته و کنار گذاشتن و فراموش کردنش به راحتی نیست.

در این مثال صحیح، فعلا تنها چیزی که دیده می‌شود همدلی فرد دوم با دوست خود است؛ یعنی همراهی او با دوستش در سطح هیجان بدون دستکاری احساس وی، قضاوت کردنش یا ارائه نظر و انتقادی به او. وقتی نفر اول درد و رنج ناشی از یک حس را بیرون بریزد و به اصطلاح از نظر هیجانی تخلیه بشود آمادگی فکر کردن به طور منطقی یا شنیدن دیدگاه‌ها و توصیه‌های دوست خود را پیدا می‌کند.

1 - Amigdala

2 - Limbic system

3 - Prefrontal cortex

گذری بر تاریخچه کنیساهای تهران

کنیсай زرگریان و مدرسه اتحاد نو (بخش پایانی)

مهندس مهراں ملک

کارشناس معماری



مقایسه و بررسی مجموعه فرهنگی - مذهبی زرگریان نسبت به سایر کنیساهای شمال و شمالغرب تهران

در طول اواخر دهه‌ی ۱۳۴۰ خورشیدی (ابتدای تأسیس کنیсай زرگریان) و طول دهه‌ی ۵۰ تا اواسط دهه‌ی ۶۰ کنیсай زرگریان و مدرسه اتحاد نو از شهرت و درخشش خاصی در میان کلیمیان منطقه مذکور برخوردار بود، حتی با وجود کنیساهایی چون ابریشمی، عبدالله‌زاده، کنیсай خراسانی‌ها، گیشا، یوسف‌آباد و کنیсай حکیم در مناطق شمال و شمالغرب تهران، به مدت دو دهه و اندی، کنیсай زرگریان و مجموعه‌ی مرتبط با آن همچنان از شهرت و محبوبیت خاصی در میان کلیمیان تهران آن زمان برخوردار بود و این البته با زحمات بی‌شائبه شادروان عبدالله زرگریان و همکاران و دوستان خیراندیش وی میسر گردیده بود.

وجوه تشابه و تمایز کنیсай زرگریان نسبت به

سایر کنیساهای

قاعدتاً اکثر کنیساهای مربوط به کلیمیان در ایران و به‌ویژه در شهر تهران به دو صورت طراحی و ساخته شده‌اند: یا از حیاط به ساختمان کنیسا وارد می‌شدند و یا مستقیماً از سمت خیابان یا کوچه از داخل خود ساختمان ورود به کنیسا صورت می‌پذیرفته است، البته کنیساهایی که مدرسه نیز جزئی از آنها بوده است، ابتدا وارد حیاط کنیسا شده و سپس وارد خود کنیسا می‌شدند که مسلماً کنیсай زرگریان نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. فقط در مورد کنیسا و مجتمع آموزشی اتفاق گفتنی است که این مورد در مورد این مجموعه صادق نبوده و ورودی مدرسه از داخل خود ساختمان (از سمت خیابان) و ورودی کنیسا از سمت حیاط از درب کاملاً مجزا انجام می‌گردد.

نکته شاخص و قابل توجه در ساختمان کنیсай

زرگریان

با توجه به این که ساختمان کنیсай زرگریان به‌صورت

یک سازه سه طبقه و یک نیم تراس همکف، احداث شده و با توجه به این موضوع که رفت و آمد به طبقه سوم (طبقه کنیسا) برای افراد سالمند و ناتوان و کودکان به سختی صورت می‌گرفته است، مهندس منوچهر کهن، (مجری طرح احداث کنیسا)، از همان ابتدا در طراحی ساختمان کنیسا، یک دستگاه بالابر الکترونیکی (آسانسور)، جهت سهولت در امر رفت و آمد به کنیسا در نقشه معماری آن لحاظ نموده بود. قابل ذکر است که در حال حاضر هیچ کنیسایی را در تهران نمی‌توان یافت که در طراحی آن از آسانسور بهره‌گیری شده باشد و فقط ساختمان کنیсай زرگریان از این خصوصیت برخوردار می‌باشد.

شرحی بر تاریخچه کلاس‌ها و آموزش‌های گروه تلمود تورای کنیсай زرگریان

قابل ذکر است که حدود ۳۳ سال پیش (اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰) خورشیدی برای اولین بار تفکر ایجاد کلاس‌های آموزش تعالیم تورات مقدس در بین نونهالان، جوانان و

و هاراو مُشه (پیام) خاکشور، هاراو بنیامین رنگ‌کار (ساکن خارج از کشور)، هاراو نیما (مُشه) رنگ‌کار. خانم‌ها: بَتی رنگ‌کار (شمسیان)، آنابل شیم‌طوو (ماه‌گرفته) و خانم شهرزاد یعقوبی (همدانی‌کهن) که همگی ساکن خارج از کشور می‌باشند.

تحولات مدرسه اتحاد نو (زرگریان) در طول نیم قرن گذشته

قاعدتاً در طول سال‌هایی که از تأسیس مدرسه اتحاد نو (از سال ۱۳۴۷ خورشیدی تاکنون) می‌گذرد، مدرسه دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شده است که مهم‌ترین آنها کاهش تعداد نفوس دانش‌آموزان و به تبع آن کاهش تعداد کلاس‌های مدرسه دقیقاً به نصف (یعنی از ۱۸ کلاس به ۹ کلاس) می‌باشد. ضمناً پیش از پیروزی انقلاب، آموزش در مدرسه در تمامی مقاطع تحصیلی به صورت مختلط (دختر و پسر) صورت می‌گرفت اما در حال حاضر مدرسه در اجاره‌ی آموزش و پرورش است و در مقطع ابتدایی و تا پایان پایه ششم و فقط به صورت مدرسه دخترانه فعالیت دارد. لازم به ذکر است که مدرسه دارای یک سالن نمازخانه و ۳ اتاق اداری نیز می‌باشد.

یادی از افراد شاخص و بنیان‌کنی‌های زرگریان و مجتمع آموزشی اتحاد نو

زنده یاد عبدالله زرگریان، شموئیل خدادادی، شادروان آقاجان ناتانی، اسحق دیان، آقای حنینا مَلَمِد، موسی بَرلاوی، سلیمان آراسته منش، داود ویکتوری، روح‌الله پطری، لاله‌زار خلیلی، برادران حکمت و شادروان اسحق جاذب.

و کلامی چند بر پایان سخن

در پایان لازم است از تمامی افرادی که در تهیه و تنظیم مقاله مذکور بنده را یاری و مدد رساندند سپاسگزاری نمایم: آقایان هارون یشایایی، هاراو نیما (مُشه) رنگ‌کار، آلبرت عیسی‌خاریان و داود گبای‌زاده (مسئولین کنیسی‌های زرگریان) و تشکر خاص از مدیریت محترم دبستان اتحاد نو (خانم سیما پذیرا) و همچنین معاونت محترم دبستان (خانم زهرا عباسی) ■

اهالی کنیسی‌های زرگریان آغاز شد. آقایان مرحوم روبن مشیرزاده، هوشمند گلبندی، دکتر رامین، یوسف حثیم ستاره شناس به همراه فرامرز یونسی به جهت تشکیل این کلاس‌ها با جناب حاخام اوریل داویدی (مرجع دینی وقت کلیمیان) مشورت نمودند و پاسخ مثبت و حمایت همه جانبه ایشان را در این زمینه دریافت کردند. کلاس‌ها با کمک خدا شروع شد و با وجود گرفتاری‌ها و موانع بسیاری که بر سر راه وجود داشت، جوایزی به جهت تشویق هرچه بیشتر فرزندان و نونهالان جامعه در جهت آموختن تعالیم تورات مقدس خریداری گردید که این امر توسط شخصی صدیق، خدا ترس و خادم جامعه کلیمی بنام آقای داوید مولائی که بعدها مسئولیت کلیه کلاس‌ها را برعهده گرفت، انجام شد. بعدها معلمینی به جهت همکاری در کلاس‌ها دعوت شدند تا به صورت خودجوش و عاشقانه بدون هیچگونه چشم‌داشتی آموزش زبان عبری و تعالیم تورات مقدس را به فرزندان جامعه آغاز نمودند. برگزاری مراسم مختلف از جمله مسابقات و گردش‌های دسته‌جمعی و سایر تشویق‌ها باعث گردید که تعداد افراد علاقمند از کوچک تا بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان و خردسال مشتاق حضور در این کلاس‌ها شوند.

کلاس‌ها در ابتدا یک روز در هفته برگزار می‌شد، اما بعدها از یک روز به ۳ روز در هفته افزایش یافت و به یاری پروردگار بعدها از میان افرادی که در این کلاس‌ها شرکت می‌کردند، افراد شاخص و معروفی بپا خاستند که در حال حاضر باعث افتخار جامعه کلیمیان در تمامی عرصه‌های علوم مذهبی و حتی غیرمذهبی می‌باشند.

این راه با تلاش و قوت مضاعف ادامه یافت تا به جایی که هم اکنون در چندین کنیسی‌های معروف در سطح تهران، گروه آموزش تورات (تلمود تورا) مشغول آموزش علوم مختلف مذهبی به فرزندان جامعه کلیمی می‌باشند.

یادی از معلمین قدیم و معاصر گروه تلمود تورا کنیسی‌های زرگریان

خانم‌ها: پروین ناتان باخما، ساندرای خلیلی، نازنین عاقل، یدیدسیون، طناز ستاره‌شناس و خانم بَتی رنگ‌کار آقایان: هاراو دکتر یوسف حثیم ستاره شناس، فرامرز یونسی، کوروش یونسی و هاراو یوسف حثیم شیم‌طوو معلمین سال‌های اخیر تلمود تورا زرگریان عبارتند از: خانم‌ها: افسانه سیله، الیزا سیله، آنا ماه‌گرفته

آقایان: کوروش یونسی، آلن عیسی‌خاریان، پیمان گبای‌زاده، نیما رنگ‌کار، هاراو داوید (مهرداد) ساسانی‌فرد

منبع

سیر تحولات ادیان مختلف در مشرق زمین، تألیف دکتر عبدالحسین کیایی دیالمه



یهودیان لتونی (لاتویا) Latvia

سیما افلاقی (ره‌آ)

مترجم زبان انگلیسی

های جهانی و هولوکاست ترکیب جمعیتی متنوعی را در این کشور فراهم آورده است و براساس سرشماری سال ۲۰۱۱ تنها ۶۲٫۱ درصد جمعیت را لتونی تبارها تشکیل می‌دهند و روسی تبارها، یهودیان، لهستانی‌ها و تبارهای رومانی، آلمانی، لیتوانی، بلاروس و استونیایی بخش‌های دیگر جمعیت را شامل می‌شوند.

زبان رسمی کشور لاتوین (Latvian) است و در مدارس این کشور زبان‌های روسی، انگلیسی، آلمانی و فرانسه هم تدریس می‌شود. دین رسمی این کشور مسیحیت است اما ادیان دیگر مانند یهودیت، اسلام و هندو در این کشور به رسمیت شناخته می‌شوند و مورد احترام هستند.

تاریخ زندگی یهودیان لتونی

قدیمی‌ترین مواجهه یهودیان با ساکنان این سرزمین به قرن ۱۴ میلادی باز می‌گردد، زمانی که «لتونی» توسط شوالیه‌ها اداره می‌شد و صلیبیون یهودیان را مهاجران خطرناکی می‌دانستند لذا برای مدت دوپست سال اقامت یهودیان را در آن سرزمین ممنوع اعلام کردند. با این حال تعداد انگشت‌شماری از بازرگانان یهودی به این سرزمین آمد و شد می‌کردند و گواه این ادعا وجود سنگ قبری در شهر «Jelgava» (از شهرهای لتونی) است که متعلق به فردی یهودی است.

کشور «لتونی» که انگلیسی زبانان آن را «لاتویا» و آلمانی زبانان آن را «لتلند» می‌نامند، کشوری است مستقل که در شمال اروپا و شرق دریای بالتیک واقع شده است. این کشور در شمال با «استونیا»، در جنوب با «لیتوانیا»، در شرق با «روسیه»، در غرب با «سوئد» و بالاخره در جنوب شرقی با کشور «بلاروس» هم مرز است. در سرشماری سال ۲۰۱۹ جمعیت این کشور ۱,۹۲۰,۰۰۰ نفر برآورد شده است و به دلیل شیب نزولی تولد در این کشور و رشد مهاجرت، میزان جمعیت آن رو به کاهش است. اکثر جمعیت این کشور شهرنشین هستند و به دلیل امکان بهتر اشتغال در Riga، پایتخت این کشور، سکونت دارند. این کشور در طول تاریخ تجارب تلخ و پر آشوبی با کشورهای آلمان، سوئد، روسیه و لهستان داشته است. و در مقاطع مختلف تاریخ به اشغال یکی از این کشورها درآمده است تا این که در ۲۱ اگوست سال ۱۹۹۱ استقلال خود را از کشور روسیه که بعد از جنگ جهانی دوم مجدداً این کشور را به زیر سلطه خود درآورده بود اعلام نمود و از آن زمان حکومت این کشور از نوع جمهوری دموکراتیک پارلمانی است. در این کشور دموکرات، آزادی مطبوعات، اینترنت و فردی به طور کامل به رسمیت شناخته می‌شود و استاندارد زندگی در سطح بسیار بالایی قرار دارد. این کشور در زمره کشورهای توسعه یافته قرار دارد و از درآمد ناخالص ملی بالایی برخوردار است و در ماه می ۲۰۰۴ به عضویت اتحادیه اروپا در آمد.

اشغال‌های مکرر از سوی کشورهای همسایه، جنگ

می‌کردند. آنها اجازه داشتند که مانند دیگر شهروندان تجارت کنند.

این کشور در مقطعی تحت حکومت کشور سوئد درآمد و پس از آن این کشور در جنگ موسوم به جنگ شمال به دست روسیه تزاری افتاد. در سال ۱۸۸۱ تعداد یهودیان Riga ۱۴,۲۲۲ نفر و Courland ۴۷,۶۷۱ نفر برآورد شده بود. در برخی شهرها ۵۹ تا ۶۹ درصد جمعیت را یهودیان تشکیل می‌دادند. در همان سال موج یهود ستیزی امپراطوری روسیه دامان یهودیان لتونی را هم گرفت زیرا روس‌ها از یهودیان متنفر بودند و براساس قوانین جدید یهودیانی که تجارتشان با آن چه که به ثبت رسانده بودند تفاوت داشت مجبور شدند به سرزمین زادگاه خود بازگردند. آنها از کار در مشاغل دولتی منع شدند و دسترسی آنها به تحصیل و دانشگاه محدود شد. فقط یهودیانی اجازه ماندن یافتند که هر ساله خراج سنگین پرداخت کنند و یا به دین مسیحیت درآیند. بسیاری از حاکمان لتونی در مقابل این موج با یهودیان همراه شدند و ایستادگی کردند. در پی این سخت‌گیری‌ها بسیاری از یهودیان به کشورهای امریکا، بریتانیا و آفریقای جنوبی مهاجرت کردند.

با روی کار آمدن کاترین دوم در روسیه قوانین بر علیه یهودیان سخت‌تر شد و بازرگانان یهودی اجازه داشتند برای تجارت تنها شش هفته در مکان مشخصی در حاشیه شهر Riga (محل کنونی ترمینال اتوبوس ریگا) اقامت کنند.

پس از شکست روسیه در جنگ کریمه، دولت روسیه دست به اصلاحات گسترده زد و از جمله قوانین سخت‌گیرانه علیه یهودیان را تغییر داد و به یهودیان اجازه اقامت و تحصیل داده شد. در نتیجه یهودیان از بلاروس، لهستان و لیتوانی راهی لتونی شدند.

در اوایل قرن بیستم ۳۲ مدرسه یهودی با ۵۰۰۰ دانش‌آموز در Riga تاسیس شده بود. شهروندان یهودی مورد اعتماد و احترام بودند و در جهت پیشرفت کشورشان نقش پر رنگی داشتند. اما این روزهای خوش دیری نپایید و با ترور الکساندر دوم، تزار روسیه، جانشین وی الکساندر

در اواخر قرن شانزدهم توافقنامه‌ای بین لهستان و لیتوانی در مورد رعایت حقوق یهودیان به امضا رسید و پس از آن دوک «Riga»، پایتخت کنونی «لتونی»، حق صدور مجوز ورود یهودیان را به این شهر به دست آورد و یهودیان لیتوانی و لهستان راهی آنجا شدند. اولین گروه بزرگ یهودیان در سال ۱۵۷۱ به دنبال دعوت اسقف شهر «Courland»، سومین شهر بزرگ این کشور، که تحت کنترل دولت دانمارک درآمد بود وارد آن شدند و اولین انجمن یهودیان را تشکیل دادند. آنان بر این باور بودند که یهودیان خلاقیت اقتصادی دارند و می‌توانند وضع اقتصادی این دوک نشین را بهبود بخشند. این گروه از یهودیان مجاز بودند که در آنجا خانه بخرند و یا کنیسا بسازند. تا قرن نوزدهم ۲۳۰۰۰ یهودی در این استان زندگی می‌کردند و تا سال ۱۷۱۷ از حقوق برابر با دیگر شهروندان برخوردار بودند.

«Kurzeme» دیگر شهر لتونی است که در قرون هفدهم و هیجدهم پذیرای یهودیان آلمانی و روسی شد. این یهودیان تحصیلات دانشگاهی داشتند و به زبان Yiddish (ایدیش) سخن می‌گفتند. نقش آنان در پیشبرد صنعت و تجارت این کشور به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست. بزرگترین کارخانه‌های چوب، قسمت اعظم تجارت گندم و الوار و تخم‌کتان و کارخانه‌های مختلف به دست ساکنان یهودی این کشور اداره می‌شد و حضور پر رنگ یهودیان در تمامی عرصه‌های اقتصادی چشم‌گیر بود به طوری که در شهر Riga صاحبان ده بانک خصوصی یهودیان بودند و حتی یک یهودی به فرمانداری یکی از شهرها منصوب شده بود.

گروهی دیگر از یهودیان بلاروس و اوکراین هم به دنبال کشتار یهودیان توسط Hmelnitsky (رهبر شورشی در اوکراین که بر علیه حکومت لهستان بر این کشور دست به شورش زد که در نهایت این حرکت منجر به تسلیم اوکراین به روسیه شد) وارد شهر دیگر لتونی به نام «Latgale» شدند. این گروه از تحصیلات کمتری برخوردار بودند و به زبان عبری و لهستانی صحبت

پس از آن دولت لتونی به همه اقلیت‌های قومی و مذهبی حقوق مساوی با دیگر شهروندان اعطا کرد. شهروندان یهودی از نظر سیاسی بسیار فعال بودند و تا سال ۱۹۳۶ شش عضو در پارلمان این کشور داشتند و بسیاری از آنان در شهرهای دیگر صاحب مناصب دولتی بودند و حتی در وزرات آموزش و پرورش این کشور بخشی برای اداره مدارس یهودی تعیین شده بود.

علیرغم این که یهودیان لتونی ریشه اروپایی و سکولار داشتند، از زندگی مذهبی فعالی هم برخوردار بودند و در آن زمان دارای دویست انجمن مذهبی بودند. بسیاری از آنان در سیستم سلامت این کشور نقش داشتند و بسیاری از صنایع و کارخانه‌ها و سیستم حمل و نقل به دست آنان اداره می‌شد. در دهه ۱۹۳۰ تعداد یهودیان ساکن لتونی بالغ بر ۹۳۰۰۰ نفر می‌شد که حدود نیمی از آنان در پایتخت سکونت داشتند.

آن گونه که ذکر شد یهودیان در بازسازی اقتصاد و توسعه لتونی نقش پر رنگی داشتند. ۶۰٪ سرمایه مردم در بانک‌هایی بود که صاحبانشان یهودی بودند و صاحبان این بانک‌ها با ایجاد رابطه با بانک‌های کشورهای انگلستان و آمریکا اقدام به جذب سرمایه‌های خارجی برای توسعه کشور خود کردند. در دهه ۲۰ میلادی با سرمایه‌ای که توانستند از آمریکا جذب کنند کلیه کارخانه‌های چوب، پارچه، لاستیک و کاغذ را بازسازی کردند. صنایع ساختمان‌سازی و بیمه هم توسعه یافت و بدین طریق برای هزاران نفر شغل ایجاد شد و بدین ترتیب از رکود اقتصادی ناشی از جنگ جهانی اول نجات یافتند.

در بین یهودیان لتونی هنرمندان، بازیگران تئاتر و موسیقیدانان فراوانی ظاهر شدند. آنان حتی دارای یک سالن تئاتر بودند.

روشن شدن آتش یهودستیزی

بعد از جنگ جهانی اول احساسات آنتی سمیتیزم در اروپا کم‌کم ریشه گرفت ولی در لتونی هیچگاه مورد حمایت قرار نگرفت به طوری که اولین وزیر خارجه و دو نخست‌وزیر این کشور تبار یهودی داشتند. اما از سوی دیگر گروه‌های ملی‌گرای افراطی بر علیه یهودیان که اکنون

سوم پس از به قدرت رسیدن در اولین اقدام قوانین سخت‌گیرانه‌ای را علیه یهودیان لتونی وضع کرد. در نتیجه گروه بزرگی از یهودیان اقدام به مهاجرت به فلسطین و یا کشور آمریکا کردند و گروهی دیگر از بازماندگان به گروه‌های انقلابی که مخالف تسلط کشور روسیه بر سرزمینشان بودند پیوستند.

جنگ جهانی اول

در سال ۱۹۱۴ تعداد یهودیان ساکن لتونی ۱۹۰,۰۰۰ نفر برآورد می‌شد. در آن زمان یهودیان بیمارستان، مدارس و روزنامه و مجلات خود را اداره می‌کردند و در شرایط بسیار خوبی بسر می‌بردند. اما با شروع جنگ جهانی اول شرایط تغییر کرد و این جنگ جهانی بیشترین تاثیر منفی را در زندگی یهودیان این سرزمین داشت.

در سال ۱۹۱۵ کشور آلمان به لتونی حمله کرد حاکمان روسیه شایعه ساختند که یهودیان با آلمان همکاری و همدستی می‌کنند و در نتیجه احساسات یهودستیزانه در لتونی بالا گرفت. دوک «نیکلایوویچ»، فرمانده ارتش روسیه، طی یک اعلان ۲۴ ساعت به یهودیان فرصت داد که خاک لتونی را به مقصد سیبری ترک کنند. ۷۵۰۰۰ یهودی توسط قطارهای واگن‌دار به سیبری تبعید شدند. بسیاری از آنان در مسیر و یا به دلیل سرمای شدید سیبری جان خود را از دست دادند.

بعد از انقلاب ۱۹۱۷ بلشویک‌ها، یهودیان باقی مانده در لتونی کمیته‌ای را تشکیل دادند تا مهاجران را از روسیه بازگردانند اما به دلیل بهم خوردن شرایط سیاسی روسیه این کار ممکن نشد.

در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۸ اولین اعلامیه استقلال لتونی منتشر شد. این پیروزی پس از یک مبارزه طولانی، که مسئولیت بخشی از مبارزه بر شانه سربازان یهودی بود، به دست آمد. هزاران سرباز یهودی بین سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۲۰ همپای سایر هموطنانشان برای استقلال کشور خود جنگیدند و بسیاری از آنان جان خود را از دست دادند. هم اکنون مجسمه یادبود چند تن از آنان در شهر Riga قرار دارد.

هولوکاست در لتونی

آلمان با اشغال لتونی شروع به کشتار یهودیان کرد. در یکی از پایگاه‌هایی که برپا شده بود ۲۰۰۰ یهودی به جوخه اعدام سپرده شدند. کنیساها به آتش کشیده شد. ۳۵۰۰۰ یهودی تا اکتبر ۱۹۴۱ کشته شدند. برای مابقی یهودیان مقررات سختی وضع شد از جمله این که تنها در ساعات محدودی اجازه خروج از خانه را داشتند و یا این که باید آرم ستاره داوود را بر روی لباس خود می‌دوختند. سپس یهودیان را به گتویی در حوالی شهر Riga منتقل کردند. هیتلر تصمیم گرفت که یهودیان سایر کشورها را هم به این گتو منتقل کند و برای اینکه جا برای آنها باز شود دستور کشتار این یهودیان را صادر کرد. لتونی دارای محیط جنگلی زیادی است لذا مکان‌هایی را در جنگل برای انجام اعدام‌ها تعیین کردند و ۲۷۸۰۰ یهودی در این پایگاه‌های جنگلی به کام مرگ فرستاده شدند. هم اکنون بیش از دویست نقطه در این کشور هست که گواه بر اعدام‌های دسته‌جمعی یهودیان به دست نازی‌هاست. بیش از هفتاد هزار یهودی از جمله یهودیان کشورهای چکسلواکی، اطریش، آلمان، مجارستان و سایر کشورهای اروپایی در این کشور توسط آلمان نازی به کام مرگ فرستاده شدند.

Himler افسر ارتش آلمان، از نتیجه کار راضی بود زیرا تنها ۶۰۰۰ یهودی در لتونی باقی مانده بود. مردم لتونی با این کشتار موافق نبودند اما توانایی مقابله با ارتش آلمان را نداشتند.

در طول این جنگ در لتونی ۷۰,۰۰۰ یهودی، ۱۸,۰۰۰ لتونیایی و ۲,۰۰۰ کولی کشته شدند.

در سال ۱۹۴۳ یهودیانی که زنده مانده بودند از گتو به کمپ برده شدند و سپس ارتش روسیه آنان را به کمپ‌هایی در آلمان و لهستان منتقل کرد که اغلب آنان در آنجا کشته شدند. در نتیجه این جنگ لتونی بخش اعظم جمعیت تحصیلکرده و سربازانی که برای استقلال کشور خود جنگیده بودند و پزشکان و وکلا و هنرمندان و صنعتگران خود را از دست داد.

نبض اقتصاد کشور در دستانشان بود و اغلب طبقه ثروتمند جامعه را تشکیل می‌دادند، شوریدند و فعالیت‌هایی را علیه آنان آغاز کردند. از جمله این که برخی از دانشجویان یهودی را مورد آزار قرار دادند و یا بمب دستی در کنیساها می‌انداختند. با شروع رکود اقتصادی مجدد بسیاری از صاحبان مشاغل کوچک شغل خود را از دست دادند و سازمان‌های ضد یهودی بر دامنه فعالیت‌هایشان افزودند.

به دنبال کودتای Rumbula (کودتای سال ۱۹۳۴ لتونی که به دنبال رکود اقتصادی به رهبری نخست وزیر Ulmanis انجام شد)، دولت سعی کرد که سرمایه‌های شخصی افراد را به اختیار دولت درآورد. بانک‌ها و کارخانه‌های متعلق به یهودیان از جمله این دارائی‌ها بود و پس از آن مجوز تجارت و صادرات برای یهودیان لغو شد. موقعیت‌های شغلی و کلا و پزشکان یهودی و فعالیت احزاب یهودی محدود شد. دفاتر روزنامه‌ها و مجلات یهودی بسته شد. سازمان‌های سوسیالیستی فعال در لتونی در همکاری با افسر آلمانی Himler، دست به تبلیغات بر علیه یهودیان زدند. در همان حال بسیاری از یهودیانی که از آلمان فرار کرده بودند به لتونی آمدند از جمله نویسنده معروف Shimon Dubnov که نویسنده کتاب ده جلدی تاریخ یهود بود. اما پس از آن دیگر به یهودیان اجازه ورود به لتونی داده نشد. با شروع تهدیدات هیتلر یهودیان بر این باور بودند که دولت روسیه از آنها پشتیبانی خواهد کرد و در نتیجه بسیاری از آنان به عضویت حزب کمونیست درآمدند.

جنگ جهانی دوم

در سال ۱۹۴۰ آلمان نازی کشورهای دانمارک، نروژ، هلند، فرانسه و بلژیک را اشغال کرد و لتونی هم به گمان محافظت از خود به ارتش سرخ روسیه اجازه ورود به کشورش را داد. آنان فکر می‌کردند که روسیه به استقلال آنها احترام خواهد گذاشت ولی سخت در اشتباه بودند و روسیه لتونی را به امپراطوری خود ملحق کرد و به دنبال آن شروع به دستگیری و تبعید یهودیان و لتونیایی‌ها به سبیری کرد. در آن سال ۱۵۰۰۰ نفر از جمله تعداد کثیری از یهودیان به سبیری تبعید شدند.

پس از جنگ جهانی دوم

پس از خاتمه جنگ یهودیانی که به روسیه رفته بودند و بازماندگان یهودیان آلمانی به لتونی بازگشتند. تعداد آنان ۱۴۰۰۰ نفر برآورد شده است. روسیه قصد داشت صنایع را در این کشور بازگشایی کند و بنابراین امکان یافتن شغل در لتونی بیشتر از کشورهای دیگر بود و مورخان این را یکی از دلایل عمده بازگشت یهودیان می‌دانند. قحطی حاکم بر کشور روسیه و شعله گرفتن مجدد احساسات ضد یهودی در روسیه از دیگر دلایل بازگشت یهودیان به لتونی بود.

در سال ۱۹۵۹ تعداد یهودیان لتونی به ۲۹۰۰۰ نفر رسید که اکثر آنان تحصیلکرده بودند اما روسیه اشغالگر آنان را از بسیاری از حقوق خود محروم کرده بود. با مرگ استالین آزار یهودیان متوقف شد اما با این حال هنوز یهودیان حق ورود به عرصه‌های علمی و دانشگاهی را نداشتند. ۱۶,۰۰۰ نفر از یهودیان لتونی تا سال ۱۹۸۹ به کشور اسرائیل مهاجرت کردند.

در اواخر دهه ۸۰ میلادی زندگی یهودیان در لتونی جان تازه‌ای گرفت و در شهرهای مختلف این کشور انجمن‌های مختلف یهودی مجدداً تاسیس شد. انجمن اصلی یهودیان در سال ۲۰۰۳ پایه‌گذاری شد که تا کنون مدیریت ده انجمن زیر مجموعه خود را در شهرهای مختلف برعهده دارد.

اعلام استقلال لتونی (لاتویا)

پس از فروپاشی شوروی، بسیاری از یهودیان لتونی نقش فعالی را برای برقراری دموکراسی و استقلال کشور خود بر عهده گرفتند. پروفیسور Wulfson یهودی یکی از این افراد بود که سخنرانی‌های تاثیرگذار او یکی از عوامل زمینه‌ساز استقلال لتونی شد. سرانجام در تاریخ ۴ ماه می ۱۹۹۰ لتونی استقلال خود را از کشور روسیه اعلام کرد. یهودیان خواستار تمامی آزادی‌هایی شدند که در سال ۱۹۳۴ داشتند. در آن سال اولین دبیرستان یهودی در Riga آغاز به کار کرد. دولت لتونی هم به منظور دلجویی از یهودیان و ایجاد محیط صلح‌آمیز اعلامیه‌ای را مبنی بر محکومیت نسل‌کشی آلمان نازی منتشر کرد. در این اعلامیه ذکر شده

بود که جمهوری دموکراتیک لتونی هیچگونه احساسات ضد یهودی را برنمی‌تابد و با همه نوع تبعیض مقابله خواهد کرد.

وضعیت کنونی یهودیان در لتونی (لاتویا)

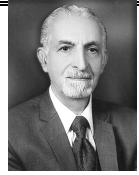
آن گونه که ذکر شد بیشتر یهودیان لتونی در پی سیاست‌های یهودستیزانه جان خود را در جنگ جهانی دوم و به دنبال اشغال‌های مکرر این کشور از دست دادند. اما جمعیت کنونی یهودیان در این کشور رشد خوبی داشته و برآوردهای متفاوتی از تعداد یهودیان این کشور ارائه شده است در سال ۱۹۹۴ کمیته مشترک امنیت ملی آمریکا و اروپا تعداد یهودیان را ۱۵۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰ و نشریه بین‌المللی سازمان ملل متحد تعداد آنان را ۲۵۰۰۰ نفر و در سال ۲۰۱۹ مرکز آمار این کشور تعداد یهودیان را بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر اعلام کرده است.

در مورد وجود احساسات ضد یهودی در کشورهای دریای بالتیک نظرات متفاوتی وجود دارد. رهبران یهودیان در این کشور بر این باورند که زندگی بسیار خوبی دارند و یهودستیزی در زندگی آنان نقش بسیار کم‌رنگی دارد. در حالی که به عقیده برخی دیگر بسیاری از افرادی که ملی‌گرای افراطی هستند یهودیان را مسبب تهاجم روسیه به این کشور می‌دانند و با سکونت یهودیانی که ممکن است زمانی برای آلمان نازی جاسوسی کرده باشند مخالفند.

یکی از مدیران امور اقلیت‌های قومی در وزارت دادگستری لتونی می‌گوید: «یهودیان لتونی جامعه متشکل و قدرتمندی هستند که سازمان‌های خود را دارا هستند از جمله در Riga آنان مدرسه، بیمارستان، کودکانستان و تئاتر خود را دارند. دولت به تمام گروه‌های قومی و مذهبی حقوق برابر با دیگر شهروندان اعطا کرده و یهودیان از آزادی کامل برخوردارند. سبک زندگی یهودیان لتونی در بین یهودیان دیگر کشورهای اروپایی نمونه است.» ■

منابع

- 1- Museum of Jewish in Latvia
- 2- Refworld
- 3- Jewish Virtual Library
- 4- Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Latvia



هیچ خواننده‌ای حق خواندن این مقاله را ندارد

استاد (ممن دلریم)

پژوهشگر و مدرس زبان و تعلیمات دین یهود



نخوان، خواننده‌ی عزیز نخوان، با شما هستم نخوان، مگر این «تیتیر» را ندیدی چه نوشته‌ام؟ پس تا زود است و از این جلوتر نرفته‌ای از خواندن بقیه مطلب صرفنظر کن. چرا خلاف دستور عمل می‌کنی؟ حق خواندن این مقاله از شما گرفته شده است، بنابراین بدون معطلی قبل از این که حرفمان به جاهای باریک بکشد خواندن این سطور را قطع کن و اگر فقط خیالت خواندن است یک چیز دیگر بخوان

این مجله محبوب بینا هفتاد هشتاد صفحه است!

محبوب بینا را به صورت دلخواه شما دریاوریم شما هم به این یک استدعای عاجزانه ما توجه کن ...
عجب باز هم که داری می‌خوانی باشه مانعی ندارد ولی یادت باشد که حتی یک خواهش کوچک ما را انجام ندادی و مطلبی را که ما برای خودمان نوشته بودیم و می‌خواستیم دیگران نخوانند لج کردی و خواندی و حالا هم با عجله مشغول خواندن بقیه آن هستی انگار سر دیگ حلیم رفته‌ای، ولی خواننده عزیز الان هم متوقف شو و بقیه را نخوان، باز هم داری می‌خوانی؟ بابا ایوالله، اقلاگ این کلمه را دیگر نخوان، ببین فقط یک کلمه را، فقط «یک کلمه» امضاء مرا ولی نه، تو از این آدم‌هاش نیستی «نرود میخ آهنین در سنگ» می‌دانم خیلی دلت می‌خواهد که باز هم من بنویسم بخوانی و لج مرا درآوری اما حالا که این طور شد من هم مطلب خودم را طوری می‌نویسم که نتوانی بخوانی، حالا اگر راست می‌گویی این‌ها را که می‌نویسم بخوان «.....» . ■

دور این مقاله را محض الله خط بکش، ببین خواندن این مقاله برای شما هیچ نفعی ندارد، نه اسرار بمب اتم در آن نوشته شده نه صحبت واکسن کرونا است و نه صحبت وزیر و فلان و بهمان است، فقط وقتت را تلف خواهد کرد و بس! بیکار هستی برو بگیر بخواب من و شما که با هم لج و لج‌بازی نداریم پس چرا می‌خواهی صدای مرا در بیاوری؟ بارک‌الله خواننده خوب دیگر نخوان بارک‌الله، به عجب باز هم که چشمت دنبال این مقاله است؟ ببین دیگر داری عصبانیم می‌کنی با چه زبانی بگویم؟ با زبان عبری بگویم: **אַל תִּקְרָא הַמַּאמָר הַזֶּה** (این مقاله را نخوان) با زبان خارجی بگویم: دو نات رید دیس آرتیکل.
باز هم که دست‌بردار نیستی، تو خیال می‌کنی حالا چون کسی بالای سرت نیست مانعی ندارد مقاله مرا بخوانی. ولی صحیح نیست من نباید این حرف را بزنم ولی این کاری که الان شما داری می‌کنی کار با تربیتی نیست دیگر نخوان! ... همانطوری که ما مثل یک بچه‌ی حرف شنو به دستور شما گوش می‌کنیم و سعی می‌کنیم مجله

عبادت به جز خدمت خلق نیست

یادی از استاد برجسته فیروزه کوبی ایران: روبن یروشالمی

بیژن فاکشور

عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان اصفهان



استاد روبن یروشالمی در سال ۱۳۲۸ در خانواده‌ای کلیمی در اصفهان به دنیا آمد. او کار فیروزه کوبی را از سن ۱۲ سالگی نزد پدر مرحومش استاد رحیم یروشالمی فرا گرفت و به‌خاطر وجود استعداد ذاتی و موروثی و علاقه فراوان به این صنعت از نوجوانی وارد این کار شد و بیش از ۶۰ سال از عمر خود را صرف این هنر منحصر به فرد کرد. وی صنایع دستی و فیروزه کوبی را به حد اعلا رساند و جدا از علاقه و توانایی ذاتی، از وجود استادانی همچون خاخم سلیمان صدیق پور بهره برد.

طبق برخی روایات، هنر فیروزه کوبی از مشهد به اصفهان آمد. با این حال فیروزه کوبی از معدود رشته‌های صنایع دستی است که سابقه تاریخی چندانی ندارد و به همین علت زیاد شناخته شده نیست و به طور تخمینی قدمت این صنعت در حدود ۸۰ سال می‌رسد. اصل این کار را استاد حکیمیان معروف به محمدرضا، از کشور روسیه وارد ایران کرد و در گذر زمان خاندان یروشالمی در اصفهان بهترین پرداخت را بر روی این هنر انجام داده و زیباترین نقوش را به یادگار گذاشتند که در ایران و جهان بی بدیل است. استاد روبن یروشالمی و خاندان وی شاگردان متعددی را در مسیر توسعه این هنر اصفهانی پرورش دادند.

هنر فیروزه کوبی هنر سهل و ساده‌ای نیست و به دلیل ظرافت‌هایی که دارد بسیار دشوار و مشقت‌آور است، حتی می‌توان گفت نسبت به صنایع دستی دیگر ریزه کاری- های فراوانی دارد. همچنین وسایل و موارد مورد نیاز این کار کمیاب است و کمتر کسی سختی این راه را بر جان می‌خرد. هنر فیروزه در گذشته بر روی ظروف برنجی انجام می‌شد ولی امروزه به علت نیاز بازار و استقبال مردم از این

کار، روی ظروف مسی انجام می‌گیرد.

استاد یروشالمی بارها از علاقه و رغبت خود بر این حرفه و صنعت سخن گفته بود و معتقد بود سختی کار با عشق و علاقه و پشتکار قلبی آسان می‌شود. یکی از علایق استاد یروشالمی تربیت هنرآموزان در این مسیر بود، اگر چه همواره به همراهی علم و هنر در کنار یکدیگر عقیده داشت و همواره هنرآموزان خود را از موانع و سختی‌های صنعت فیروزه کوبی آگاه می‌کرد.

استاد یروشالمی نحوه آشنایی خود با فیروزه کوبی را این گونه تعریف می‌کرد: دهه‌ی چهل همسایه ما به نام محمدرضا حکیمیان از کشور روسیه به ایران آمده و آثار کوچک و تزئینی فیروزه کوبی در مشهد را دید و بعد از



آمدنش به اصفهان کارگاهی دایر کرد. او پیرمردی حدود ۸۰ ساله بود و در کارگاهش ۱۸ نفر برای او کار می‌کردند. او مرد خیرخواهی بود و عمومی من «الپاهو یروشالمی» هم با او همکاری می‌کرد. من هم وقتی از مدرسه می‌آمدم به نزد عمومی می‌رفتم و کار را یاد می‌گرفتم. پدرم «رحیم یروشالمی» در خیابان طالقانی کنونی مغازه پارچه فروشی داشت تا این که وقتی من کلاس ششم بودم دزد به مغازه پدرم زد و وضعیت کار

که بعد از مدتی تغییر رنگ بدهد و مشخص شود تقلبی و غیر اصل بوده است.

به واقع استاد یروشالمی و برادر و خانواده‌اش همواره بر تولید کارهای فیروزه با حفظ کیفیت اصل و با استفاده از مواد درجه یک اصرار می‌ورزیدند و این عقیده را در کار دست خود نیز لحاظ می‌کردند. کارهای فیروزه کوبی روبن و ناصر یروشالمی سالهاست که در ایران و جهان به‌عنوان کارهایی اصیل و منحصر بفرد شناخته می‌شوند.

در اردیبهشت ماه سال ۹۸ در مراسمی به مناسبت بازگشایی سالن سوره و گالری آن از اساتید پیشکسوت در زمینه موسیقی، تئاتر و صنایع دستی و از جمله استاد روبن یروشالمی (از هنرمندان جامعه کلیمیان اصفهان و ایران در حوزه صنایع دستی) تقدیر به عمل آمد.

در این مراسم محمد حسن جعفریان دانش‌آموخته استاد یروشالمی درباره ایشان گفت: بزرگترین هنر استاد سوا از هنر فیروزه کوبی، مردم‌داری و تعلق ایشان به مردم است. هر زمان و هر لحظه که ما به کمک و مشورت استاد نیاز داشتیم از ما دریغ نکردند و با آغوش باز به راهنمایی و حمایت و هدایت ما پرداختند.

در آن مراسم همگان بر بلند آوازه شدن هنر فیروزه به دستان استاد یروشالمی تاکید کردند و به احترام هنر و تواضع توأمان وی از جای خود بلند شده و استاد را تشویق کردند. وی در جواب محبت حضار سر تعظیم فرود آورد و تنها یک جمله گفت: «عبادت به جز خدمت خلق نیست...»، جمله‌ای که خود گویای هزاران حرف گفته و ناگفته است.

او بسیار بد شد و چون مدرسه من هم بودجه از خانواده‌ها می‌گرفت دیگر از عهده پدرم بر نمی‌آمد که بودجه مدرسه من را بدهد به همین دلیل من کلاس ششم را خواندم و دیگر مدرسه نرفتم و به خاطر همین موضوع تا مدتی در خانه بگو مگو داشتیم. یک روز به طور اتفاقی آقای حکیمیان صدای ما را شنیده بود و آمد و از من پرسید که می‌توانی کار انجام دهی و من هم گفتم بله. من قبلاً نزد عمومی کار کرده بودم و بعد که آقای حکیمیان از من خواست یک کار فیروزه برایش انجام دهم. من حتی بهتر از عمومی کار کردم و پول خوبی هم به من داد. به این ترتیب حدود چهار سال نزد آقای حکیمیان کار کردم و بعد که سن او بالاتر رفت و دست از کار کشید، من به طور جدی به فیروزه کوبی روی آوردم. البته آقای حکیمیان کار زینتی انجام می‌داد، اما من و برادرم ناصر کار را از نو شروع کردیم و سعی کردیم بدعت و نوآوری خودمان را هم در کار لحاظ کنیم تا این هنر بالنده‌تر از گذشته به ایران و جهان عرضه شود.

استاد یروشالمی همواره از کسانی که این کار را از او آموختند اما اصالت و خلوص کار را حفظ نکردند گلایه‌مند بود چرا که معتقد بود برخی از کسانی که این هنر را از ما یاد گرفتند در این کار تقلب کردند و یا فیروزه را رنگ کردند و یا حتی با پلاستیک اصالت کار را از بین بردند. برخی نیز شن را رنگ کرده به جای فیروزه استفاده می‌کنند که بعد از دو یا سه سال سیاه می‌شود و کاملاً کار را از بین می‌برد! او عقیده داشت کسی که بهایی می‌دهد و کاری را تهیه می‌کند دلش می‌خواهد آن کار همیشه سالم بماند نه این



استاد روبن یروشالمی پس از سال‌ها فعالیت و آموزش هنر فیروزه‌کوبی سرانجام در ۷۲ سالگی در چهاردهم تیرماه ۱۴۰۰ بر اثر ایست قلبی درگذشت.

در پیام تسلیت انجمن کلیمیان اصفهان به مناسبت درگذشت استاد یروشالمی آمده است:

درگذشت مرد هنرمند جامعه، استاد برجسته فیروزه‌کاری ایران، استاد روبن یروشالمی را خدمت خانواده محترم یروشالمی و کلیه فامیل‌های وابسته و کلیه هنرمندان و هنردوستان اصفهان و ایران تسلیت و تعزیت عرض نموده و صبر و شکیبایی و سلامتی و بقای عمر بازماندگان را از ایزد منان خواستاریم.

همچنین سازمان جوانان یهود شیراز که در سال‌های پیشین میزبان آثار این استاد برجسته ایرانی کلیمی در طی چهار دوره نمایشگاه صنایع دستی ایرانیان کلیمی بود در پیام خود نوشت:

خوشا آن که همچون تو با جام و نامی به دست از جهان می‌رود ...

کسی را از مرگ گریزی نیست. از آن رو که مرگ را کسی سرانجام ما قرار داده که زندگی را به ما بخشیده است. اما هنگامی که صاحب و خالق هنر در آغوش خاک می‌آرامد، آثارش همواره زنده‌اند و جاودانگی توام با خوشنامی را به صاحبشان می‌بخشند.

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز... مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

خانه جوانان یهود شیراز درگذشت هنرمند ارزشمند، استاد روبن یروشالمی پیشکسوت و هنرمند صاحب نام صنایع دستی فیروزه‌کوبی را خدمت خانواده محترم ایشان، جامعه کلیمیان ایران به‌ویژه همکیشان عزیز اصفهانی تسلیت عرض می‌کند.

معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی کشور نیز در پیامی درگذشت استاد روبن یروشالمی پیشکسوت و هنرمند

صاحب‌نام صنایع دستی فیروزه‌کوبی استان اصفهان را به خانواده او و جامعه هنرمندان صنایع دستی کشور تسلیت گفت. در پیام تسلیت پویا محمودیان آمده است: استادان و پیشکسوتان صنایع دستی و هنرهای سنتی ایران، ارزشمندترین دارایی هنری این مرز و بوم محسوب می‌شوند که از طریق آموزش مبانی نظری و فنون علمی این هنرها به نسل جوان، این شعله فروزان را همواره زنده نگه داشته‌اند.

شادروان استاد روبن یروشالمی یکی از نام‌آورترین عرصه هنر فیروزه‌کوبی بودند که افتخارهای بسیاری را برای این سرزمین رقم زدند و فقدان چنین هنرمندی بدیلی ضایعه اسفناک برای جامعه صنایع دستی محسوب می‌شود. این ضایعه بزرگ را به خانواده آن شادروان و جمیع هنرمندان صنایع دستی و هنرهای سنتی تسلیت می‌گوییم و برای روح آن هنرمند عزیز، آرامش و غفران الهی مسئلت دارم.

همچنین در پیام انجمن کلیمیان تهران آمده است:

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با قلبی اندوهگین، درگذشت استاد برجسته‌ی هنر فیروزه‌کوبی در ایران و جهان و یکی از مفاخر بزرگ جامعه کلیمیان ایران در عرصه صنایع دستی، شادروان روبن یروشالمی را به جامعه کلیمیان اصفهان، ایران و جهان و به‌خصوص خانواده و بازماندگان محترم تسلیت گفته و از قادر مطلق برای نشاما و روح آن مرحوم، علو درجات را خواستار است.

بی‌شک نیک‌نامی، خیرخواهی و مهارتِ منحصر به فرد و پرآوازه‌ی این استاد فقید، تا به ابد در یاد و خاطره کلیمیان اصفهان، ایران و جهان باقی خواهد ماند.

نورالله عبداللهی، معاون صنایع‌دستی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان نیز با تسلیت درگذشت استاد یروشالمی گفت: در بیان اهمیت جایگاه آقای یروشالمی در حوزه صنایع‌دستی، همین بس که بسیاری از هنرمندان فیروزه‌کوب اصفهان به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم این هنر را از او آموخته‌اند. عبداللهی خاطر نشان کرد: او مرد شریفی بود که طی سال‌های اخیر، به ساخت آثار موزه‌ای روی آورده بود.

در این میان هیات‌مدیره اتحادیه صنایع دستی استان اصفهان او را استاد یکم فیروزه‌کوبی در ایران خواند و در پیام تسلیت خود فقدان وی را به جامعه کلیمیان و به جامعه هنری ایران تسلیت گفت.

همچنین بیست و یکم تیرماه ۱۴۰۰ مصادف با هفتمین روز درگذشت استاد یروشالمی، مراسم یادبودی در زیارتگاه استراخاتون پیربکران با حضور مسوولین ارشاد و صنایع دستی و میراث استان و همراهی هیات مدیره‌ی انجمن کلیمیان اصفهان برگزار گردید.

به یاد استادی که وجود آثار وی و برادر گرانقدرش در ساختمان ریاست جمهوری ایران، گواه زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان توحیدی در کنار یکدیگر است، گواه آن است که هنر زبان مشترک و کلید واژه‌ای است برای خدمت به خلق، فارغ از هر دین و مسلک و اعتقاد.

به قول استاد: «عبادت واقعی خدمت به خلق است» و هنری که دل انسان‌ها و فرهنگ‌ها را به یکدیگر نزدیک کند بهترین عبادت است..... ■

اصلاح یک خبر

در شماره قبلی نشریه (شماره ۵۴ صفحه‌ی ۳۵)، در معرفی برندگان نوبل ۲۰۲۰ (به قلم آرش آبائی)، یک نام به عنوان برنده‌ی نوبل اقتصاد جا افتاده بود که فهرست صحیح آن چنین است:

پنج یهودی، برندگان نوبل ۲۰۲۰ در پزشکی، فیزیک، اقتصاد و ادبیات

نوبل پزشکی: هاروی آلتز - نوبل فیزیک: راجر پنروز و آندریا گِز - نوبل ادبیات: لوئیز گلیک.

نوبل اقتصاد:

آکادمی نوبل در استکهلم اعلام کرد که دو دانشمند آمریکایی به نام پل میلگرام و رابرت ویلسون را به عنوان برندگان جایزه نوبل در عرصه علوم اقتصادی انتخاب کرده است. این دو اقتصاددان فعال در دانشگاه استنفورد از نام‌آوران تئوری مزایده هستند و در «بهبود نظریه‌ی حراج و خلق قالب‌های تازه برای حراج» تلاش کرده‌اند. پل میلگرام (Paul Milgrom) اقتصاددان ۷۳ ساله آمریکایی است که در ۱۹۴۸ در خانواده‌ای یهودی در ایالت میسیگان آمریکا متولد شده است. او پس از تحصیل در رشته‌های ریاضی و آمار، در ۱۹۷۹ دکترای خود را در رشته‌ی مدیریت کسب و کار دریافت کرد. وی با تخصص در نظریه‌ی بازی‌ها، استاد دانشگاه استنفورد است و از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ برنده‌ی ۶ جایزه‌ی اقتصادی نیز شده است. ■

برای حفظ روابط سالم از چه اشتباهاتی باید دوری کرد؟

الهه مودب

مترجم زبان انگلیسی

خواهد داشت و به شما کمک می‌کند که در صورت نیاز از پس‌انداز استفاده کنید.

۳) به علایق فردی خود توجه نمی‌کنید.

اگر فقط به همسرتان توجه کنید، مسایل دیگر را نادیده می‌گیرید. از رشد عاطفی و فردی باز می‌مانید. در نهایت درگیر احساسات منفی مانند ترس، اضطراب و پارانوئا می‌شوید. توجه همه جانبه و بیش از حد به همسر باعث می‌شود تا به مسایل دیگر اهمیت ندهید.

برای جلوگیری از این موارد و آزار همسر، علایق مثبت و سازنده دوران مجرد را دنبال کنید. زمانی را برای خود اختصاص دهید، تا هر دو احساس آرامش بیشتری داشته باشید.

۴) به همسر وابستگی منفی دارید.

اگر یک یا هر دو زوج علایق مثبت و سازنده خود را دنبال نکنند، وابستگی منفی به همسر خواهند داشت و فقط او را عامل خودباوری و اعتماد به نفس می‌دانند.

فرد وابسته اعتماد به نفس ندارد، احساس بی‌ارزشی می‌کند و همیشه به تایید دیگران نیاز دارد. البته وابستگی مثبت متقابل می‌تواند در شرایط خاص و مشاغل ورزشی، هنری و تجارت مفید باشد. افراد برای دستیابی به هدف بزرگ با هم همکاری می‌کنند. نباید فقط به همسرتان توجه کنید. هویت خود را حفظ کنید تا بیش از حد به همسر وابسته نباشید.

همیشه تعهد و تلاش ضامن رابطه شاد با همسر نیست. در حقیقت، ما با اشتباهات مان می‌توانیم قوی‌ترین روابط را به خطر اندازیم.

بسیاری از ما ناآگاهانه در زندگی مشترک اشتباهاتی می‌کنیم که تاثیر مخرب بر رفتارمان با همسر دارد. پس لازم است پیش از آن که با رفتارهای اشتباه، روابطمان را تهدید کنیم، آن‌ها را شناسایی و اصلاح کنیم. در زیر اشتباهات روزمره‌ای که معمولاً روابط را به خطر می‌اندازد، مطرح شده است:

۱) به ظاهر تان توجه نمی‌کنید.

برخی توجه به ظاهر را کم اهمیت می‌دانند. در حالی که ظاهر آراسته نشان می‌دهد که برای روابطتان ارزش قایل هستید. بی‌توجهی به ظاهر نشانه آن است که به رشد و پیشرفت علاقه ندارید و برای آن تلاش نمی‌کنید. برایتان مهم نیست که برای همسرتان آراسته باشید. کم‌توجهی شما پس از مدتی بر روابطتان تاثیر منفی می‌گذارد.

۲) مسئولیت‌پذیری مالی ندارید.

پول و مسایل مالی مهم است. بحث‌های بی‌مورد در زمینه مسایل مالی بر روابط تاثیر مخرب می‌گذارد. بالعکس برای تحکیم رابطه باید به همسرتان نشان دهید که در امور مالی مسئولیت‌پذیر هستید. اگر فقط به امور مالی توجه کنید، در روابط پویا شکاف ایجاد می‌شود. با برنامه‌ریزی مشترک، به همسرتان اطمینان دهید که با هم زندگی آینده را می‌سازید. در نتیجه او احساس امنیت بیشتری در روابط

۵) مانند دوران مجرد رفتار می کنید.

گرچه نباید به همسر وابستگی مخرب داشت، اما زیاده روی نکنید.

رفتارهای دوران مجرد را در پیش نگیرید و روابطتان را آخرین اولویت ندانید. در غیر این صورت احساسات همسر را نادیده می گیرید و به او بی احترامی می کنید.

توجه کنید که شما عضوی از یک گروه مشترک هستید و باید توانایی سازگاری با همسر را داشته باشید.

زوجی که همدیگر را دوست دارند، از هم حمایت می کنند و با هم رفتار سازنده و مثبت دارند. در نتیجه رابطه شان رضایت بخش می شود.

۶) احساس ناامنی دارید یا بیش از حد حساس هستید.

همه ما گاهی افسرده می شویم، یا احساس بی ارزشی می کنیم. افکار و احساسات منفی بر نحوه جهان بینی و عملکرد ما تأثیر می گذارد. احساسات منفی روابط را مشکل ساز می کند.

زیرا باعث ناامنی، شک به خود و حسادت می شود. حتی اگر همسرتان خوب باشد، تا حدی می تواند شرایط شما را بپذیرد و تحمل کند، اما همیشه نمی تواند با هیجان های منفی شما به ویژه موارد بی دلیل کنار بیاید.

احساسات منفی ریشه در روابط شکست خورده گذشته دارد. پس آن ها را بشناسید کنار بگذارید.

تاثیر رفتار و احساساتتان بر روابطتان را واقع بینانه بررسی کنید و از آن درس بگیرید.

۷) محبت نمی کنید.

افراد متفاوت اند؛ برخی بوسه و نوازش و برخی دیگر صمیمیت جسمی را دوست دارند. این مشکل بزرگی نیست، پس با هر روشی که می توانید به همسر محبت کنید و به او نشان دهید که به او توجه می کنید.

بی مهری به همسر باعث کاهش وابستگی او به شما می شود و کم کم از شما فاصله می گیرد.

گرفتن دست و نوازش کردن حتی در آغوش کشیدن روش های خوبی برای نشان دادن محبت است بدون این که از نظر جسمی ناراحت کننده باشد.

۸) بیش از حد انتقاد می کنید و غر می زنید.

با انتقاد منفی و غرزدن بیش از حد، اعصاب همه را خرد می کنید. مهم ترین عاملی که احساسات منفی را افزایش می دهد، توجه به نقاط ضعف و کمبودهای شریک زندگی و مرور گذشته است. در نتیجه موجب کینه و رنجش و سردی روابط می شود. متأسفانه این روند همچنان ادامه پیدا می کند. زوجی مرتب درخواست دارد، در حالی که دیگری به آن اهمیت نمی دهد.

بهترین کار آن است که موقعیت را بسنجید. در زمان مناسب با تشویق سازنده، واضح و روشن نیاز و درخواستتان را مطرح کنید. غر زنید و صبور و همدل باشید. شاید شریک زندگی تان مدت کمی به فکر کردن نیاز دارد.

۹) به همسر محبت نمی کنید یا مهارت های ارتباطی ندارید.

همانطور که قبلاً گفتیم، بی مهری مستمر بر روابط تاثیر منفی می گذارد و آن را خراب می کند.

فرد به همسرش توجه نمی کند. خواسته ها و نیازهای او را نادیده می گیرد. از زحمات او تشکر نمی کند و ویژگی های مثبت اخلاقی او را مطرح نمی کند.

متأسفانه زوجها با هم صحبت نمی کنند و افکار، امیدها، آرزوها و ترس های خود را نمی گویند.

در عصر مدرن ما، فناوری همواره در حال پیشرفت است و بسیاری جذب آن می شوند. زوجها به تلفن همراه، رسانه ها و شبکه های اجتماعی بیش از همسر توجه می کنند و برای آن وقت می گذارند. بنابراین با شناخت تأثیر منفی و مضرات فناوری بر روابط، قدم بزرگی در مسیر سالم سازی آن بر می دارید. زمانی که در کنار هم هستید تلفن را کنار

زیاده‌روی شما در رفتارهای زیان‌آور نشان می‌دهد نمی‌توانید احساساتی را که در پس رفتارهای آنی شما است بیان کنید.

هر چه در رفتارهای مخرب زیاده روی کنید، کمتر به شریک زندگی و رابطه‌تان اهمیت می‌دهید، راه حل این است که به خودتان کمک کنید.

تکیه و اعتماد به شریک زندگی، نه تنها نشانه ضعف نیست، بلکه بالعکس نشانگر قدرت است. وقتی همسران مطمئن می‌شود که به او اعتماد دارید، روابطتان مستحکم‌تر می‌شود.

۱۲) معذرت خواهی نمی‌کنید.

احترام متقابل بسیار مهم است و بدون آن هیچ رابطه‌ای دوام نخواهد داشت. پذیرش اشتباه، ابراز پشیمانی و تاسف در صورت نیاز و احساس پشیمانی از رفتار نامناسب مهم‌ترین مفهوم احترام است و نشانه شخصیت صادق و بالغ شماست. به حرف‌های همسران گوش کنید، همیشه اصرار نکنید که حق با شماست، اگر عذرخواهی نمی‌کنید، به دردمس می‌افتید. زیرا همسران احساس می‌کند که برایش ارزش قایل نیستید و علاقه‌ای به ادامه رابطه ندارید. حال که با اشتباهات متداولی که به رابطه آسیب می‌زند آشنا شدید، به هر قیمتی از آن‌ها جلوگیری کنید.

با ایجاد رابطه‌ای بر مبنای اعتماد، خوشرویی و صداقت، پیوند بین شما و شریک زندگی‌تان محکم و پایدار می‌شود و تاب تحمل در برابر ناملایمات را خواهید داشت. ■

بگذارید. گفتگوی فعال سازنده با همسر داشته باشید و برای داشتن رابطه با کیفیت بکوشید.

۱۰) صادق نیستید.

همه دروغ می‌گویند. شاید با بزرگ‌نمایی می‌کوشید دیگران را تحت تأثیر قرار دهید، یا اشتباهی را پنهان کنید. این موارد را دروغ‌های کوچک سفید می‌نامند. شاید در دراز مدت مشکلی پیش نیاید. اما فراموش نکنید که دروغ یک ویژگی رفتاری اجباری است که نتایج گسترده‌ای بدنبال دارد و به رابطه آسیب می‌رساند.

امیدوارم که دروغ شما را تا حد خیانت پیش نبرد، اما حتی یک دروغ کوچک هم می‌تواند مشکل‌ساز شود، بذر بی‌اعتمادی را بکارند و در رابطه حتی مستحکم شکاف ایجاد کند. در حقیقت صداقت بهترین سیاست در قبال فرد مهم زندگی‌تان است. صریح و صادق باشید و به قدرت روابطتان اعتماد کنید.

اگر جسارت شجاعت پذیرش اشتباهاتتان را داشته باشید، همسران نظر مساعدی نسبت به شما خواهد داشت. بنابراین اگر واقعاً می‌خواهید رابطه پایدار و بادوام باشد قابل اعتماد و صادق باشید.

۱۱) رفتارهای تکانشی و اجباری در پیش

می‌گیرید.

دروغ یکی از رفتارهای متعدد اجباری است که می‌تواند روابط را نابود کند.

اگر از روابطتان ناراضی هستید یا با همسران اختلاف دارید، احتمال روی آوردن به رفتارهای اجباری بیشتر می‌شود. هر فردی رفتار خاص خود را برای دستیابی به آرامش و احترام دارد. این رفتارها می‌تواند از نوشیدن مشروبات الکلی گرفته تا قمار یا حتی خریدهای وسواسی باشد که ناشی از ضعف احساس شما در روابط است.



آتوسا آرمین

ماجرای دریفوس

دریفوس که بود؟

آلفرد دریفوس در سال

۱۸۵۹ در ایالت آلزاس بدنیا آمد. در سال ۱۸۷۰ با شروع جنگ بین فرانسه و پروس خانواده دریفوس پیش از اشغال ایالت آلزاس و ضمیمه شدنش به خاک آلمان، به پاریس نقل مکان کردند و در آن شهر ساکن شدند. تجربه تلخ اشغال سرزمین مادری و مشاهده رنج هم ولایتی‌هایش در دوران جنگ انگیزه آلفرد نوجوان برای پیوستن به ارتش بود. پس از تولد هجده سالگی‌اش در ۱۸۷۷ در مدرسه پلی-تکنیک پاریس ثبت نام کرد و به تحصیل همزمان امور نظامی و علوم فنی مشغول شد. پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۸۸۰ با درجه استواری به خدمت ارتش درآمد و در سال ۱۸۸۹ به کسب درجه سروانی مفتخر شد. در ۱۸۹۱ ازدواج کرد. سه روز پس از ازدواج، نامه پذیرش درکالج فنون عالی جنگ^۴ به دست آلفرد رسید. موقعیتی ممتاز که اوج آرزوی هر افسری به شمار می‌رفت. دو سال بعد او با کارنامه‌ای درخشان فارغ‌التحصیل شد و بلافاصله کارآموز سرفرماندهی ستاد عالی جنگ شد. وی تنها یهودی مشغول به خدمت در آن ستاد بود. پس از پایان دوره کارآموزی، همقطارانش انتظار کسب عالی‌ترین نمرات را برایش داشتند؛ ولی یکی از افسران هیئت داوران حضور یک یهودی در سمت افسر ستاد را به عنوان «عنصری نامطلوب» مناسب ندانست و در نتیجه دریفوس جوان علیرغم شایستگی غیر قابل انکارش با کارنامه‌ای ضعیف این دوره را به پایان رساند. سوگیری منفی همین داور شامل حال یک افسر یهودی دیگر نیز شده بود. پس آن دو، اعتراض خود را

در کشور فرانسه بین سال‌های ۱۸۹۴ تا ۱۹۰۶ میلادی بحرانی سیاسی، ارکان جمهوری سوم^۱ را به لرزه درآورد. بحرانی که در حافظه‌ی جمعی فرانسویان ثبت شده است و برای حفظ دستاوردهای جمهوری از کمرنگ شدن خاطره آن جلوگیری می‌کنند.

سرآغاز این بحران، در سال ۱۸۹۴، هنگامی بود که سروان آلفرد دریفوس یهودی با اتهام فروش اطلاعات نظامی به دولت متخاصم آلمان در دادگاهی نظامی محاکمه و طی یک دادرسی مختصر و عجولانه مقصر شناخته شد و محکوم به حبس ابد در مجمع الجزایر شیطان^۲ گردید. تلاش‌های خانوادگی دریفوس در فرجام خواهی و تشکیل دادگاه تجدید نظر در بنبوحه احساسات ضد آلمانی و ضد یهودی بی‌ثمر بود و این سروان جوان پس از خلع درجه به گینه فرانسه^۳ تبعید شد. دریفوس پس از لو رفتن اسرار نظامی دستگیر و در دادگاه نظامی با استناد به مدارکی که بعدها جعلی بودن آنها ثابت شد گناهکار شناخته شد. صدور حکم اشد مجازات برای وی تحت تاثیر تبلیغات و هیاهوی مجامع ضد یهود صورت پذیرفت، تبلیغاتی که بذر باور فقدان حس وطن‌پرستی در میان یهودیان را در افکار عامه مردم کاشته بود و دادگاه را برای صدور حکمی شدید و فوری تحت فشار گذاشته بود.

^۱ - آغاز از سپتامبر ۱۸۷۰ پس از سقوط ناپلئون سوم و پایان در ژوئیه ۱۹۴۰ با اشغال فرانسه توسط قوای نازی
^۲ - مجموعه تادیبی فرانسه که به مدت صد سال، از ۱۹۵۳ تا ۱۸۵۲، فعالیت داشت. این جزایر از مستعمرات کشور فرانسه در آمریکای جنوبی در اقیانوس اطلس قرار دارد. دریفوس، از نامدارترین زندانیان دوران این مجموعه است. دیگر زندانی مشهور آن هانری شاریر Henri Charriere، خاطرات زندان خود را در کتاب پایون نوشته است. دو فیلم سینمایی از این کتاب با همین نام، در سال های ۱۹۷۳ و ۲۰۱۸ ساخته شده است.
^۳ - French Guinea

^۴ - Ecole superieure de guerre معتبرترین دانشکده علوم و فنون نظامی جهت تربیت افسران ارشد ستادی بین سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۹۳

که در آن، بی‌گناهی دریفوس اثبات شده و مدارکی دال بر جاسوسی کنت فردیناند اشترهازی^۴، افسری از خانواده اشراف فرانسوی، را به مقامات مافوق خود تقدیم کرد. اعتراف به اشتباه و محکوم کردن عجولانه یک افسر وطن-پرست رسوایی بود که ارتش راستگرای فرانسه آن را بر نمی‌تابید. خصوصاً که معرفی یک اشراف‌زاده فرانسوی به عنوان جاسوس خارجی سبب بی‌اعتمادی در سطح ملی نسبت به ارتش و قوای نظامی می‌شد. پس در سال ۱۸۹۸، طی یک دادگاه نمایشی و بی‌سر و صدا طی دو جلسه اشترهازی را از اتهامات وارده تبرئه کردند و صدای ژرژ پیکارد با انتقال به تونس خاموش شد. مدتی بعد اشترهازی بنا بر توصیه دوستان ارتشی خود به انگلستان گریخت.

علیرغم تلاش ارتش در پنهان ساختن این جریان، خبر آن به روزنامه‌ها و محافل روشنفکری راه یافت و بار دیگر نام دریفوس بر زبان‌ها افتاد. اما این بار تفاوت در این بود که نام افراد مشهور و صاحب نفوذ در جمع حامیان دریفوس به چشم می‌خورد. سارا برنارد هنرپیشه معروف، آنا تول فرانس نویسنده و شاعر مشهور، هانری پوانکاره فیزیکدان، ریاضیدان و فیلسوف آکادمیسین، و ژرژ کلمانسو سیاستمدار زبردست که بعدها به مقام نخست وزیری فرانسه رسید به جمع حامیان پر و پا قرص دریفوس پیوستند. این افراد به علت دسترسی به تریبون‌های بین‌المللی و مخاطبینی که در میان آنها سیاسیون، دانشمندان و هنرمندان برجسته بودند، می‌توانستند با پروپاگاندا پررئیس‌های گروه‌های ضد یهود مقابله کنند. سوال روشنفکران این بود که آیا فرانسه دولتی کاتولیک است یا جمهوری دموکراتیک که تمامی شهروندانش را فارغ از قومیت و مذهب، با قوانینی برابر قضاوت می‌کند. در این میان، سلسله مقالاتی در پشتیبانی از دریفوس و به قلم امیل زولا^۵ در روزنامه‌های فرانسه منتشر شد که معروف‌ترین آنها نامه‌ای سرگشاده با عنوان

جهت بازنگری در پرونده‌شان به فرمانده ستاد تقدیم کردند. فرماندهی با پذیرش واقعیت بی‌عدالتی صورت گرفته در حق این دو افسر، با ابراز تاسف اعلام کرد که در تغییر نتایج حاصله ناتوان است. در آن زمان به نظر می‌رسید که ارتش فرانسه بدون تعصبات قومی و مذهبی درهای خود را بر روی تمامی افراد مستعد گشوده است کما این که در آن زمان ۳۰۰ افسر یهودی در ارتش مشغول به خدمت بودند که ۱۰ نفر آنها درجه ژنرالی داشتند. اما این واقعه نشان داد که تعصب‌ورزی در ارتش محدود به یک نفر نبوده است.

آغاز ماجرا

در سال ۱۸۹۴ سازمان ضد اطلاعات ارتش به ریاست سرهنگ دوم ژان سندیر^۵ پی برد که اطلاعات تجهیزات جدید توپخانه فرانسه به دست دشمن رسیده است. از آنجا که عده محدودی به این اطلاعات دسترسی داشتند مشخص بود که جاسوس از میان رده‌های ارشد نظامی است. سوءظن به سرعت متوجه دریفوس شد و در پی آن وی را در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۴ دستگیر کردند. کمتر از دو ماه بعد دریفوس در یک دادگاه نظامی گناهکار شناخته شد و پس از خلع درجه نظامی محکوم به گذراندن حبس ابد در مجمع-الجزایر شیطان شد. طی مراسمی درجه‌هایش را از سردوشی‌هایش کندند، دکمه‌ها و واکیلی افسری را از یونیفورمش جدا کردند و شمشیرش را شکستند. این مراسم در محوطه دانشگاه جنگ و در حضور همقطاران و افراد تحت امرش انجام شد. در محوطه دانشگاه سکوت مطلق برقرار بود ولی عده‌ای پشت نرده‌های محوطه در خیابان ازدحام کرده بودند و شعارهای توهین‌آمیز می‌دادند. دریفوس فریاد برآورد که «به شرافتم سوگند که من بی‌گناهم، به خدمت در ارتش وفادار و پایبندم، زنده باد فرانسه، زنده باد ارتش فرانسه».

پس از تبعید دریفوس روند درز اطلاعات نظامی به آلمانی‌ها قطع نشد. تابستان سال ۱۸۹۶ رییس تازه سازمان ضد اطلاعات ارتش، ژرژ پیکارد، اسنادی را جمع‌آوری کرد

^۴ - Eshterhazy
^۵ - Emile Zola (1840-1902) نویسنده روزنامه‌نگار و نماینده‌نامه‌نویس فرانسوی. وی بنیانگذار سبک طبیعت‌گرایی در ادبیات است. تعدادی از رمان‌های وی با ترجمه‌هایی درخشان از دکتر محمد تقی غیائی و سروش حبیبی به فارسی ترجمه شده است.

^۵ - Jean Sandherr

پولانسکی در سال ۲۰۱۹ فیلمی با همین نام و با عنوان انگلیسی «یک نظامی و یک جاسوس»^{۱۲} ساخته است.



محاکمه زولا و دفاعیات وی نشان داد که جعل مدارک تحت فرمان سروان گمنامی به نام پاتی دو کلا^{۱۳} با هدف پاکسازی سطوح بالای ارتش از افسران غیر کاتولیک انجام شده است و گناهکاری اشره‌زایی بر قضات دادگاه دوم، مسلم بوده ولی دادگاه با هدف لاپوشانی ضعف سیستم ضد اطلاعات و جلوگیری از خدشه‌دار شدن ایمان اجتماع به سلامت ارتش، بار دیگر حکم پیشین را تایید کرده است.

پس از محاکمه زولا جامعه فرانسه عملاً دو پاره شد. گروهی با بازگشایی پرونده دریفوس به شدت مقابله می‌کردند. از دید آنها دشمنان فرانسه برای بی‌آبرو کردن ارتش و تضعیف آن، چنین توطئه‌ای را ساخته بودند. اما گروه دیگر با تکیه بر قوانین جمهوریت، این ماجرا را فرصتی مناسب می‌دانستند که ارتش را به مجلس نمایندگان پاسخگو کنند. از سال ۱۸۹۸ تا ۱۸۹۹ جریان پشتیبانی از دریفوس انسجام و قدرت بیشتری پیدا کرد و جعلی بودن اسناد گناهکاری وی مسجل شد. احزاب جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان اعلام کردند که کسب قدرت توسط احزاب ناسیونالیست راست نتیجه‌ای جز خفه کردن صدای دموکراسی و عاری ساختن جمهوری از مهم‌ترین شعارها و اهداف سه‌گانه^{۱۴} آن یعنی برابری ندارد. تلاش نمایندگان مجلس برای برگزاری دادگاه غیر نظامی بی‌نتیجه ماند. در سال ۱۸۹۹ رییس‌جمهور وقت لوبه^{۱۵} برای

«من متهم می‌کنم» خطاب به رییس‌جمهور وقت فلیکس فار^۸ به تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۸۹۸ در روزنامه سپیده دم^۹ بود.



در این نامه سرگشاده زولا دولت فار را به نقض بی‌طرفی و تمایلات یهودی ستیزانه متهم کرد. همچنین در این نامه به نقص مدارک موجود و فقدان شواهد محکم در دادگاه دریفوس اشاره شده بود. چاپ این مقاله در صفحه اول و طرح چنین اتهاماتی به دولت مستقر نمی‌توانست برای زولا بدون پیامد باشد. زولا قصد داشت که با طرح مستقیم اتهامات و نام بردن از دست‌اندرکاران، زمینه را برای دستگیری و محاکمه خود فراهم کند. او می‌خواست که مدارک قاطعی در مورد محکومیت غیر عادلانه دریفوس در دادگاه خود ارائه کند و به گوش عموم برساند. محاکمه وی در تاریخ ۷ فوریه ۱۸۹۸ برگزار شد و در تاریخ ۲۳ همان ماه گناهکار شناخته شد و نشان لژیون دونور^{۱۰} وی باز پس گرفته شد. اگرچه زولا برای مدتی ناچار به ترک مخفیانه فرانسه شد ولی آتشی خاموش نشدنی برافروخته بود. از جمله مدارکی که زولا ارائه داد سند ساختگی بودن مدارک جاسوسی دریفوس بود. این سند ثابت می‌کرد که مدارک بر علیه دریفوس توسط سروان هانری با استادی تمام جعل شده است. مقاله «من متهم می‌کنم» یکی از بهترین مقالات تاریخ روزنامه‌نگاری بشمار می‌آید^{۱۱}. رومن

مربوط به صفحه نخست روزنامه فلسطین چاپ ماه مارس ۱۹۲۵ در اعتراض به اعلامیه بالفور است. عبارت من متهم می‌کنم بارها در متن این سرمقاله چهار صفحه‌ای بکار رفته است.

^{۱۲} An Officer and a Spy

^{۱۳} Paty de Clam

^{۱۴} شعار اصلی انقلاب فرانسه «آزادی- برابری- برادری» که قانون اساسی این کشور بر مبنای آن نوشته شده است.

^{۱۵} Loubet

^۸ Felix Faure

^۹ L'Aurore

^{۱۰} بالاترین نشان افتخار کشور فرانسه. در سال ۱۸۰۲ توسط ناپلئون بناپارت بنیان گذاشته شده است. پروفیسور محمود حسابی، محمدرضا شجریان و شهرام ناظری چند تن از دریافت‌کنندگان ایرانی نشان شوالیه هستند.

^{۱۱} J'accuse مقاله معروف امیل زولا که بعدها بصورت کتاب چاپ شد. عبارت «من متهم می‌کنم» تا امروز نیز به صورت جمله‌ای اعتراضی نسبت به وضع موجود توسط دیگر کنشگران سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. عکس

میدان کنکور و در ۱۴ جولای، روز باستیل^{۱۷}، جشن ملی انقلاب فرانسه، انجام شد و پیکر او همراه با رژه ارتش در گورستان مونپارناس پاریس به خاک سپرده شد. بر سنگ مزار او به زبان‌های فرانسه و عبری چنین نوشته شده: در این مکان سرهنگ دوم آلفرد دریفوس، دارنده نشان لژیون دونور، آرمیده است «۱۲ جولای ۱۹۳۵ - ۹ اکتبر ۱۸۵۹»



مجسمه دریفوس با شمشیر شکسته در دست، در بولوار راسپیل در پاریس در کنار ایستگاه متروی نوتردام دو شام^{۱۸} منطقه ۶ نصب شده است. نسخه‌ی دوم این مجسمه در ورودی موزه تاریخ و هنر یهود پاریس^{۱۹} قرار دارد. نوادگان دریفوس بیش از ۳ هزار قطعه سند را شامل مدارک ارائه شده به دادگاه، عکس‌های خانوادگی، نامه‌های شخصی، مکاتبات اداری و درجه‌ها و نشان‌هایی که به علامت خیانت از یونیفورمش بریده شده بود به این موزه اهدا کردند. از سال ۲۰۰۶ موزه پلترم دسترسی آنلاین به این اسناد را تحت عنوان «ماجرای دریفوس» راه‌اندازی کرده است. ■

منابع مکتوب

1. Encyclopedia Americana edition 1984
2. Encyclopedia Britannica edition 1978
3. Une journée dans L' affaire Dreyfus by Alain Page Tempus

منابع آنلاین

1. www.Larousse.fr
2. Cinq années de ma vie www.editions-ladecoucvete.fr

پایان دادن به تعارضات به وجود آمده در میان نخبگان، فرمان عفو دریفوس را صادر کرد. گذراندن پنج سال زندان و تبعید همراه با اعمال شاقه، جسم دریفوس را چنان در هم شکسته بود که ناچار به پذیرش عفو شد ولی بار دیگر بر بی‌گناهی خود پای فشرد: «دولت جمهوری آزادی من را باز پس داده است؛ آزادی که بدون اعاده حیثیت برایم معنی ندارد». در سال ۱۹۰۶، دادگاهی غیر نظامی دریفوس را از کلیه اتهامات وارده تبرئه کرد و حکم به تفویض درجه نظامی‌اش داد. دریفوس با ارتقاء درجه به سرگردی و عنوان فرمانده اسکادران به خدمت ارتش بازگشت. چنان که گفته شد سلامتی وی به شدت آسیب دیده بود و به همین سبب در سال ۱۹۰۷ در سن ۴۸ سالگی بازنشسته شد. ولی با آغاز جنگ جهانی اول به خدمت در واحد پشتیبانی و خط مقدم در جبهه غربی بازگشت. در سال ۱۹۱۷ به درجه سرهنگ دومی رسید و در پایان جنگ مفتخر به دریافت نشان لژیون دونور شد. قابل توجه است که علی‌رغم مصائبی که خانواده‌ی دریفوس متحمل شدند؛ ذره‌ای از ایمان به خدمت در ارتش را از دست ندادند. پی‌یر، پسر آلفرد، با سمت افسر توپخانه در طول جنگ به خدمت مشغول بود و در ۱۹۱۸ مفتخر به دریافت نشان افتخار صلیب جنگ گردید.

پیامدها و پایان ماجرای دریفوس

در سال ۱۹۰۸، در جریان تدفین خاکستر امیل زولا در پانتئون^{۱۶}، روزنامه‌نگاری با تمایلات راست افراطی به دریفوس شلیک کرد. اگر چه اقدام به ترور ناکام ماند و دریفوس در ناحیه شانه و بازو زخمی شد ولی این واقعه نشان داد که حتی اعاده حیثیت رسمی موفق به زدودن کامل خصومت شکل گرفته در طول زمان نبوده و چنین اندیشه‌ای هنوز در بطن جامعه وجود دارد.

دریفوس در تاریخ ۱۲ جولای ۱۹۳۵ دقیقاً در بیست و نهمین سالگرد صدور رای اعاده حیثیت در سن ۷۵ سالگی بدرود حیات گفت. مراسم تشییع او با احترام کامل نظامی از

^{۱۷} Jour de Bastille روز ۱۴ ژوئیه سال ۱۷۸۹ روز حمله مردم به زندان باستیل و سرآغاز انقلاب فرانسه است. این روز در فرانسه تعطیل رسمی و جشن ملی است.

^{۱۸} Notre Dame des Champs
^{۱۹} Musee d'Art et d'Histoire du Judaïsme

^{۱۶} Pantheon کلیسایی که در زمان لویی پانزدهم ساخته شده است و آرامگاه بسیاری از مشاهیر کشور فرانسه است.

یهودیان در دوره نادرشاه

یاسمن غنی

کارشناس ارشد ایران‌شناسی



دوم) که همچنان پس از سقوط صفویان مدعی پادشاهی بود، قرار گرفت و پیروزی‌هایی که کسب کرد، موجب شد شاه تهماسب او را ملقب به «تهماسب قلی‌خان» کند. در سال ۱۱۴۸ ه.ق به درخواست ریش‌سفیدان مجلس در شورای دشت مغان رسماً تاج بر سر گذاشت و پادشاهی خود را اعلام کرد و مشهد را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد. وی که به ناپلئون شرق معروف است در دوره سلطنتش اقداماتی را انجام داده است که در میان سلاطین ایرانی بی‌نظیر است از جمله: بیرون راندن مهاجمان افغان؛ فتح آسیای مرکزی از جمله قندهار و غزنه و خوارزم و بخارا؛

بنیانگذار سلسله افشاریه، نادرشاه افشار یا نادرقلی (نادرقلی) که به نام جدش نادرقلی موسوم شد، فرزند امام قلی از ایل افشار در ایبورد خراسان بود که در ۱۰۶۷ خورشیدی (۱۶۸۸ میلادی) در دستگرد از توابع ایبورد درگز در ولایت خراسان به دنیا آمد. در خدمت حکمران ایبورد، «باباعلی بیگ» بود که به صورت تفنگچی در می‌آید و دربار کوچک باباعلی ترقی می‌کند. ابتدا حاکم ایبورد شد و سپس قلمرو خود را تا نیشابور توسعه داد. وی توانست در سال ۱۱۳۴ ه.ق بر دژ کلات خراسان مسلط شود. اقدامات نظامی نادر مورد توجه تهماسب میرزا صفوی (شاه تهماسب

او در امنیت کامل به سر بردند. نادر پس از شکست دادن اشرف افغان به کاشان رفت و با استقبال مردم به رهبری میرزا ابوالقاسم شیخ‌الاسلام که مردی دانشمند و سخنور بود روبرو گردید. نادر چنان شیفته اخلاق شیخ‌الاسلام گردید که کاشان را از تحمیلات جنگی و اردو کشی و حتی پرداخت مالیات هم معاف نمود. اهالی کاشان از دست‌اندازی سپاهیان محفوظ ماندند اما کوی یهودیان به گفته بابایی فرهاد مورد تجاوز قرار گرفت و مامورین نادر به خانه‌ها ریخته و طلب جزیه گزاف کردند.

پس از آن در دیداری که شیخ‌الاسلام با نادر داشت به تشریح وضعیت متزلزل یهودیان در کاشان پرداخت و حکم آزاد گذاردن آنان در اختیار مذهبشان را از نادر گرفت و تقدیم روسای یهودیان کرد و نادر در آن حکم نسبت به گشایش سیزده کنیسه‌ی یهودی که مدت هفت ماه بسته بود، دستور لازم را صادر کرد. بابایی فرهاد از اقدام آزادی‌خواهانه شیخ‌الاسلام کاشان و همچنین ملامحسن فیض کاشانی سپاسگزاری بسیار نمود و در کتاب کم نظیرش «سرگذشت کاشان در باب عبری و گوئیمی ثانی» که شامل گزارش تاریخ کاشان در اواخر دوره صفوی و اوایل سلطنت نادرشاه است، دعا و ثنای جامعه یهود در مورد آنان را چندین بار تکرار کرده است. تاریخ بابایی بن فرهاد نوه بابایی بن لطف کاشانی و ماشیح رافائل که حدود ۸۰ بیت به گزارش بابایی افزوده و به نظم نوشته شده‌اند در این دوره تالیف گردید. ما از طریق اشعار عمرانی و دو وقایع نامه ذکر شده درمی‌یابیم که در کاشان، مدارس برای تعلیم تورات و آموزش فرهنگ یهودی وجود داشته است. در این دوره وضع فرهنگی یهودیان کاشان خصوصاً با ورود راب هانی از اورشلیم که سمت استادی پیدا کرده و شروع به تعلیم کتب مایمونی و راشی و یهودا هلوی نمودند رو به بهبودی گذارد و کاشان تبدیل به یک اورشلیم کوچک شد. در نتیجه کاشان در ابتدای قرن ۱۸ میلادی مرکز راب‌ها و روحانیون برای کل ایران گردید. در این دوره استادانی مانند ملا رفوآ کوهن، سموئیل بر نیسیم و الیشاع بن سموئیل پیدا شدند که کتب منظوم بسیاری را تألیف کردند که سالیان

فتح لاهور پاکستان، و فتح دهلی هندوستان؛ شکست عثمانیان، پس گرفتن سرزمین‌های متصرف شده توسط عثمانی و مشخص کردن مرزهای بین ایران و عثمانی؛ توسعه و یکپارچه کردن قلمرو ایران.

رویکرد اعتقادی نادرشاه

تعصبات شدید صفویان، که عامل شکاف بین پیروان ادیان و مذاهب دیگر و حاکمیت شده بود و خطر از دست رفتن سرزمین‌های پیرامونی ایران را در پی داشت، موجب شده بود تا نادر درست مقابل آن‌ها حرکت کند. با روی کار آمدن نادرشاه که فردی خردمند و ژرف بین بود، وی در اولین اقدام اجتماعی، حصار مذهبی حاکم بر ایران را شکست و شرایط برای مشارکت همگانی و استفاده از پتانسیل همه مردم فراهم شد. او برخلاف شاهان صفوی نسبت به پیروان ادیان دیگر در تسامح و تساهل بود و اقلیت‌های مذهبی آن دوره را بسیار تکریم می‌کرد و راه حل ساختن ایرانی متحد، استوار و قدرتمند را در حل اختلاف-های آئینی با اقلیت‌های مذهبی از جمله یهودی، مسیحی، زرتشتی و اهل سنت و همسازگری با آنان می‌دانست. نادر به یگانگی همه کیش‌ها دلبستگی داشت و یادداشتهای به جا مانده از سیاحان و مأموران خارجی و مبلغان مذهبی آن دوره، نشان می‌دهد برخورد نادر با اقلیت‌های مذهبی اعم از یهودیان، آرامنه و زرتشتیان ... دوستانه بوده است و این امر موجب شد برای فعالیت تمام اقشار اجتماعی، از جمله سایر اقلیت‌های مذهبی که تقریباً در اکثر مناطق مختلف ایران به صورت پراکنده بودند، فرصتی فراهم آورد تا با توجه به تخصص و کارایی‌شان از آنان در بخش‌های مختلف سیاسی و نظامی، در مناصب اجرایی، در دربار و دیوان استفاده گردد.

ایرانیان یهودی در دوره افشار

با این که بطور کلی اطلاعات کمی پیرامون وضعیت یهودیان در این دوره داریم و از تعدادشان اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی با توجه به قرائن موجود می‌توان گفت در شهرهای کاشان، همدان، اصفهان، شیراز، مشهد، قزوین و دماوند جماعتی از آنان سکونت داشته‌اند. یهودیان ایران از زمان آزادی مذهبی که نادرشاه به آنان داد، تا پایان سلطنت

مهم به نفع مذهب و پیروان حضرت موسی اتخاذ نماید ولی در اثر مخالفت وزرایش و سپس خاتمه زندگی اش به سرانجام نرسید. گویند تاسیس جامعه یهود تهران در سال ۵۵۹۶ عبری - ۱۷۴۵ میلادی در عصر نادرشاه انجام شد. در مدت سلطنت نادرشاه ناراحتی برای جامعه یهود گزارش نشده است و فوت او نه فقط فقدان عظیمی برای کشور ایران بود بلکه ضایعه تاسف‌باری برای یهودیان ایران محسوب می‌شد و به گفته سیاحان و مورخان چون فیشل و لاکهارت، روی کار آمدن پادشاهی غیرمتعصب مثل نادرشاه بود که کلیمیان ایران را از نابودی کامل نجات داد.

نادرشاه تنها ۱۲ سال آن هم با اقتدار و موفقیت حکومت کرد و در سن ۵۹ سالگی در سال ۱۱۲۶ ش - ۱۷۴۷م، زمانی که برای رفع یکی از شورش‌های مردم علیه مالیات زیاد به خراسان رفته بود، جمعی از سردارانش به رهبری علی قلی خان شبانه به چادر وی حمله کردند و او را به قتل رساندند. پس از مرگ نادر شاه، بسیاری از فرزندان و خاندان وی به قصد قطع نسل او توسط برادرزاده نادر، عادل شاه کشته شدند.

در دوران حکومت نادرشاه، ایران به بزرگ‌ترین وسعت خود از زمان سقوط شاهنشاهی ساسانی رسید و نادر بر تمامی یا بخش‌هایی از کشورهای کنونی ایران، ارمنستان، گرجستان، جمهوری آذربایجان، افغانستان، بحرین، ترکمنستان، ازبکستان، پاکستان، عراق، ترکیه، امارات متحده عربی و عمان تسلط داشت. با مرگ او، امپراتوری وی به سرعت از هم فرو پاشید و میان زندیان، درانی‌ها و خانات قفقاز تقسیم شد، در حالی که تنها بخش‌هایی از خراسان تحت حکومت بازماندگان نادر باقی ماند. در نهایت، به سال ۱۷۹۶ میلادی، آغامحمدخان قاجار با فتح خراسان بازماندگان نادر را نیز از بین برد. ■

منابع

۱. شعبانی، رضا. تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه. ۱۳۷۳ تهران: نشر قومس
۲. استرآبادی، میرزا مهدی‌خان. جهانگشای نادری، ۱۳۴۱ تهران: نشر انجمن آثار ملی
۳. لوی، حبیب، تاریخ یهود ایران، جلد سوم، ۱۳۳۹ تهران: کتابفروشی بروخیم

دراز در ایام اعیاد و متبرکه خوانده می‌شدند. توسعه تحصیلات یهودیان کاشان مدت ۶۰ سال ادامه داشت و ترقیاتی که یهودیان کاشان در امور بازرگانی و تولید ثروت بویژه در تهیه، فرآوری و تجارت ابریشم پیدا کردند و موجب رشدشان در دوره‌های بعد گردید مدیون دو عامل بود: اول فرهنگی که از زمان نادرشاه به کمک مریبان اورشلیمی در میان آن جمعیت توسعه یافت و دوم در نتیجه عکس‌العمل‌های حاصل از فشارهای وارد بر آنان. نادر در سال ۱۷۳۰ میلادی حدود ۴۰ خانوار از یهودیان شهر قزوین که اهل دیلمان بودند را به منظور آبادی شهر مشهد و برای ترکیب قومیتی مد نظر خود به آن شهر مهاجرت داد و نسبت به آنان محبت و توجه مخصوصی داشت و از آنان برای تنظیم امور مالی امپراتوری پهناور خود استفاده می‌کرد و جالب توجه است که بدانیم او برخی از آنها را به کلات برد تا از اموال و سنگ‌های قیمتی و غنایم هند محافظت کنند. همچنین گفته شده در میان پیش‌خدمتان نادر چند نفر یهودی بودند که یکی از آنها مردی به نام یوسف بود که لباسی مرواریددوزی شده به تن داشت. نادر همچنین دستور داد که چهار کتاب مقدس یعنی تورات و زبور داود (تهیلیم) و اناجیل و قرآن به فارسی ترجمه شوند و برای اجرای این امر ۴ نفر از علمای روحانی یهود اصفهان را انتخاب کرد که تحت نظارت میرزا مهدی خان بودند، از این ۴ ربی نام یکی از آنها باقی مانده که موسوم به بابا ابن نوریئل است که از اهالی اصفهان بود و در سال ۱۷۴۰م این کار را انجام داد. نادرشاه بابت ترجمه قرآن ۷ تومان و به مترجم مسیحی اناجیل ۲۴ تومان پرداخت اما به راب یهودی ۲۰۰ تومان برای ترجمه داد و علت آن مشخص نیست. دست خط ترجمه کامل عبری به فارسی تهیلیم اکنون در موزه بریتیش موجود می‌باشد. نادر حکم می‌کند که تورات را برای او بخوانند زیرا سایر کتب مقدسه را هم مطالعه کرده بود. وقتی به واقعه دختران صیوفحاد در باب ۲۷ سفر اعداد می‌رسد (طلب حق ارث آنان) و آن که حضرت موسی عرض آن‌ها را به درگاه خداوند رسانده و جواب می‌گیرد فوق‌العاده تحت‌تأثیر قرار گرفت و تصمیم داشت رویه‌ای



مناظرات امام رضا (ع) با علمای یهود

مهندس آرش آبائی

محقق و مدرس در موزه‌ی یهودیت

«رِش گالوتا» یا واژه‌ی عبری «رُوش هَگُولا» به مفهوم رئیس یهودیان پراکنده در تبعید است. رأس الجالوت وظایفی در جامعه‌ی یهودیان و نیز وظایفی در قبال مسلمانان بر عهده داشت. بنابر تاریخ‌های شیعی، یزید بن معاویه هنگام ورود اسرای کربلا به شام، از بزرگان دعوت نمود تا شاهد اقتدار وی باشند. نقل کرده‌اند که رأس الجالوت نیز جزو مدعوین بود و با مشاهده‌ی وضعیت اسفبار خاندان پیامبر اسلام، با شجاعت از ایشان دفاع کرد. رأس الجالوت عنوان نمود که به واسطه‌ی انتسابش به بزرگان بنی‌اسرائیل، همواره در قوم خویش دارای عزت و احترام بوده‌است، اما از خلیفه‌ی مسلمان تعجب می‌کند که چگونه نوادگان پیامبر اسلام را به قتل رسانده یا در بند کشیده‌است. در فصل دوم با عنوان «پیشینه‌ی مناظرات یهودیان و مسلمانان»، زمینه‌ی تاریخی یهودیان در مناظرات دینی بررسی شده و در ادامه، گفته شده که تمایز خاص امام رضا نسبت به بسیاری دیگر از اندیشمندان مسلمان که با یهودیان مباحثه می‌کردند این بود که حضرت، پایه‌ی استدلال‌های خود را بر فرازهایی از تورات موجود (بدون هیچ اشاره‌ای به مقوله‌ی تحریف) قرار داده و تنها تفسیری متفاوت و خاص از عبارات آن ارائه نموده‌است. نکته‌ی بسیار مهم دیگر، استناد حضرت به متن عبری تورات (و نه فقط ترجمه‌ی آن) بوده‌است که به مباحثات اصالت ویژه می‌بخشد. فصل سوم کتاب به «ارزیابی مناظرات امام رضا (ع) با مقامات راس الجالوت» اختصاص دارد که پیش از مناظره‌ی اصلی در مرو، به دو مناظره‌ی امام در بغداد



«مناظرات امام رضا (ع) با علمای یهود» عنوان کتابی تحقیقی است که به قلم دکتر علیرضا ابراهیم توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۱۳۹۹ منتشر شده‌است.

این اثر در ۴ فصل با عناوین «ساختار نظام دینی یهودیان در دوران امام رضا (ع)»، «پیشینه‌ی مناظرات یهودیان و مسلمانان»، «ارزیابی مناظرات امام رضا (ع) با مقامات راس الجالوت» و «پیامدهای بعد از مناظرات امام رضا (ع)» با ارجاعات و پانوشته‌های دقیق و علمی تنظیم شده‌است.

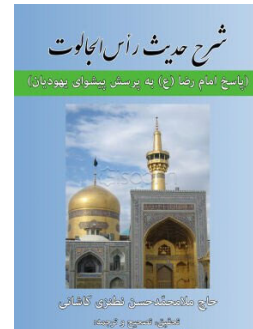
در فصل اول، به حضور یهودیان در قلمرو اسلامی از جمله عراق و مَرُو (واقع در خراسان قدیم) می‌پردازد و سپس تشکیلات گئونیم (علمای یهودی و روسای مدارس دینی) و مقام راس الجالوت را مورد بررسی قرار می‌دهد. «رأس الجالوت» مَعْرَب واژه‌ی آرامی

در باب اختلاف را قبول داشته و حتی در شرایطی برای انجام آن پیشگام بوده است. اکراه از مناظره‌ی مغرضانه، استفاده از زبان اصلی و استناد به متن کتاب مقدس عبری و اعتبار آن، استناد به مضامین مشترک، پرهیز از جدل و پرهیز از مباحث خصومت آمیز و کدورت‌زا از جمله ویژگی‌های این مناظرات بوده است. فصل چهارم با عنوان «پیامدهای بعد از مناظرات امام رضا(ع)»، به برخی وقایع تاریخی پرداخته و شرحی بر فرقه‌ی یهودی قرائیم (منکران اعتبار تلمود) و ارتباطات فکری آن با جریان معتزلی مسلمانان به دست می‌دهد.

دکتر علیرضا ابراهیم در ادامه‌ی این فصل، به الگوپذیری یهودیان از این مناظرات و تکمیل و تغییر الگوی استدلال‌ها در کلام یهودی اشاره دارد و معتقد است که مناظره‌ی امام رضا (ع) از عوامل تقویت جریان‌های نوین در کلام یهودی به شمار می‌آید. وی در پایان کتاب به معرفی چهار چهره‌ی شاخص یهودی در عرصه‌ی کلام می‌پردازد که عبارتند از: داود بن مروان مَقْمَص رَقِی (۹۳۸ م.)، سعدیا بن یوسف فیومی، معروف به سعدیا گائون (۹۴۲ م.)، سموئیل مغربی (سده‌ی ۶ ق.) و موسی ابن میمون مشهور به هارامبام (۱۲۰۴ م.).

علیرضا ابراهیم که استادیار دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی و مولف و مدرس ادیان و عرفان است، مقالاتی نیز در حوزه‌ی عرفان یهود دارد. همچنین مقاله‌ی وی با عنوان «تاثیر مناظرات رضوی بر جوامع یهودی» در همایش مناظرات رضوی در سال ۱۳۹۵ جایزه‌ی مقالات برگزیده را کسب نمود. وی در مقدمه‌ی کتاب خود از راهنمایی‌های حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار سپاسگزاری نموده است. ■

و بصره نیز پرداخته است. مناظره‌ی بغداد در متون روایی شیعه به «حدیث راس الجالوت» شهرت دارد که در آن به مباحثی چون صفات الهی، جبر و اختیار، ماهیت ایمان و ... پرداخته شده است. لازم به ذکر است که متن کامل این حدیث در کتابی با عنوان «شرح حدیث راس الجالوت (پاسخ امام رضا (ع) به پرسش پیشوای یهودیان)» تدوین حاج ملا محمدحسن نطنزی کاشانی و ترجمه‌ی محمدرضا رضانی بیدگلی توسط نشر مکتب بیداران در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.



در مناظره‌ی بغداد نیز موضوع نبوت مورد بحث قرار گرفته است.

اما مناظره‌ی اصلی این کتاب، مناظره‌ی مَرُو (واقع در خراسان قدیم) است که در سال ۲۰۰ قمری، مرکز خلافت مأمون خلیفه‌ی عباسی بود. این مناظره شامل دو بخش است. در بخش اول، امام، راس الجالوت یهودی را به عنوان شاهد و حَکَم خودش در مباحثه با جاثلیق مسیحی قرار داده است. در بخش دوم، حضرت با راس الجالوت فقراتی را درباره‌ی نبوت و معجزات در تورات و کتب اشعیا و حبقوق مورد بررسی قرار می‌دهند.

در ادامه‌ی این بحث، مولف کتاب به رهیافت‌ها و روش‌های مناظرات امام رضا پرداخته است. اولین مورد، اعتبار مناظره است که امام نفس پرسش و پاسخ

آشنایی با مشاهیر یهود جهان

تونی کرتیس Tony Curtis

(بازیگر سینما و تلویزیون)

نیه‌شا پایاب



تونی کرتیس، بازیگر سینما و تلویزیون، در آثاری همچون فیلم سینمایی «بعضی‌ها داغشو دوست دارن»، فیلم سینمایی «Goodbye Charlie» و فیلم سینمایی «مسابقه بزرگ» فعالیت داشته است. این هنرپیشه آمریکایی یهودی، در دهه ۱۹۵۰ با فیلم‌هایی مانند «بوی خوش موفقیت» و «ستیزه‌جویان» به شهرت رسید.

تولد: ۱۹۲۵/۰۶/۰۳ (۱۳۰۴/۰۳/۱۳)

تاریخ فوت: ۲۰۱۰/۰۹/۲۹ (۱۳۸۹/۰۷/۰۷)

محصول ۱۹۵۸ به کارگردانی استنلی کریمر بازی درخشانی ارائه داد و به خاطر آن نامزد جایزه اسکار شد. او در این فیلم به همراه هم‌زنجیر سیاهپوست خود (سیدنی پوآتیه) از زندان فرار می‌کنند، اما سرانجام دستگیر و به زندان عودت داده می‌شوند. تونی کرتیس در سال ۱۹۵۹ با فیلم کمدی «بعضی‌ها داغشو دوست دارند» به کارگردانی بیلی وایلد به شهرت جهانی رسید. او در این فیلم در کنار جک لمون و مریلین مونرو بازی می‌کرد. بازی او در فیلم اسپارتاکوس به کارگردانی استنلی کوپریک که در نقش یک برده آرام و مهربان در کنار رهبر بردگان (کرک داگلاس) ظاهر شد، از نقش‌های به یاد ماندنی اوست. تونی کرتیس، به خاطر برش کوتاه موی سر، اندام ظریف و چهره آرامش بیشتر در نقش افراد بی‌آزار و ملایم ظاهر می‌شد، اما در زندگی عادی زیاد آرام نبود. نام او به خاطر ماجراهای عشقی یا مشروب و مواد مخدر بارها بر سر زبان‌ها افتاد. او در طول زندگی شش

بیوگرافی / زندگی‌نامه تونی کرتیس

تونی کرتیس بازیگر آمریکایی بود که در بیش از ۱۰۰ نقش متفاوت بازی کرده است. تونی کرتیس با نام حقیقی برنارد شوارتز در سال ۱۹۲۵ در نیویورک متولد شد. در جوانی در زمان جنگ جهانی دوم به خدمت سربازی رفت. پس از پایان جنگ در سال ۱۹۴۹ اولین نقش سینمایی خود را به عهده گرفت. او در سال ۱۹۵۱ با جانت لی، هنرپیشه فیلم معروف روح هیچکاک، ازدواج کرد. زمانی که هر دوی آنها ستاره‌های جوانی در حال ظهور بودند؛ آنها در سال ۱۹۶۳ جدا شدند. دختر آنها جیمی لی کرتیس امروزه از ستاره‌های موفق هالیوود است.

تونی کرتیس پس از جدا شدن از جانت لی با کریستینه کوفمان، هنرپیشه آلمانی ازدواج کرد. تونی کرتیس در اواخر دهه ۱۹۴۰ به سینما راه یافت و در بیش از ۱۲۰ فیلم ظاهر شد. تونی کرتیس در فیلم ستیزه‌جویان

او در سال ۱۹۸۰ به خاطر بازی در نقش، دیوید او سلزنیچک تهیه‌کننده مشهور سینما، در فیلم تلویزیونی «جنگ اسکارلت اوهارا» نامزد جایزه تلویزیونی امی شد. حتی پس از آن که نقش‌های سینمایی و تلویزیونی چندانی به او پیشنهاد نمی‌شد، خودش در قالب یک نویسنده و نقاش بازسازی کرد و تابلوهای رنگ و روغنش تا ۲۰۰۰۰ دلار به فروش می‌رسید. او در سال ۱۹۷۳ رمان «کید کادی و جولی اسپارو» را نوشت و در سال ۱۹۹۳ خود زندگینامه‌اش را منتشر کرد. ■

بار ازدواج کرد و از او شش فرزند به جا مانده است. تونی کرتیس از اوایل دهه ۱۹۷۰ به بازی در سریال‌های تلویزیونی پرداخت و به ویژه با سریال دو که در آن در کنار راجر مور (جیمز باند قبلی) ظاهر شد، محبوبیت فراوان پیدا کرد. تونی کرتیس در بیست سال آخر زندگی در کنار بازیگری، به عنوان نقاش نیز مطرح شد. او در سال ۲۰۰۵ کتاب خاطرات خود را منتشر کرد به عنوان: یک شاهزاده آمریکایی. او در این کتاب از کودکی ناشاد و ماجراهای عشقی بی شمار خود گزارش داده است.

این بازیگر نامزد جایزه اسکار روز چهارشنبه ۲۹ سپتامبر در ۸۵ سالگی در خانه‌اش در لاس وگاس به علت ایست قلبی در گذشت.

منبع

۱. همشهری آنلاین
۲. ویکی پدیا، دانشنامه
۳. سایت منظوم

کرتیس با بازی در فیلم‌های غیرجدی که از قیافه جذاب و شخصیت گیرای او استفاده می‌کردند، حرفه‌اش را آغاز کرد، اما بعد به طور مداوم به سوی نقش‌های قابل توجه‌تر حرکت کرد، گرایشی که با نقش آفرینی در فیلم «بوی خوش موفقیت» - قصه‌ای درباره کسب و کار عذاب‌آور صنعت نمایش - در سال ۱۹۵۷ شروع شد.

جیمی لی کرتیس در بیانیه‌ای درباره مرگ پدرش گفت: «پدرم میراثی از بازی‌های فوق‌العاده در فیلم‌های سینمایی و نقاشی و کولاژهایش را باقی گذاشت. او کودکان و خانواده‌هایی را به جای گذاشت که عاشقش بودند و به او احترام می‌گذاشتند و همسر و فرزندان همسری که خودش را وقف آنها کرده بود. و نیز طرفدارانی در سراسر دنیا باقی گذاشت.»

کرتیس در حالی که نقش‌های اول کمتری به او پیشنهاد می‌شد، به سوءمصرف الکل و مواد غیرمجاز پناه برد، اما بعدها در دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک بازیگر کاراکترساز به سینما و تلویزیون بازگشت. خوش‌بینی بی‌پروایش به او بازگشت، و او اجازه داد موهای زمانی براق و سیاهش، نقره‌ای شود.

سرای سالمندان یهودی ایران با بیش از نیم قرن سابقه و با کادری مجرب در خدمت سالمندان همکیش می‌باشد. از کلیه‌ی عزیزانی که مایل هستند با این مرکز همکاری کنند درخواست می‌شود کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را با هماهنگی دفتر سرا ارسال نمایند.

نشانی : خیابان دماوند، نرسیده به میدان

امام حسین، کوچه عاشق‌باه، پلاک ۲

تلفن : ۷۷۵۵۴۱۶۹ - ۷۷۵۵۲۰۳۰

ساعت کار ۸ الی ۱۶

اینستاگرام : Iranian. Jewish.nursing.home

نگاهی به زندگی یهودیان کوهستان؛ قومی که از ایران به قفقاز کوچیدند

نسترن جاذب

آذربایجان سال‌ها میزبان مردمانی از نژادهای مختلف بوده است، از جمله یهودیان کوهستان که بازماندگان یهودیانی هستند که صدها سال پیش از ایران به قفقاز کوچیده‌اند.

یهودیان کوهستان یا تات‌های یهودی که یهودیان قفقاز هم نامیده می‌شوند، گروه مردم ایرانی‌تبارند که از قرن پنجم میلادی مهاجرت کرده‌اند. آنان به نام‌های «داغ جوودی» و «جوهوری» نیز خوانده می‌شوند.

شماری از این یهودیان امروز در شهر شهرستان کراس‌نایا اسلو بودا در جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند و به تازگی موزه‌ای برای حفظ و معرفی میراث آنان برپا شده است.

ایگور شائولوف، مدیر موزه یهودیان کوهستان در معرفی این موزه می‌گوید: «این موزه، تنها موزه یهودیان کوهستان در جهان است. شماری از اسناد و اشیاء دست‌ساخته‌های این قوم اینجا نگهداری می‌شود و این مکان به معرفی گذشته و امروز یهودیان کوهستان اختصاص دارد. همچنین اینجا نشان‌دهنده‌ی تعامل بسیار و احترام متقابل میان یهودیان و آذربایجانی‌هاست.»

سبک معماری خاص شهرستان کراس‌نایا اسلو بودا، آن را از دیگر شهرهای آذربایجان متمایز می‌کند. مردم اینجا سنت‌های چندصدساله‌ی خود را حفظ کرده‌اند.



نمایی از شهر یهودی‌نشین کراسنایا اسلوبودا
 در آذربایجان

نائوم نفتالی‌یف، راهنمای موزه یهودیان کوهستان با نشان دادن ماکتی از یک کنیسه‌ی قدیمی می‌گوید: «این بنا شش کَمبره نام دارد که در زبان محلی ما، یعنی زبان جوهوری، به معنای کنیسه‌ی شش گنبدی است. این بنا در سال ۱۸۸۸ ساخته شد و در ابتدا کنیسه بود. اما در دوران اتحاد جماهیر شوروی، متأسفانه به کارگاه قالی‌بافی تبدیل شد چون امور مذهبی ممنوع بود. اما بعد از فروپاشی شوروی اینجا نوسازی شد و اکنون دوباره کنیسه است.»

کراسنایا اسلوبودا، بیرون از اسرائیل و آمریکا، تنها شهرستان تماماً یهودی‌نشین جهان است، و جمعیتی حدود ۳ هزار و پانصد نفر دارد.

مدرسه‌ی سنتی یشیوا هم جایی است که بچه‌ها در آن زبان عبری، تورات و نیز سنت‌های یهودیان کوهستان را می‌آموزند. دهه نود میلادی برای بسیاری از جوانان اینجا سال‌های دشواری بود، چون پس از فروپاشی شوروی آنها مجبور شدند برای یافتن کار مهاجرت کنند. اما حالا به‌یاری گروه‌های راست‌گیش یهودی، بچه‌های اینجا هم کنیسه‌ای برای نیایش دارند و هم مدرسه‌ای که در آن درس بخوانند.



اسلام مذهب اصلی مردم آذربایجان است اما ادیان دیگر هم پیروانی در این کشور دارند. حمدالله دین‌یاروف، کارشناس علوم اسلامی درباره‌ی همزیستی ادیان در آذربایجان می‌گوید: «مسلمانان و یهودیان قرن‌ها در محله‌ی گوبا کنار هم زندگی کرده‌اند. چنین محله‌ای می‌تواند الگویی برای دیگر جاها باشد.»

موزه‌ی یهودیان کوهستان که سال گذشته افتتاح شده، گام مؤثری در راستای حفظ و معرفی این اجتماع خاص، و فرهنگ و سنن چندصد ساله‌ی آنها به‌شمار می‌آید.

یهودیان قفقاز از دید زبان و برخی دیگر شناسه‌ها از جامعه‌ی فارسی‌زبانان به‌شمار می‌آیند. برخی از این مردم در ایران، افغانستان و آسیای میانه (یهودیان بخارا) زندگی می‌کنند. «کوهی» نامیده شدن یهودیان آسیای میانه، در سده‌ی ۱۹، پس از اینکه همه‌ی مردم قفقاز در دفترهای سازمانی روسیه نام «کوهی» (داغلی) گرفتند، صورت پذیرفت. ■

منبع

یورونیوز فارسی

نگاهی به تاریخچه پارالمپیک

در یکصد و بیست و دومین سال تولد بنیانگذار آن

آتوسا آرمین

ارشد پروفسور اوتفرید فورستر^۶ بود. فورستر پیشکسوت رشته جراحی اعصاب در اروپا بود و بسیاری از بهترین جراحان این رشته دانش‌آموخته انستیتوی شخصی او بودند. با قدرت گرفتن حزب نازی در سال ۱۹۳۳ ابتدا سمت دانشگاهی و پس از مدتی اجازه طبابت از گاتمن سلب شد و تنها مجاز بود که در بیمارستان یهودی برسلو طبابت کند. در شب شیشه‌ها^۷، او که عهده‌دار ریاست بیمارستان بود؛ دستور داد که پذیرش و درمان تمامی مراجعین بدون ثبت هویت انجام شود. سیاستی که ارزش آن، روز بعد و پس از هجوم گشتاپو^۸ به بیمارستان روشن شد. از ۶۴ بیمار پذیرفته شده در آن شب گشتاپو تنها موفق به احراز هویت ۴ نفر از بیماران شد و این افراد به اردوگاه کار اجباری اعزام شدند و ۶۰ نفر باقیمانده جان به در بردند.

گریز به بریتانیا

با افزایش فشار و آزار یهودیان آلمان، گاتمن در پی فرصتی برای خروج از کشور بود. در اوایل سال ۱۹۳۹ این فرصت غیر منتظره با بیماری یکی از نزدیکان سالزار^۹

بازی‌های پارالمپیک^۱ مجموعه‌ای از رقابت‌های ورزشی قهرمانی است که شرکت‌کنندگان آن دچار درجاتی از ناتوانی یا کم توانی جسمی یا ذهنی هستند. این بازی‌ها تحت نظارت کمیته بین‌المللی المپیک و اندک زمانی پس از پایان بازی‌های المپیک تابستانی برگزار می‌شود.

جرقه‌ی آغاز این رقابت‌ها در سال ۱۹۴۸، پس از پایان جنگ دوم جهانی شکل گرفت. در آن سال پروفسور لودویگ گاتمان^۲، نورولوژیست آلمانی - بریتانیایی، پیشنهاد برگزاری مجموعه‌ای از رقابت‌های ورزشی را برای تقویت قوای جسمانی و شرایط روحی سربازان معلول جنگ ارائه کرد. این رقابت‌ها به نام بیمارستان محل خدمت گاتمان «بازی‌های استوک منویل^۳» نام گرفت.

لودویگ گاتمان در ۱۸۹۹ در خانواده یهودی در آلمان زاده شد و پس از پایان تحصیلات متوسطه در رشته علوم انسانی، در سال ۱۹۱۷ به جبهه جنگ اعزام شد (جنگ اول جهانی ۱۹۱۴-۱۹۱۸). با پایان جنگ گاتمن وارد دانشکده پزشکی برسلو^۴ شد و پس از مدتی کوتاه با انتقال به دانشگاه معتبر فرایبورگ^۵ به تحصیل پزشکی ادامه داد و در سال ۱۹۲۴ مدرک دکترای عمومی خود را از آن دانشگاه اخذ کرد. سال ۱۹۳۳ گاتمان یکی از برجسته‌ترین جراحان و اساتید رشته جراحی اعصاب در دانشگاه برسلو و دستیار

^۶ - Otfried Foerster

^۷ - Kristalnakht : شب شیشه‌ها یا شب شیشه‌های شکسته . ۹ و ۱۰ نوامبر ۱۹۳۸ حمله عوامل حزب نازی به منازل و مکان‌های کسب و کار یهودیان در چندین شهر آلمان

^۸ - Gestapo : سازمان پلیس مخفی آلمان که از ادغام ادارات مختلف پلیس با هم در سال ۱۹۳۳ پس از به قدرت رسیدن حزب نازی در آلمان و به ابتکار هرمان گورینگ بوجود آمد.

^۹ - آنتونیو دو الیوریا سالازار Antonio de Oliviera Salazar

(۱۸۸۹-۱۹۷۰) نخست وزیر پرتغال بین سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۶۸ . او با

^۱ - Paralympic Games

^۲ - Ludwig Guttmann

^۳ - Stoke Mandeville Games

^۴ - Breslau

^۵ - Freiburg



لوگوی گوگل در ۳ جولای ۲۰۲۱: سالروز تولد گاتمان

معلولیت‌های نخاعی در اول فوریه ۱۹۴۴ تاسیس و مدیریت آن به پروفیسور گاتمان، برجسته‌ترین نورولوژیست وقت، سپرده شد. او این سمت را تا بازنشستگی در سال ۱۹۶۶ حفظ کرد. به باور او ورزش بهترین راه بازتوانی مجروحین جنگ بود. روشی که نه تنها توان جسمانی آنها را بازیابی می‌کرد بلکه کمک می‌کرد که حس غرور و احترام به خویشان، در آنها زنده شود.

گاتمان در سال ۱۹۴۵ به شهروندی بریتانیا پذیرفته شد و اولین دوره بازی‌های معلولین جنگی استوک مندویل را در تابستان ۱۹۴۸ برگزار کرد. شروع بازی‌ها برای روز ۲۹ جولای، نخستین روز المپیک لندن، برنامه‌ریزی شده بود. همه شرکت‌کنندگان دچار آسیب نخاعی بودند و روی صندلی چرخدار مسابقه می‌دادند. او برای تشویق شرکت‌کنندگان، واژه Paraplegic¹³ Games را در هماهنگی با عبارت مسابقات المپیک برگزید. عبارتی که در کوتاه مدت به مسابقات پارالمپیک تغییر یافت. این رقابت‌ها در موازات بازی‌های المپیک برگزار می‌شود و هر دوره، انواع بیشتری از معلولیت‌ها را در بر می‌گیرد.

مسابقات پارالمپیک

تا سال ۱۹۵۲، ۱۳۰ کشور به بازی‌های استوک مندویل پیوستند. افزایش تعداد شرکت‌کنندگان و رشته‌های ورزشی، برگزارکنندگان این بازی‌ها را بر آن داشت که توجه

دیکتاتور پرتقال دست داد. در آن زمان شهرت حرفه‌ای گاتمان از مرزهای آلمان فراتر رفته بود و سالزار خواهان درمان خویشاوندش توسط وی بود. حکومت نازی، در آستانه شروع جنگ، خواهان رنجاندن یاران احتمالی‌اش نبود؛ پس با درخواست سالزار موافقت گردید و برای گاتمان و خانواده‌اش ویزای خروج صادر کردند. گاتمن برنامه بازگشت خود را از طریق لندن ترتیب داد و این مقدمه‌ای شد برای اقدام پناهندگی‌اش به انگلستان. امری که با کمک شورای کمک‌رسانی به پناهندگان اکادمیک CARA¹¹ انجام گرفت. گاتمان به همراه همسر و دو کودک خردسالش در تاریخ ۶ مارس ۱۹۳۹ به آکسفورد انگلستان وارد شدند. CARA با جلب نظر وزارت کشور مبلغ ۲۵۰ پوند انگلیس (معادل ۱۶۰۰۰ یورو در سال ۲۰۱۹) برای کمک به اسکان خانواده گاتمان به آنها اهدا کرد. وی بلافاصله تحقیقاتی را که در زمینه آسیب‌های نخاعی در آلمان شروع کرده بود، در بخش جراحی اعصاب بیمارستان رادکلیف¹¹ از سر گرفت. خانواده گاتمان خیلی زود در جامعه یهودیان آکسفورد پذیرفته شدند. جامعه‌ای که با ادامه‌ی مهاجرت یهودیان سایر کشورهای اروپایی به آن، رو به رشد بود.

بیمارستان استوک مندویل

در سپتامبر ۱۹۴۳ دولت انگلستان گاتمان را مامور تاسیس بخش ضایعات نخاعی در بیمارستان استوک مندویل شهرستان باکینگهام شایر¹² کرد. تعداد زیادی از خلبان‌های جنگی پس از سقوط هواپیما دچار آسیب نخاعی شده بودند. بازتوانی این افراد به نحو احسن، دغدغه‌ی عمده‌ی فرماندهی نیروی هوایی سلطنتی بود و ایده‌ی تاسیس مرکز تخصصی ضایعات نخاعی از آن جا سرچشمه گرفته بود. بدین ترتیب اولین مرکز درمانی- تحقیقاتی

اعمال روش حکومتی "دولت نوین" Novo Estado در شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) شناخته می‌شود.

¹¹ - Council for Refugee Assisting Academics

¹¹ - Radcliffe

¹² - Buckinghamshire

¹³ - پاراپلژیا: فلج کامل نیمه تحتانی بدن شامل هر دو پا بر اثر آسیب

نخاعی در ناحیه مهره اول پشتی T1

شهرداری افتخاری دهکده المپیک ۲۰۱۲ به دخترش او^{۱۸} محول شد. هم چنین در همین سال، فیلم «بهترین مردان»^{۱۹} درباره زندگی او از تلویزیون انگلستان پخش شد.

جایزه‌ی سر لودویگ گاتمن^{۲۰}

از سوی انجمن پاراپلژیای آلمان^{۲۱} هر ساله به دانشمندانی با دستاوردهای نوین در زمینه‌ی ضایعات نخاعی تعلق می‌گیرد. در سال ۱۹۵۷ ملکه الیزابت دوم عنوان «سر Sir» را به وی اعطا کرد و عضویت انجمن سلطنتی بریتانیا نیز به وی اهدا شد.■

فدراسیون‌های ورزش بین‌المللی را به اهمیت این رقابت‌ها جلب کنند. کمیته بازی‌های المپیک در سال ۱۹۵۶ جام سر توماس فرنلی^{۱۴} را، جهت بزرگداشت دست‌آوردهای ارزشمند و نوآورانه‌اش در حمایت از اهداف المپیک، به گاتمن اهدا کرد. اصرار او بر اهمیت برگزاری رقابت‌های ورزشی برای کم‌توانان منجر به تاسیس رسمی بازی‌های پارالمپیک، همزمان با المپیک تابستانی ۱۹۶۰ رم شد. این بازی‌ها تحت عنوان «نهمین بازی‌های بین‌المللی سالانه استوک مندویل» برگزار شد. حمایت از این بازی‌ها را سازمان جهانی کهنه سربازان به عهده گرفت. بازی‌های ۱۹۶۰، اولین دوره پارالمپیک به شمار می‌آید.

سرانجام و میراث گاتمن

گاتمن در سال ۱۹۶۱ انجمن بین‌المللی پاراپلژیای^{۱۵} را تاسیس کرد و تا سال ۱۹۷۰ ریاست آن را بر عهده داشت. هم چنین انتشار ژورنال پاراپلژیای با نام فعلی طناب نخاعی^{۱۶} از ابتکارات اوست. سال ۱۹۶۶ از انجام فعالیت‌های پزشکی بازنشسته شد ولی تا پایان عمر در سال ۱۹۸۰ ارتباط خود را با رشته‌ی تخصصی‌اش حفظ کرد.

ساخت استادیوم ورزشی استوک مندویل در کنار بیمارستان به عنوان مرکز ملی ورزش معلولین در انگلستان، از دستاوردهای بشردوستانه او به حساب می‌آید. یکی از بیماران مبتلا به پاراپلژیای، گولیمرو گونزالس گیلی اسپانیایی، پس از بهبودی نسبی و بازگشت به وطنش، بیمارستان تخصصی بازتوانی نورولوژیک بارسلونا را تاسیس کرد و به افتخار گاتمن، نام انستیتو گاتمن^{۱۷} را بر آن نهاد.

همزمان با المپیک ۲۰۱۲ لندن، مجسمه‌ی برنزی تمام قد او در ورودی استادیوم استوک مندویل نصب شد و

منبع

سایت دایرالمعارف بریتانیکا و ویکی پدیا

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از زحمات مدیر محترم کنیسا، آقای رحمت حوری‌زاده و مسئول محترم کنیسا آقای موسی حریریان و بهرام و کیوان ملکان خوانندگان تفیلا و تورا تشکر می‌کنیم امیدواریم در کنار خانواده‌ی محترم سلامت و عاقبت به خیر باشید.

اهالی کنیسای پل چوبی

^{۱۴} - Sir Thomas Fierney Cup جام سر توماس فیرنلی، عضو

کمیته بین‌المللی المپیک که با سرمایه شخصی جهت ارتقاء اهداف عالی المپیک، افتتاح کرد.

^{۱۵} Paraplegia of Society International

^{۱۶} Cord Spinal Journal

^{۱۷} Institute Guttman

^{۱۸} Eva

^{۱۹} The best of Men

^{۲۰} The Ludwig Guttman Prize

^{۲۱} German medical Society for Paraplegia

سیر نشر و ترجمه کتاب مقدس عبری به زبان‌های دیگر

روبرت شمیمان

کارشناس ارشد زبان انگلیسی

جهان به توزیع کتب ترجمه شده اقدام کردند. از مترجمان، ویراستاران، نویسندگان تفاسیر و کلیه افرادی که در این پروسه حضور داشتند و در اکثر کتاب‌های نخستین قرن بیستم نامشان بچشم می‌خورد می‌توان به آرتور دیویس، اسرایل زنگویل، ردکلیف سالامان (نینا)، السی دی وییس، لیدی مگنس، ربی یوگن کهن، دکتر سلیمان فریهاف، سیروس آدلر، برنارد دراخمن، دکتر ویلیام روزناو (۱۹۱۷) در جنگ جهانی اول، سیمون سینگر، هربرت آدلر، دیوید سولاپل و اوستین ... را نام برد.

همچنین همت برخی از ربای‌ها (دانشمندان) بعد از جنگ جهانی دوم و کمک افرادی همچون ناتان باروخ، اوستین، اویزر برشتین در چاپ کتاب مقدس ترجمه شده تاثیر مطلوب گذاشت. نیز در کشورهایی مثل آلمان در شهر مونیخ و یا سایر مناطق شوروی، برگردان‌هایی به زبان‌های آلمانی و روسی یا فرانسه همراه عبری صورت پذیرفت. بازبینی چندباره و افزودن اعتبار بیشتر با تحقیقات باستان‌شناسی و پژوهش میدانی و نیز افزایش علائم سجاوندی از جمله نوع قلم، نقطه ویرگول ... و اشاره به برخی ضمایر بکار رفته برای خدا همچون او (He مذکر) یا اسامی دیگر این نام مقدس به دقت بیشتر ترجمه‌ها از ۱۹۵۰ به بعد افزود. اگر چه اکثر دو زبانه‌ها فاقد علائم آهنگین برای قرایت هستند اما با حمایت انجمن چاپ یهودیان در شهرهایی مثل فیلادلفیا یا انجمن بین‌المللی کتاب مقدس با ارائه نسخه‌های متعدد در آمریکا، کانادا، انگلستان و سایر کشورهای اروپایی با همراهی بیش از ۱۰۰ پژوهشگر زبان‌های باستانی عبری-آرامی-یونانی به خصوص از نیمه دوم قرن بیستم یعنی از ۱۹۵۰ تا ۶۵ و با حمایت مالی و ایجاد کمیته ویراستاری اصطلاحات خاص، چاپ‌های بهتری آماده شدند.

سایر ترجمه‌ها همراه با شفافیت عمومی معنای متن بوده که برای آموزش یا خوانش دعا و از برخوانی یا اجرا (سرود) کمک نموده است. تداوم همکاری این گروه‌ها

چاپ و نشر کتاب مقدس و سیدور (کتاب نمازهای روزانه) یا موعیدیم (عیدها) به صورت جیبی یا بزرگ با دو زبان عبری انگلیسی یا به زبان‌های دیگر سابقه چشمگیری در قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی بین همه ملل و کشورها داشته است. تاکید خاص بر دعا‌های اعیادی چون روش‌هشانا (سال نو)، کیپور (روز کفاره) و پسخ (آزادی) برای آن دسته از خوانندگانی که زبان عبری را فراموش کرده یا یاد نگرفته‌اند در هر دوره منظور شده است.

در چاپ‌های اول فقط زبان عبری مد نظر بوده و در اروپا در ایتالیا پیشینه آن به سال ۱۴۸۶ و توسط سونسینو باز می‌گردد که حاوی کلماتی از زبان محلی نیز می‌باشد. از ۱۵۳۸ تا ۱۸۶۵ گسترش و پخش عهد عتیق و جدید و ترجمه‌های آنها را در دو قاره انگلیسی زبان شاهد هستیم. لازم به ذکر است که در ایران، خاچاطور وارثاپد گراساسی سازنده نخستین دستگاه چاپ (در ایران)، کتاب زبور داود را در سال ۱۶۳۸ م. و در ۵۷۲ صفحه به چاپ رسانید. نخستین ترجمه‌ها در بریتانیا و لندن به سال ۱۷۳۸ و در ایالات متحده در ۱۸۳۷ میلادی انجام شده‌اند. از قرن نوزدهم و بیستم بخصوص برای افرادی که فریضه نیایش را در هر جا غیر از کنیسه برپا می‌داشتند از طریق زبان دوم یعنی ترجمه عبری به زبان‌هایی مثل انگلیسی، روسی و فرانسه معنا و درک بهتر از متون مقدس را تسهیل نمودند. معنای سلیس متون عبری ترجمه شده با حمیت و ثبات مترجمان و علاقه ایشان به کار طاقت‌فرسا برای نشان دادن درستی و اعتبار اثر طی دو سده بعد (از قرن ۱۶) و کلا در هر دوره ستودنی است. ایشان مطالب قابل توجهی از متون عهد عتیق و این چنین را در مجلدها و چاپ‌های گوناگون برای درک و یا تفسیر بهتر خوانندگان آن منتشر کرده‌اند. نشر و نظم در کتاب‌های نماز روزانه از دقت مترجمان پرده برمی‌دارد. نیز برخی از موسسات و انتشارات همچون اتحادیه و جامعه یهودیان آمریکا در اوایل دهه نخست سال ۱۹۰۰م برای ارتباط هر چه بهتر یهودیان با سایر نقاط

افزوده شد. برای شفافیت کلمات و معانی و صورت در هنگام بروز مشکل چندمعنایی کلمه توضیحی در براکت قرار گرفت. جابه‌جایی ضمائر از اول شخص دوم یا سوم شخص با توجه به وجود معرف یکسان نهاد و فاعل ثابت در زبان عبری با ترجمه همگونی اجرا شد. متون شعرگونه با تو رفتگی و نشان دادن بخش برگردان جمله stanza و حفظ ساختار متن عبری آن بهتر نمایش داده شده است. عنوان‌های درشت و مورب در اکثر نسخ هم اکنون درج شده که به شناخت بهتر فصل‌ها کمک می‌کند. ترجمه‌های محتمل از یک واژه با زیرنویس آمده به همان میزان متن را بهتر قابل فهم می‌کند.

جای بسی تحقیق پیرامون ابزار موسیقی، گیاهان جانوران، سنگ‌های معدنی، جزئیات معماری و اینچنین همراه با جواهرات و لباس‌ها در عهد عتیق وجود دارد و ما شاکر پروردگار هستیم که به ما در وظیفه‌مان یعنی شناخت اهداف ترجمه، ویراستاری و نشر متون مقدس کمک کرده که به شکوه بیشتر او می‌انجامد. ■

موجب افزایش اعتبار ترجمه شد. لازم به ذکر است که در کلماتی همچون جهنم، برزخ... که در عبری، یونانی و فارسی معنای خاص خود را دارند دقت خاصی برای برگردان شدن می‌طلبند که گاهی با اغماض یک معنایی شده‌اند همچون در نسخه انجیل کینگ جیمز که همگی Hell آمده‌اند.

مشاوران و مترجمان در نسخ جدید از اصطلاحات و تعبیرهای گوناگون برای طبیعی جلوه دادن (عدم سویگیری ترجمه) و اجتناب از مکتب آمریکا یا انجلیکن سود برده‌اند. با توجه به دوره ترجمه شاه جیمز king james.

تیم ترجمه تغییراتی برای ضمائر و افعال برای خدا انجام دادند. به نظر می‌رسد که چاپ‌های سال‌های ۱۹۷۳ تا ۸۳ به مراتب دقت بیشتری دارند. ناگفته نماند یافته‌های باستان‌شناسی یا زبان‌شناسی به فهم متون مغلق پر از شک کمک شایانی نمود، برای مثال کلماتی همچون Sovereign God برای خدای لشکریان با توجه به نسخه کینگ و یا آوای کلمات با آوانگاری همچون خ یا ک در نام نبی زخریا که با ch نوشته می‌شود.

برای اسامی مکان‌آهایی که عمومی‌تر بودند با توجه به متون آرامی یونانی به کار گرفته شدند و زیرنویس نیز

فتوگالری مهر

نامزدی - عروسی - تولد

دو دوربین HD فول HD
آلبوم دیجیتال ۱۰ برگ (۳۰*۲۰)
۳۰ عکس (۱۸*۱۳) باغ
۱۰ عکس (۲۱*۱۶) آتلیه
شاسی شب مراسم (۶۰*۵۰)

shayanmehr333

ما را در اینستاگرام دنبال کنید

با مجوز رسمی از اتحادیه عکاسان و فیلمبرداران



چاپ عکس در سایزهای مختلف از روی رم و فلش
تبدیل انواع فیلم (آپارات و VHS و ...) به DVD
عکس ۴×۳ و ۴×۶ فوری

(تخفیف ویژه جهت همایشان عزیز)

۲۲۵۲۳۶۲۷

۰۹۱۲۲۷۸۷۸۵۸

۰۹۱۰۲۷۹۷۸۵۸

دارویی از جنس بیداری

المیرا سعید

یکدیگر. اگر کرونا را فقط به چشم ویروسی خطرناک زیر ذره‌بین قرار دادیم تا به منشأش برسیم و در به در به دنبال نسخه‌ای برای مبارزه و واکسنی برای ریشه کنی‌اش، قطعا فریب خورده‌ایم. کرونا بی‌شک فریب‌قرن بود، اگر به خود نیامده باشیم و از فراگیری‌اش روی کره زمین تکانی نخورده باشیم.

هر میکروب و ویروسی، چه قدیمی و چه نوظهورش، بالاخره پادزهری دارد. هر مرضی با تلاش و تحقیق پزشکان و دانشمندان دیر یا زود علاج می‌شود. واکسن کرونا هم پس از چندی ساخته شد و از شیوع بیشتر آن پیشگیری شد. اما واکسن نابرابری چه؟ آیا از دارویی برای نابرابری و بی‌عدالتی هم رونمایی شد؟ چقدر به توصیه‌ها و هشدارها برای جلوگیری از این هم جرم و جنایت که گریبان زمین را گرفته، عمل شد؟ به دستوراتی که خدا از روز اول آفرینش در گوش آدم زمزمه کرده تا آرام‌تر زندگی کنیم، چقدر اعتماد کردیم؟ به سفارشات انبیا و اولیایش که جز رواج نیکی و پرهیز از ظلم نبود، اعتباری قائل شدیم؟

دقیقه به دقیقه و هر ساعت پزشکان از رسانه‌های مختلف تذکر دادند تا برای مبتلا نشدن دست‌ها باید مرتب شسته شوند، ولی دست از دروغ و فریب‌کاری نشستیم. تا جایی پیش رفتیم که خصلت‌های زشت شد عادت و الگوی زندگی‌مان. دیگر ترکش دارو نمی‌خواهد، نیرو می‌خواهد. نیروی غلبه بر خودخواهی. هزاران متخصص در سراسر دنیا تأکید کردند همه چیز و همه جا را مرتب ضد عفونی کنید. آیا دل و ذهنمان را هم از تهمت و ریا زدودیم؟ یا این که بیش از پیش بر زنگارهای قلبمان، لایه‌ای افزودیم؟ پرستاران هر دم فریاد زدند فاصله اجتماعی را رعایت کنید و از دورهمی‌ها پرهیزید تا در آینده بیشتر دور هم جمع شوید.

کرونا یک بیماری نبود، نشانه‌ای از بیزاری بود؛ بیزاری خدا از رفتار آدم‌ها نسبت به هم. بیزاری آدم از آدم بود. نفرت آدم‌ها از تفاوت چهره‌ها با نقاب‌هایی رنگی، از جنس دورویی.

چنین تفاوتی، فاصله‌ای می‌طلبید برای تنها شدن و تنها ماندن، برای نزدیک شدن به خود و فاصله گرفتن از هم‌نوع خود، تا شاید بیدار شویم.

این فاصله، بیداری بود نه حاصل یک بیماری. وقت آن رسیده بود تا زمین بیدار و دنیا درمان شود. درد تا مغز استخوان آدم هم رسیده بود. آدم داشت از درد به خود می‌پیچید، درد خودخواهی. گوش دنیا کُر شده بود از خط و نشان‌هایی که آدم برای آدم می‌کشید و چشم زمین جز تملق و دو رنگی دیگر چیزی نمی‌دید.

صبر خدا زیاد بوده و هست. همیشه انسان را به شکیبایی دعوت کرده. همواره مظهر لطف است و بخشش را به بندگانش آموخته. از حق بنده به خود گذشته و در عوض آدم را به خشنود کردن هم نوع خود تشویق کرده. ولی سکوت و صبرش دیگر در برابر دنیایی از بی‌مهری و نامردی انسان‌ها به هم سر ریز شد. از حق خود می‌گذرد چون بی‌نیاز است و بزرگی‌اش بی‌اندازه. اما چشم بر هم نهادن در برابر این همه کینه و دشمنی که آدم از آدم دریغ نمی‌کرد، دیگر جایز نبود.

چه شده بود؟ مگر آدم را اشرف مخلوقات نام نهاده بود؟ چه عنصری در نهادش کم گذاشته بود که کار به اینجا کشید؟ خدا بیزاری خود را در قالب یک بیماری به انسان اعلام کرد. خصومت‌ها باید نشانده می‌شد تا نسل آدم از قحطی محبت منقرض نشود. نفس‌های دنیا به شماره افتاد، قطار زمان کمی از سرعتش کاست تا زمین بهتر نفس بکشد. نتیجه‌اش شد فاصله، دوری و بی‌خبر ماندن از

فریاد زد با داشته‌هایتان خوشحال باشید و حسرت نداشته‌ها، از اوقاتتان جهنمی نسازد که از آتشش نه خود در امان بمانید و نه اطرافیان.

شعله‌های مهیب این بلا، تر و خشک را با هم سوزاند. نه یارای ماندن بود، نه پای رفتن. پای رفتن بر بالین بیماری که از گوشت و خون‌مان بود بریده شد. دست‌مان کوتاه شد از یاری رساندن به دردمندی. دل‌مان دیگر در انتظاری خبری خوش از عزیزمان در بیمارستان توان تپیدن نداشت.

بلایی آمد تا تنبیه شویم، تنها شویم. قربانیان غریبانه رخت بر بستند و بازماندگان در غربت خود مویه کردند. آنقدر بی‌کس و تنها شدیم که حتی دوستی جرأت نکرد برای تسلی حال دل‌مان لحظاتی کنارمان باشد.

هر روز موج دیگری در راه است، اگر نتوانیم روز خود را بدون کینه و دشمنی به شب برسانیم. بلای سهمگین‌تری بر سرمان نازل می‌شود اگر نتوانیم به دوستی‌هایمان رنگ یکرنگی بپاشیم و تاوان سنگین‌تری باید پرداخته شود، اگر آرامش خود را در آرامش همسایه ندانیم و تنها به آسایش خود بیندیشیم.

کرونا درگیری ریه و قلب و مغز نبود. تازیه‌ای بود بر روح و روان‌مان. ضربه‌ای هولناک بر جان‌مان تا از خواب غفلت بیدار شویم، دل بتکانیم از هر چه زشتی و پلیدی است. بساط نفاق و دو رویی را برچینیم و بر سر سفره‌ی یکرنگی و صفا مهمان شویم.

کرونا ها هیچ وقت شکست نمی‌خورند اگر جز به خالق هستی ایمان نیاوریم و بُت‌هایی را که خود به دست خود تراشیده‌ایم از سر راه برداریم. ■

اما هنوز یاد نگرفتیم چطور قدر هم را بدانیم. هر روزه از وزارت بهداشت و فلان ستاد و پایگاه، پروتکل‌هایی صادر شد تا سفر نکنیم و به دید و بازدید هم نرویم. ولی دریغ هنوز نفهمیدیم که باید سفری به خود کنیم، هر از گاهی لازم است به زیارت دل برویم و داشته‌هایمان را بهانه‌ای کنیم برای شاد بودن و همچنین واجب است از وجدان خود عیادت کنیم.

فاصله‌ها و تنهایی همیشه نشان از بی‌کسی و افسردگی ندارد. می‌شود آن را فرصتی دانست برای به خود آمدن و کمی تأمل. محدود شدن رفت و آمدها و تازه نشدن دیدارها را می‌توان دارویی دانست برای درمان بی‌خبری از خود و بی‌توجهی به حقوق دیگران.

سال‌ها می‌گذرد و شاید آیندگان پس از خواندن این فصل از کتاب زندگی پیشینیان خود، کرونا را بیداری بدانند، نه فقط یک بیماری. بیداری‌ای که دارویی شد بر درد خودبینی آدم. شاید پس از گذشت سال‌ها، فرزندان ما نظاره‌گر فیلم‌ها و انیمیشن‌هایی شوند که در آن‌ها کرونا درمانی معرفی شود در قرنی که وفا و گذشت رنگ باخته بود. شاید پس از سپری شدن این بحران، کتاب‌هایی به چاپ برسند که مؤلفان و نویسندگان، کرونا را نه فقط یک ویروس، بلکه شفایی بی‌مانند بدانند بر دردهایی که انسان خود دلیل آن بود و چاره‌ای برای قطع زنجیره‌ی نامهربانی.

کرونا برای تعطیلی بازار و دکان و فروشگاه نیامد. برای بیشتر در خانه ماندن و بیکار شدن شاغلین و وقت‌کشی جوان و نوجوان‌ها هم نیامد. ویروسی نیامد تا از نرفتن کودک خود به مدرسه و در خانه ماندنش ذوق کنیم و دیگر نگران دیر رسیدن به کلاس و مدرسه نباشیم. کرونا برای بیشتر پختن و خوردن انواع خوراکی‌ها در خانه هم نبود. کرونا آمد تا بازار ریا و حقه را تعطیل کند. آمد تا در هیچ فروشگاه‌ای کسی جرأت عرضه‌ی دین‌های دروغین و ساختگی را نداشته باشد و هیچ کاسبی نتواند دخلش را با دروغ و جارو کردن زیر پای کاسبان دیگر پُر کند. کرونا آمد تا به من و تو بفهماند جشن‌های پُر زرق و برق با هزینه‌های نجومی ضامن خوشبختی دو نفر نیست. کرونا



زندگی قصه می سازد

شکرگان انورزاده

فعال اجتماعی

با هر طلوع خورشید تابان طلایی، با شکرگزاری به درگاه خداوند مهربان، بیدار می شویم. شکرگزاری برای آغاز روزی دیگر. سپاس برای شروع داستانی دیگر، در روزی دیگر. در ذهنمان، برنامه ریزی می کنیم و امیدواریم که امروز هم روز خوبی باشد. کارهایمان با موفقیت، به نتیجه برسد. امروز هم خاطرات خوشی برایمان رقم بخورد و امروز هم قهرمان پیروز زندگی خود باشیم. امروز، در محل کارمان، خوش می درخشیم. امروز با دوست عزیز، اوقات خوبی را سپری خواهیم کرد. امروز، به کارهای عقب افتاده خواهیم رسید. امروز، خبرهای خوبی برایمان خواهد رسید. امروز، غذاهای متنوع و لذیذی خواهیم پخت. امروز، به دیدن منظره‌ی زیبایی که در گوشه‌ی ذهنمان، جا خوش کرده، می رویم و با لذتی بی پایان، تماشایش می کنیم. امروز، امروز، همین امروز عاشق می شویم. عاشق انسان‌های خوب. عاشق هر نفسی که می کشیم. عاشق لحظه به لحظه‌ی زندگی. همین زندگی، که با افکارمان، برایمان قصه می سازد. ■

دلنویسه

سمر بروقیه

مدت‌هاست تصمیم گرفته‌ام هر گاه از کسی رنجیدم یا دلم را شکست، به یاد روزی باشم که ممکن است هرگز در زندگی‌ام نباشد. نه که باشد ولی با من نه، به یاد روزی که ممکن است دیگر زنده نباشد. به یاد روزی که خاطره خوبی‌هایش در ذهنم جان می گیرند. به یاد روزی که بدی‌هایی که در حقش کردم پتکی می شوند و بر سرم فرو می ریزند. به یاد روزی که دیگر نیست و ندارمش که عذرخواهی کنم یا از دلش در بیاورم. آن روز را مرور می کنم آنقدر که نبودنش را باور می کنم، بعد در ذهنم برایش غمگین می شوم و یک عزاداری قلبی و بعد آرزو می کنم: کاش بود و از او می گذشتم. بعد به خود می گویم حالا او هست، پس ببخش و فراموش کن... تا هست مهربان باش، تا هست دوستش بدار و علاقه‌ات را ابراز کن، تا هست ببخش و از وجودش لذت ببر، آنگاه می بخشمش. از بخششم شاد می شوم و از بودن او شادتر ... کمی سخت است، بغض دارد، گریه دارد، اما غیر ممکن نیست. در نهایت به آرامش می رسم و او را از اول دوست دارم، و این دوست داشتنم را به جانم تا ابد گره می زند... مراقب روزهایی که ممکن است بی او سر کنیم باشیم، گاهی خیلی زود دیر می شود...

طنز



میگن یه زنی شبه وبا گرفته

استاد (ممن دلرمیه)

خود نوبت سوم و چهارمش را هم زده بودند. در چنین اوضاع و احوالی، یک روز جمعیت کثیری در پیاده‌رو مقابل توجهم را جلب کرد، بی‌اختیار به آن طرف خیابان دویدم، جمعیتی در حدود پانصد نفر از سر و کول هم بالا می‌رفتند، اول خیال کردم تصادفی، زد و خوردی چیزی رخ داده است ولی همین که به محل حادثه رسیدم از دستمال‌هایی که مردم جلوی دهان و دماغ خود گرفته بودند حس کردم که باید خبر دیگری باشد غیر از قتل و جنایت و دزدی و زد و خورد! اول کاری که کردم به تبعیت از دیگران دستمال یزدی چهارخانه‌ام را از جیب شلوارم درآوردم دماغ و دهانم را با آن پوشاندم و از اولین نفری که جلویم بود پرسیدم: آقا ببخشید اینجا مستراح خالی می‌کنند؟ طرف با نگاهی پر از سوءظن سراپایم را ورنانداز کرد و گفت: چی گفتین؟ چون دستمال روی دهانم بود فکر کردم شاید یارو مقصودم را درک نکرده است، لذا گوشه دهانم را از زیر دستمال بیرون آوردم مجدداً گفتم: عرض کردم اینجا مستراح خالی می‌کنند؟ مردک با لحن تقریباً نیش‌داری گفت: برو بابا، خدا روزی تو جای دیگه حواله کنه آخر مرد حسابی وسط پیاده‌رو جای مستراح خالی کردند؟ گفتم: چون شما دستمال جلوی دماغتوم گرفتین، این خیالو کردم، این که دعوا نداره داداش. طرف جواب داد: من دیدم مردم جلوی دماغ و دهنشونو گرفتند منم گرفتم و سپس با لحن فیلسوفانه‌ای اضافه کرد: اصلاً تو خودت چرا جلوی دماغتو گرفتی؟! دیدم جوابی ندارم که بدم ناچار سر خر را کج کردم و به طرف دیگر جمعیت دویدم و برای این که زودتر از ته و توی قضیه سر در بیاورم با زور خودم را به وسط جمعیت انداختم. حالا دیگر نه بیرون معرکه را می‌دیدم نه وسط معرکه را ولی با این که از پیشروی خود راضی به نظر می‌رسیدم بدون این که فرصت بدهم از نفر جلویی پرسیدم:

تازه کروناهای لعنتی چینی، انگلیسی و آمریکایی و و گم و گور شده بودند که شایع شد که «شبه وبا» آمده. روزنامه‌ها برای این که خواننده‌ای به دست بیاورند بیشتر شیرینش می‌کردند و در هر شماره با چاپ اخبار دست اول آن را به اطلاع مردم می‌رساندند و حسابی توی دل مردم را خالی می‌کردند. رادیوها هم هر ساعت اعلام دستوره‌های بهداشتی که چه کوفت کنید و چه زهرماری نفرمایید درست و حسابی مردم را وحشت‌زده می‌کردند و از همه بدتر صدای دورگه‌ی بلندگوهای بود که در خیابان‌ها و کوچه پس‌کوچه‌های شهر مردم را به تزریق «واکسن ضد وبا» تشویق می‌کردند، کسب و کار مردم به کلی فلج شده بود. انگور و خربزه که در سال‌های قبل برای درمان هم پیدا نمی‌شد خروار خروار در دکان‌های میوه‌فروشی تلمبار شده، باد کرده بود و از تصدق سر اعلامیه‌های اداره بهداشت کسی جرأت نداشت به آنها نگاه چپ بکند، سبزیجات و تره‌بار را که دیگر کسی مفت هم قبول نمی‌کرد، در خیابان‌ها و حتی در منازل مردم با سوءظن به یکدیگر نگاه می‌کردند طوری شده بود که مردم تا یک آدم زردموی لاغر را می‌دیدند آن چنان از او فاصله می‌گرفتند که بیچاره اگر به خودش هم مشتبه می‌شد و بی‌اختیار شروع می‌کرد به استفراغ کردن و پشت سرش هم بیخود و بی‌جهت اسپهال می‌گرفت؟!!!! خلاصه ترس وحشت بدجوری در دل مردم جا کرده بود، هیچ دستی نبود که دو جای آن بوسیله‌ی مامور این مبارزه با وبا آس و لاش و متورم نشده باشد، زن و مرد پیر و جوان و بزرگ و کوچک بدون این که صدایشان درآید اقلاً پنج شش ساعت متوالی یک لنگه پا توی صف می‌ایستادند که «واکسن» بزنند به طوری که هنوز اطلاعیه‌ی بهداشتی مبنی بر لزوم تزریق واکسن نوبت دوم منتشر نشده قاطبه‌ی مردم غیور و رشید از ترس جان

بیا بنگر به این نشریه بینا

(همن دلرمیه)

تو که بس هوشمند و هوشیاری

از آن هوشت بده ببنده یاری

چو تو داری دو چشم پاک و بیبا

بیا بنگر به این نشریه‌ی بیبا

که تا روشن شوی اوضاع زمانه

بخوان اخبار بیبا دانه دانه

گر که خوانی سرمقاله و سخن سردبیر

از این پند و اندرزها، شوی سیر

چنان «بیبا» شده از شکل و قامت

ز «شیپورچی» و طنز با کفایت

ز فرهنگی، اجتماعی و روانشناسی

چه از مصاحبه‌ها و دانشمندشناسی

فراوان است اکنون در هر معابر

همی دل می‌برد از شخص عابر

تو ای بیبا جونم بجان جدت

بچاپون این اشعار، قریبون قدت

نگهدار تو باشد این خداوند

نشه دور از لبانت هیچ لبخند

آقای خیلی معذرت اون جلو چه خبره؟ یارو بدون این که به من نگاهی بکند، همانطور که دماغش را با دستمال گرفته بود گفت هیچی، میگن یه زنی شبه وبا گرفته! دیگر درنگ جایز نبود با یک حمله‌ی برق‌آسا دیگر خودم را به جلوی جمعیت رساندم، چشمتان روز بد نبیند یک زن جوان چادری تقریباً بیست ساله روی زمین چمباته زده بود و یک ریز عُنق می‌زد پاسبان سبیل از بنا گوش دررفته‌ای هم در حالی که کلاهش را مثل ماسک ضد گاز خفه‌کن جلوی دهنش گرفته بود در فاصله چهار و پنج قدمی او ایستاده و در حالی که باتومش را تکان می‌داد با لحنی آمرانه و تهدیدآمیز که مقداری هم ترس و التماس قاطیش بود از همان دور زن را به رفتن بیمارستان دعوت می‌کرد و می‌گفت: دارم به زبون خوش بهت می‌گم پاشو برو بیمارستان! مردم تماشاچی هم هر کدام چیزی می‌گفتند زن چادری مسنی که دست راست من ایستاده بود می‌گفت: تا دیر نشده یه گونی آهک بیارین و این رو بیندازیدش توی آب آهک و قالش را بکنید. در غیر این صورت ممکنه مرض وبا به دیگران سرایت بکنه! در این موقع زن شبه وبایی که خوب «عُنق‌هایش» را زده بود نفسی کشیده سرش را بلند کرد تا چشم مردم به صورتش افتاد هفت هشت قدم عقب پریدند پاسبان هم دو ردیف عقب‌تر از مردم سنگر گرفت، هم ردیف دست چپی من که مرد بلند قامت و چهارشانه بود گفت: تنها راهش اینه که اونو آتش بزنی وگرنه ... هنوز حرفش را تمام نکرده بود که پیرمرد خمیده‌ای با صدای لرزانش گفت: بی‌عرضه‌ها چرا معطلید می‌خواهید مرض تمام شهر را بردارد اونوقت به فکر چاره بیفتید؟ بروید تیزآب بریزید روش شرش را بکنید دیگه !!! دیدم نه: مردمی که در تمام عمرشان روی یک موضوع واحد به توافق نرسیده‌اند، نزدیک است برای نقله کردن این زن به یک تصمیم جدی برسند، از طرفی من ترسیدم چیزی به نفع این زن بگویم آن وقت مرا هم به جرم طرفداری از «شبه وبا» سنگسار کنند! ... که یک دفعه زن شبه وبایی مثل ترقه از جا پرید و گفت: آخه بی انصافا من چیزیم نیستم که این همه جوش می‌زنین من چهار ماهه حامله‌ام این عُنق‌ها هم مال دوره‌ی ویارمه نه مال شبه وبا. ■

طنز



تهران ۱۵۰۰ شمسی

تشیوریچی

باید بسوزه و بسازه، مخصوصاً زن‌ها که هیچ حق و حقوق و اختیاری ندارند. همین دختر خاله یافا، بین ۴۸ ساله منتظر اینه که با طلاقش موافقت کنن.

- همین دیگه خانم، می‌گم که توقع‌های مردم زیاد شده. همین پسر آقا ابراهام که شوهر دختر خاله یافا تو بود مگه چش بود؟ ماشالله هم پولدار بود هم مومن!
* آره والا تو راست میگی فقط نمیدونم چرا سر به سال شلوارش شد دو تا و رفت سر دخترخاله بدبخت ما هوو آورد. حالا اعتیاد و دست بزنی و هیزی شم به کنار.

- این حرفا چیه؟ زن آگه زن باشه همه جوهره با مردش می‌سازه. اعتیاد که نداشت، چند وقت یه بار تفریحی گرد گندی مصرف می‌کرد (گرد گندی مواد مخدر بسیار خطرناک است). بعدم بنده خدا کاری نکرده که صادقانه رفته یه زن دیگه گرفته، آگه دختربازی می‌کرد خوب بود؟ برای دخترخاله شما هم که کم نداشت. تازه من خودم شنیدم آب بیرون هم نمی‌خوره. دیدی که طلاقم نتونست بگیره. همه حق رو به شوهرش دادن.

* عجب! مثل اینکه داستان دختر عمه گیتی خودتو یادت رفته. شوهرش با چکش گرفت دنده‌هاش رو خورد کرد تا حکم زندانش نیومد دختره رو طلاق نداد! کی جرئت داره ازدواج کنه با این اوضاع!

- همه شغل‌ها بازار خرابی دارن خانم! الان هم بازار خرابی ماست! نگران نباش کار ما هم رونق می‌گیره! اصلاً چرا این شموئل رو نمی‌بینی بیکاره! خیر سرش رفته دکترای روانشناسی گرفته!!!!

* خوب همین دیگه! آگه مردم می‌رفتن پیش مشاور و روانشناس مشکلاتشون رو می‌گفتن که کار به اینجاها نمی‌کشید اصلاً. آگه بلد بودن تا یه خواستگار میاد هول

* هوشنگ!

- جان هوشنگ!

* داری چیکار میکنی؟

- مگه نمی‌بینی دارم اخبار می‌بینم.

* چی میگن تو این اخبار؟

- هیچی. داره میگه ژاپنی‌ها تونستن از آبگوشت نخود و لوبیا برق تولید کنند.

* عجب! وقتی اطلاعات از طریق استخراج برق از حیوانات کامل شد یه سر برو بانک بین یارانه‌ها رو ریختن یا نه!

- ای بابا خانم دلت خوشه آخه این نفری ۴۵۰ میلیون تومن به کجای ما می‌رسه؟ کلش پول یه مسیر رفت و برگشت با جت‌په!

(جت‌پن نام تاکسی اینترنتی پرنده است)

* فعلاً که تو یه مدته بیکاری و ما به این پول احتیاج داریم، انگار نه انگار ۲ تا دختر دم بخت داری!
- خانم تقصیر من چیه؟ من که داشتم کارمو می‌کردم

دیگه کسی سراغ ما نمیاد.

* آخه تو این دوره زمونه کی میره دفتر ازدواج بزنه، به این امید که هر صدسال یه نفر بیاد ازدواج ثبت کنه، با این شرایط کی جرات داره ازدواج کنه؟ صد بار گفتم دفتر طلاق باز کن مرد!! گوشت بدهکار نشد که نشد!

- چه مشکلی هست مگه؟ همه چی به این خوبی، مردم سخت‌گیر شدن.

* من کاری به این توقعات و بده بستون‌های مالی و چشم و هم چشمی‌ها ندارم. ازدواج ریسکش بالاس عزیزم. اگر یکی هم به هر دلیلی در انتخابش اشتباه کنه با این سخت‌گیری‌های شرعی راه خروجی نداره و تا آخر عمرش

- نوچ نمی‌شه
* میندازمت زندان
- عرض کردم که نمی‌شه
* یه بلیت یه طرفه می‌خرم به مقصد زحل می‌رم دیگه
نمیام از دستت راحت شم
- فکر می‌کنم که جهت خروج از کشور به اجازه من
احتیاج داشته باشی...
* ولم کن اصن بابا نخواستیم می‌رم بیرون یه هوایی
به سرم بخوره
- ماسکت یادت نره
* خدامنو بکشه از دست تو راحت شم
- قبلش فقط شام یادت نره بپزی
* نپزم چی؟!
- یه زن دیگه می‌گیرم بپزه
* تو اگه عرضه داشتی همین یکيو نگه میداشتی
* اصلا اینارو ولش کن برو بشین بین چه جور
ژاپنی‌ها از آبگوشت و گندی برق تولید کردن ما هم می‌ریم
فکر بدبختی‌های خودمون باشیم. فقط یادت باشه نرم‌افزار
رایان رو آپدیت کنی این ربات طفلی هم از دست تو قاطی
کرده صبح به من می‌گفت عفریته خانم، فکر کنم منو جای
مامانت بهش معرفی کردی. ■

نشن و بله رو نگن سریع و قبلش چند ماه برن پیش مشاور
که حال و اوضاعمون الان این نبود.
- من هرچی بگم تو حرف خودت رو می‌زنی... بالاخره
این حق مرده که زنش رو طلاق نده!!
* خوبه والا... معنی حق رو هم فهمیدیم... این چه
حقیه که فقط مال مرداس؟؟؟ همین خدا بیامرز مهتاب...
چهل سال آزرگار شوهرش ولش کرد رفت گم و گور شد...
این بدبخت هم نتونست طلاق بگیره تا آخر عمرش در
حسرت یه بچه و شوهر زجر کشید!!
- یعنی چی؟ اینم تقصر ماهاس؟؟؟ خوب بود جی پی
اس به شوهرش وصل کنه گم نشه!! قانون دین میگه مرد
باید حضور داشته باشه تا زنش رو طلاق بده !!! چه معنی
می‌ده زن مردم رو طلاق بدیم؟؟ شاید یه روز پشیمون بشه
برگرده... زنشه خانم حقشه...!!!!
* چطور سیمین که خدا بهش بچه نمی‌داد رو سر چهار
ماه طلاقش رو دادن فرستادن خونه باباش!!
- اینا قابل مقایسه هستن آخه؟؟
* ول کن این حرف‌ها رو! ما حرف همو نمی‌فهمیم...!
پاشو ماشینا رو بزن به برق بچه‌ها رو باید ببرم مدرسه...!
- چه برقی؟ برق قطع شده دیگه... امروز نوبت ما بود
منم شارژ عینک هوشمندم داره تموم میشه نمی‌تونم بفهمم
آخر این اخبار چی شد.
* این چه وضع زندگیه ... خسته شدم... والا یکم از
شوهرای مردم یاد بگیر... همین آقا بهروز دامادتون ماه
عسلشون منیژه رو ۲۰ روز برد مریخ!!
- هرکسی یه جور زندگی می‌کنه دیگه خانم. من
ندارم.
* باشه منم می‌رم مهریه‌ام رو می‌ذارم اجرا تا مثل زهرا
خانم همسایمون بتونم راحت زندگی کنم.
- باشه برو بذار اجرا ولی طبق قانون ما تا من نمیرم یا
طلاق ندم چیزی بهت نمی‌رسه.
* باشه می‌رم ممنوع الخروجت می‌کنم جیگرم خنک
بشه.

طنز



عروسی پسر فخرالملوک

الهام مودب

مترجم زبان انگلیسی

بقیه است که جبران کنند. او یک هفته‌ای در اعتصاب کامل بود. بالاخره وقتی همه تسلیم خواسته‌اش شدند، آشتی کرد. قرار شد با وجود ویروس ماچینی عروسی رویایی در باغ مخصوص درباریان ماه دیگر برگزار شود.

به دستور فخرالملوک عروس و داماد دوره کامل و فشرده تشریفات عروسی را نزد مادام آنا که تحصیلکرده فرنگ بود گذراندند.

پسر فخرالملوک از اوخواست تا در مراسم روینده دهان و بینی بزند. ناگهان داد فخرالملوک به آسمان رفت و گفت: آخه من با این ابهت‌ام روینده بزنم؟ چه حرف‌ها می‌زنی مادر؟

بالاخره جشن‌ها شروع شد. حنابندان، جهاز بران و عروسی یکی از یکی مجلل‌تر بود. مادام کلاسیس که پیرایشگر همسران درباریان و رجال بلند پایه بود، عروس و همراهان را پیرایش کرد. آشپزها، خدمتکاران و دکوراتورهای فرنگی با انواع گل‌ها و نوشیدنی‌ها با طیاره روز قبل از عروسی رسیدند.

فخرالملوک به همراه همسرش بصیرالملک در جلو در باغی که دکوراتورهای فرانسوی زیبا آراسته بودند، ایستاده بود تا هم به مهمانان خوش‌آمد بگویند و هم ست جواهراتش را به رخ همه بکشاند.

عروس و داماد با کالسکه مجلل رویایی به باغ وارد شدند و خدمتکاران که لباس‌های فرنگی رنگارنگی بر تن داشتند به استقبال آنان رفتند. ناگهان چرخ کالسکه در رفت و خدمتکاران روی هم افتادند.

راویان اخبار، ناقلان آثار، طوطیان شکرشکن شیرین - گفتار، چنین نقل کرده‌اند که در روزگاران گذشته تجارالممالک از بازرگانان معروف بود. سرمه و سفیداب وطنی را به اقصی نقاط ممالک فخریمه صادر می‌کرد. او مال و منال فراوانی داشت که به تنها دخترش، فخرالملوک که کبکبه و دبدبه‌اش زیاد بود، ارث رسید.

پسر فخرالملوک قصد ازدواج داشت اما او رضایت نمی‌داد هر کسی عروسیش شود. بالاخره پسرش با دختر مصیب المیرزا از مایه‌داران شهر و سازندگان بنام برج و بارو نامزد شد.

فخرالملوک مدت‌ها در تدارک برگزاری عروسی مجلل در قسطنطنیه بود. اما روزگار سر ناسازگاری با او داشت. ناگهان ویروس کشنده‌ای از ماچین وارد شد و زندگی همه را مختل کرد. مردم از ترس در خانه‌هایشان پناه گرفتند. عدلیه حکم تعطیلی دکان‌ها را برای مدتی داد. آژان‌ها خاطی‌ها را جریمه می‌کردند. مردم برای فرار از این مهمان ناخوانده با روینده دهان و بینی، رفت و آمد می‌کردند.

مصیب المیرزا با نظر عروس و داماد از فخرالملوک اذن خواست تا عروس و داماد زندگی‌شان را شروع کنند و پس از بهتر شدن شرایط، عروسی مجلل بگیرند. فخرالملوک یک دفعه از کوره در رفت و گفت: آخه مردم نمی‌گن نوه تجارالممالک معروف بدون هیچ جشنی عروس گرفت؟ لباس عروس‌ام که از مارک پرنسی ل...ول...و نه چی می‌گن آهان لی لی خارجه خریدیم چی می‌شه؟ من سرویس جواهرات عتیقه‌ای که تجارالممالک از فرنگ آورده با لباس مارک پرنس ل ل ل ل ل ست کردم. من برای عروسی همه سکه زر بردم حالا نوبتی هم باشه دیگه نوبت

حس بویایی و چشایی‌اش را از دست داده بود. نمک و سرکه سفید جای شکر و گلاب در شله زرد می‌ریخت. غذاها یا شور و خیلی تند یا بی‌نمک و بی‌مزه بودند. به کسی هم اجازه دخالت نمی‌داد.

کمی هم حواس پرت شده بود. در آبگوشت سبزی قرمه می‌ریخت و در قرمه‌سبزی تخم‌مرغ و هویج می‌ریخت. بصیرالملک هم به گیاه‌خواری و نون پنیر رو آورده بود و بنده خدا پوست و استخوان شده بود.

با این همه فخرالملوک در جواب به اعتراض عروس و پسرش می‌گفت: خدا رو شکر عروسی پسر فخرالملوک نقل مجالس عام و خاص بود و یک سر و گردن از همه عروسی‌ها بالاتر بود. توانستم بترکونم و روی تاج السلطنه و اشرف خانم را کم کنم. تازه همه از سرویس جواهرات و لباسم تعریف می‌کردند. دیدی در جریده وقایع یومیه از عروسی‌تان نوشته بودند؟

پسر: آخه مادر جان نوشتند که همه مهمانان پس از عروسی در مریضخانه بستری شدند و حالشان وخیم بود. فخرالملوک: مادر چون سخت می‌گیری‌ها... مریضی مال آدمیزاده. حکیم و مریضخانه هم برای شفاست. بد از بالا نیاد.

تازه فوتوگرافی عروسی پسر همه جا دست به دست می‌شه و حتی خبر عروسی به نوه شمس الملوک در فرنگ هم رسیده. ■

پس از نواختن مطرب‌ها در چند ثانیه وسط مجلس جای سوزن انداختن نبود. مهمانان بدون روبنده دهان و بینی برای اجرای حرکات موزون آمده بودند. برخی حرکات من درآوردی بود و چیزی نمانده بود که نقش زمین شوند. از مهمانان با انواع نوشیدنی‌ها، شیرینی‌ها، میوه‌های مختلف و نایاب و غذاهای وطنی و فرنگی پذیرایی می‌شد. انگار برخی از قحطی در آمده بودند. با این که از زور پرخوری دل درد گرفته بودند با حرص و ولع در خوردن از هم پیشی می‌گرفتند. در پایان مراسم باقیمانده خوراکی‌ها را در دیگچه‌هایی که آورده بودند ریختند و بردند.

آخر شب با این که منع عبور و مرور بود، با ساز و دهل و طبل و نقاره عروس و داماد را تا جلوی خانه‌شان بدرقه کردند.

فردای پاتختی حال فخرالملوک و همسرش که مریضی ماچینی گرفته بودند، به شدت وخیم شد. متأسفانه یک ماهی در مریضخانه بستری شدند. همه مهمانان هم مریضی ماچینی گرفتند و در همان بیمارستان بستری شدند. فخرالملوک در آن شرایط هم در بیمارستان هم بنای ناسازگاری گذاشت. لباس فرنگی‌اش را با لباس بیمارستان عوض نمی‌کرد. از غذاها ایراد می‌گرفت و برای همه دستور صادر می‌کرد.

با تلاش شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر همه نرس‌ها و طبیب‌ها بالاخره همه خوب شدند و به خانه برگشتند.

فخرالملوک به شکرانه سلامتی گاو و گوسفندی قربانی کرد و در بین تجار مایه‌دار راسته بازار پخش کرد.

پس از ترخیص تا مدت‌ها عوارض جدید بیماری فخرالملوک ادامه داشت. بصیرالملک تاجر معروف فرش که همه تا کمر پیش او خم می‌شدند در برابر او کم می‌آورد. ساعات خواب فخرالملوک بهم ریخته بود. نیمه شب از خواب بر می‌خواست و با سر و صدای زیاد آشپزی می‌کرد. سپس صفحه در گرامافون می‌گذاشت و با صدای بسیار بلند با خواننده هم‌خوانی می‌کرد و بصیرالملک را بی‌خواب می‌کرد.



روزه گرفتن چگونه به حفظ سلامتی کمک می کند

ترجمه و تألیف : مژده یمینیان

کارشناس تغذیه

روزه گرفتن، علاوه بر کمک به تزکیه و پاکسازی روح و روان، به حفظ سلامتی جسم هم کمک می کند. در ادامه ترجمه و تحقیقی را که در زمینه فواید روزه داری متناوب انجام داده ام، به خوانندگان محترم تقدیم می کنم.

روزه گرفتن، یکی از قدیمی ترین روش های درمانی در علم پزشکی است و به قرن ها پیش برمی گردد. در قرن پنجم قبل از میلاد مسیح، بقراط، حکیم یونانی و پدر علم طب نوین، توصیه کرد که پرهیز و خودداری از مصرف غذا، به شفای بیماران کمک می کند. در طب آیورودا^۳ یا همان طب سنتی هند که از گیاهان دارویی، برای درمان استفاده می کند، اعتقاد بر این است که روزه گرفتن به صورت یک بار در هفته، به بهبود عملکرد دستگاه گوارش کمک می کند.

در میان وظایف مذهبی و فرهنگی، روزه گرفتن نقش مرکزی را ایفا می کند که در هر کدام از ادیان و مذاهب، به شیوه های خاص انجام می شود. به عنوان مثال در مسیحیان کاتولیک، روزه داری در ۴۰ روز و در میان مسلمانان، روزه داری در ایام ماه مبارک رمضان انجام می شود. به طور کلی، روزه گرفتن به صورت خودداری از مصرف غذا و نوشیدنی و یا به شکل ساده تر، به صورت دریافت کالری کمتر از غذاها می باشد.

فواید روزه گرفتن

روزه گرفتن و کم کردن غذای مصرفی با کمک به پیشگیری از بیماری ها و کنترل بیماری های التهابی نظیر

روزه که در زبان عبری به آن تعنیت^۱ گفته می شود، به معنای خودداری از مصرف مواد غذایی و نوشیدن مایعات برای مدت زمان مشخصی است و هدف از آن، نوعی ریاضت برای تزکیه جسم و جان می باشد. پیروان ادیان الهی، به منظور تقرب به خدا و طلب استغفار از درگاه الهی، روزه می گیرند. اما شیوه روزه گرفتن و زمان آن در ادیان مختلف، متفاوت می باشد.

در دین یهود تعنیت یا روزه، برای رنج دادن به جسم و بخشیده شدن گناهان، در ایام مختلف سال، وجود دارد. مهم ترین تعنیت در دین یهود، تعنیت یوم کیپور^۲ می باشد که مدت آن بیست و پنج ساعت، یعنی از غروب آفتاب تا شامگاه روز بعدی است. در طی این ساعات، یهودیان از خوردن هرگونه مواد غذایی و آشامیدن هر نوع نوشیدنی، خودداری می نمایند و در تمام این مدت به عبادت مشغول می شوند. این روزه به بخشش گناهانی اختصاص یافته است که انسان ها نسبت به خداوند مرتکب شده اند، گرچه برای بخشش و پاکی کامل روح و جان، هر یهودی موظف است که اگر نسبت به انسان ها هم گناهی انجام داده، قبل از زمان تعنیت یوم کیپور، از آنها طلب مغفرت نماید.

علاوه بر تعنیت واجب یوم کیپور، برای هر فرد یهودی در طول سال، تعنیت های واجب دیگری هم به صورت پراکنده وجود دارد. همچنین هر یهودی می تواند در ایام خاصی از سال به ویژه در روزهای دوشنبه و پنجشنبه، اقدام به گرفتن روزه مستحب نماید.

^۱ - Taanit

^۲ - Kippur

^۳ - Ayur vedic medicine

روزه گرفتن متناوب از دو طریق، یعنی هم با کاهش کالری دریافتی و هم با افزایش متابولیسم، می‌تواند در کاهش وزن مؤثر باشد.

براساس تحقیقی که در سال ۲۰۱۴ انجام شد، روزه گرفتن در طول ۳ تا ۴ هفته، می‌تواند وزن بدن را به اندازه ۳-۸ درصد و چربی شکمی را به میزان ۴-۷ درصد کاهش دهد که این میزان کاهش در وزن بدن و چربی شکمی، قابل توجه می‌باشد. همچنین این تحقیق نشان داد که میزان کاهش ماهیچه و توده عضلانی، نسبت به کل کاهش وزن بدن در اثر روزه گرفتن، بسیار اندک بوده است. بنابراین روزه گرفتن به منظور کاهش وزن، می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

از جمله دیگر تاثیرات سودمند روزه گرفتن متناوب، کاهش مقاومت به انسولین و کاهش خطر بیماری دیابت نوع دو می‌باشد.

در دهه‌های اخیر، افزایش بیماری دیابت نوع دو، چشمگیر می‌باشد و کاهش مقاومت به انسولین می‌تواند به کاهش سطح قند خون کمک کند و از بدن در مقابل بیماری دیابت نوع دو حمایت کند. در تحقیقاتی که روی انسان‌ها صورت گرفته، نشان داده شده است که قند خون ناشتا در اثر روزه‌داری می‌تواند بین ۳-۶ درصد کاهش یابد. همچنین یک تحقیق روی موش‌های مبتلا به دیابت نشان داد که روزه گرفتن متناوب می‌تواند بدن آنها را در مقابل آسیب‌های کلیوی که یکی از شایع‌ترین عوارض دیابت است، حفظ کند.

یکی دیگر از فواید روزه گرفتن متناوب و دوره‌ای، کاهش استرس اکسیداتیو^۸ و التهاب در بدن می‌باشد. استرس اکسیداتیو، عدم تعادل بین رادیکال‌های آزاد و آنتی‌اکسیدان‌ها در بدن می‌باشد. رادیکال‌های آزاد، مولکول‌های ناپایداری هستند که باعث آسیب رساندن به بافت چربی، DNA و پروتئین‌ها در بدن می‌شوند. استرس اکسیداتیو می‌تواند باعث پیری و بیماری‌های مزمن شود. تحقیقات

بیماری‌های قلبی، ام اس^۴ و آرتروز روماتوئید^۵، برای بدن سودمند می‌باشد.

با روزه گرفتن، چند اتفاق مهم در بدن رخ می‌دهد که در این رابطه می‌توان به ترمیم سلولی و تغییر سطح هورمون‌ها به منظور چربی‌سوزی اشاره کرد تغییرات سودمندی که در اثر روزه گرفتن در بدن رخ می‌دهد، باعث جداسازی مواد زائد از سلول‌ها و حفاظت بدن در مقابل بیماری‌ها و افزایش طول عمر می‌شود.

هورمون انسولین و هورمون رشد، از جمله هورمون‌هایی هستند که میزانشان در اثر روزه گرفتن در بدن تغییر می‌کند. پس از روزه گرفتن، سطح انسولین به مقدار قابل توجهی کاهش می‌یابد که باعث تسهیل چربی‌سوزی می‌شود. از طرفی میزان هورمون رشد، در زمان روزه افزایش می‌یابد که این سطح بالای هورمون رشد هم به سوختن چربی‌ها کمک می‌کند و هم باعث عضله‌سازی می‌شود. کاهش سطح انسولین و افزایش میزان هورمون رشد منجر به آغاز فرآیند ترمیم سلولی می‌شود.

روزه گرفتن متناوب، به کاهش وزن و کاهش چربی شکمی، کمک می‌کند و تعداد زیادی از انسان‌ها، نه فقط به خاطر اعتقادات مذهبی، بلکه به منظور کاهش وزن، روزه می‌گیرند. روزه گرفتن یا کاهش تعداد وعده‌های غذایی مصرفی باعث کاهش کالری دریافتی می‌شود و اگر کاهش کالری دریافتی، بعد از روزه با مصرف اضافه مواد غذایی جبران نشود، می‌تواند باعث کاهش وزن شود.

هورمون نوراپی‌نفرین^۶ یا نورآدرنالین^۷، هورمون دیگری است که در زمان روزه گرفتن در بدن افزایش می‌یابد و باعث شکسته شدن چربی به منظور تولید انرژی می‌شود.

با توجه به این توضیحات، یک روزه کوتاه، معمولاً میزان متابولیسم را به میزان ۳/۶ تا ۱۴ درصد، افزایش می‌دهد که باعث سوزاندن کالری بیشتر می‌شود بنابراین

^۴ - Multiple Sclerosis

^۵ - Rheumatoid arthritis

^۶ - Nor epinephrine

^۷ - Nor adrenaline

^۸ - Oxidative Stress



یکی دیگر از اثرات سودمند روزه گرفتن دوره‌ای، تقویت سیستم ایمنی بدن و افزایش طول عمر می‌باشد. در یکی از تحقیقاتی که در زمینه تأثیر روزه گرفتن متناوب بر افزایش طول عمر، روی موش‌ها صورت گرفته، نشان داده شده است که عمر موش‌هایی که یک روز در میان، روزه می‌گرفتند ۸۴ درصد طولانی‌تر از موش‌هایی بود که اصلاً روزه نمی‌گرفتند. بنابراین روزه گرفتن دوره‌ای می‌تواند طول عمر را افزایش دهد و به زندگی طولانی‌تر، کمک کند. ■

زیادی نشان داده‌اند که روزه گرفتن دوره‌ای می‌تواند مقاومت بدن را نسبت به استرس اکسیداتیو افزایش دهد. همچنین تحقیقات نشان داده‌اند که روزه گرفتن دوره‌ای و متناوب می‌تواند به پیشگیری از التهاب که مادر بسیاری از بیماری‌ها است، کمک کند.

کمک به حفظ سلامت قلب از جمله دیگر خواص روزه گرفتن است. معمولاً بزرگترین علت مرگ و میر در دنیا، بیماری‌های قلبی می‌باشند. روزه گرفتن با تنظیم میزان قند خون، کلسترول، ال دی ال و تری گلیسیریدهای خون همچنین با رفع التهاب، می‌تواند به کاهش بیماری‌های قلبی، عروقی کمک کند. البته بیشتر این تحقیقات براساس مطالعات حیوانی می‌باشند و برای اثبات اثر روزه‌داری بر سلامت قلب، نیاز به تحقیقات بیشتری روی انسان‌ها وجود دارد.

روزه گرفتن متناوب، همچنین می‌تواند به پیشگیری از سرطان کمک کند، سرطان که یک بیماری وخیم است، باعث رشد کنترل نشده سلول‌ها می‌شود. چندین تحقیق روی انسان‌ها نشان داده‌اند که روزه گرفتن متناوب با تأثیر بر روی متابولیسم بدن، می‌تواند باعث کاهش خطر سرطان شود، گرچه برای اثبات این تأثیر، نیاز به تحقیقات بیشتری روی انسان‌ها وجود دارد. همچنین مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد، روزه گرفتن می‌تواند اثرات زیان‌آور شیمی درمانی را کاهش دهد.

از جمله دیگر خواص مفید روزه گرفتن متناوب و دوره‌ای، حفظ سلامت مغز و بهبود عملکرد آن و جلوگیری از سکتة مغزی و کاهش افسردگی می‌باشد.

روزه گرفتن می‌تواند از بیماری آلزایمر هم پیشگیری کند. در این رابطه تحقیقاتی نشان داده‌اند که روزه گرفتن دوره‌ای می‌تواند حمله آلزایمر را به تأخیر اندازد و یا شدت آن را کاهش دهد. تحقیقاتی که روی موش‌ها صورت گرفته، نشان داده که روزه گرفتن می‌تواند از بدن در مقابل بیماری تخریب‌کننده سلسله اعصاب دیگری نظیر پارکینسون محافظت کند که البته در این زمینه نیاز به تحقیقات بیشتری روی انسان‌ها حس می‌شود.

منابع

- 1-The health benefite of fasting By Kerry Torrens – Natrionist
- 2- 10 Evidence – Based health benefits of inter mittent fasting By Kris Gunnars

ماهیت حقوقی انجمن کلیمیان تهران

امیر فراز نعیموت
کارشناس ارشد حقوق

برخورد داریم کلمه انجمن است. در فرهنگ لغات انجمن به این شکل تعریف شده است: «گروه افرادی که برای هدفی مشترک گرد هم جمع شوند» پس مهمترین عاملی که از ماده اول به آن دست پیدا می‌کنیم این است که این نهاد به صورت جمعی و گروهی اداره می‌شود. اما باید ببینیم که آیا چه اشخاصی عضو این انجمن می‌باشند. با نگاهی به ماده ۱۰ اساسنامه درمی‌یابیم که هر فرد کلیمی تابع ایران که ساکن حوزه فعالیت این انجمن باشد و با بالای ۱۶ سال سن داشته باشد و مفاد این اساسنامه را بپذیرد و از حقوق اجتماعی محروم نشده و عضو سازمان‌های ضد انقلاب نباشد می‌تواند به عضویت این انجمن نایل آید.

اما آنچه امروزه و در واقع رخ می‌دهد این است که کلیه افراد کلیمی داخل تهران و با توجه به این که این انجمن تنها نهاد رسمی و ثبت شده به عنوان انجمن در امور جامع کلیمیان می‌باشد، کلیمیان ساکن سایر شهرهای کشور نیز به نحوی عضو و تحت پوشش این انجمن می‌باشد و امروزه علی‌رغم تصریح اساسنامه به اخذ کارت عضویت عملاً برای برخورداری از خدمات این نهاد نیازی به اخذ کارت عضویت نیست و به طور پیش فرض کلیه کلیمیان ایران از اعضای این نهاد شناخته می‌شوند مگر این که به حکم قوانین و آرای قضائی این حق از ایشان سلب شده باشد.

با تحقیق و تورق در اساسنامه انجمن و با توجه به مواد اساسنامه علی‌الخصوص ماده ۱۱ و ۱۲ می‌بینیم که این نهاد در بدو تاسیس به ظاهر یک شرکت سهامی عام بوده است، اما با مطالعه دقیق‌تر تعریف قانونی شرکت‌های سهامی عام و با بررسی وظایف و مسئولیت‌های انجمن کلیمیان تهران و با توجه خاص به این موضوع که شرکت سهامی عام در قانون ما ذیل شرکت‌های تجاری شناخته می‌شود اما انجمن کلیمیان به هیچ عنوان شرکت تجاری نیست به این نتیجه می‌رسیم که نباید به غلط این انجمن را به عنوان یک شرکت تجاری شناسایی کنیم حتی اگر نحوه تشکیل مجامع و انتخاب هیئت مدیره آن مطابق با اصول شناخته شده در قانون شرکت‌های سهامی عام باشد. حتی ماده ۲ لایحه

یکی از سوالات مهمی که همواره دانستن پاسخ آن برای کلیه اشخاصی که به هر نحوی با انجمن کلیمیان تهران سر و کار دارند علی‌الخصوص اعضای جامعه کلیمی و فعالین اجتماعی، چستی و ماهیت حقوقی این انجمن است. برای این که بهتر با ماهیت حقوقی و قانونی این نهاد آشنا شویم سعی می‌کنیم با زبان ساده شرایط قانونی و حقوقی آن را مختصراً بررسی کنیم.

برای درک بهتر موضوع در ابتدا به صورت خلاصه به پیشینه تاریخی تشکیل انجمن کلیمیان تهران سری می‌زنیم: ابتدا به ساکن در سال ۱۲۷۰ هجری خورشیدی به وسیله گروهی از معتمدین جامعه یهودی تهران نهادی تشکیل شد که در آغاز «حبرا»، به معنی انجمن نام داشت و وظیفه اداره امور مذهبی و اجتماعی کلیمیان را به عهده داشت. اما در سال‌های بعد این نهاد با نام «انجمن مدرسه کلیمیان (بت سفر)» فعالیت می‌کرد و در سال ۱۳۱۷ با تغییر نام آن به «انجمن کلیمیان تهران» به صورت فعلی تأسیس شد. یک سال بعد با تنظیم اساسنامه و ثبت در وزارت کشور رسماً آغاز به کار کرد.

برای شناخت ماهیت و ساز و کار حقوقی این نهاد باید دو منبع مهم را که «اساسنامه انجمن» و «قوانین مربوطه» هستند مورد مطالعه قرار داد.

۱) اساسنامه

مهم‌ترین عنصر ماهیتی انجمن کلیمیان و اساسی‌ترین منبع برای شناخت کافی از آن و آشنایی با نحوه مدیریت آن، اساسنامه مکتوب این انجمن می‌باشد. طبق ماده یک این اساسنامه انجمن کلیمیان تهران انجمنی است متشکل از منتخبان کلیمیان تهران که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی فرهنگی و اجتماعی و رفاهی و خیریه کلیمیان می‌باشد و با رعایت قانون احزاب و جمعیت و مقررات این اساسنامه انجام وظیفه می‌نماید.

بخش دوم این ماده که به قانون احزاب و کمیسیون‌ها اشاره دارد را مفصلاً در بخش‌های بعدی رسیدگی خواهیم کرد اما مهم‌ترین کلمه‌ای که در بخش اول این ماده با آن

بعد از اساسنامه مهم‌ترین منبعی که به ما برای شناخت ماهیت حقوقی انجمن کلیمیان و فعالیت‌های آن کمک می‌کند قوانین موضوعه کشور است. شرح حال خیلی از وظایف و مسئولیت‌های انجمن کلیمان تهران به عنوان یک نهاد قانونی توسط قوانین موضوعه تعریف می‌شوند.

مهم ترین این قوانین به شرح ذیل هستند :

الف) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:
اصل ۱۳ قانون اساسی حکم می‌کند که اقلیت‌های مذهبی شناخته در قانون (کلیمی، زرتشتی، مسیحی) در امور مربوط به احوال شخصیه پیرو و تابع شریعت خود می‌باشند. زمانی که قانون گذار یک حق را به رسمیت می‌شناسد تبعاً و عقلاً شرایط اجرای آن حق و ابزار و وسایلی که برای اجرای آن به کار برده می‌شود را قانونی و لازم می‌داند. با توجه به این اصل در قانون اساسی نتیجه‌گیری می‌شود که اداره احوال شخصیه اقلیت‌های ذکر شده در دست خود ایشان است و ایشان اختیار دارند هر گونه تشکلات و ابزاری را که خلاف قانون نباشد برای اجرای حق خود ایجاد کرده و به کار برند. همانطور که می‌دانیم انجمن کلیمیان مسئول اصلی و متصدی امور احوال شخصیه کلیمیان ایران است لذا به طور ضمنی می‌توان اصل ۱۳ قانون اساسی را به عنوان یک مستند جهت شناخت کارکرد انجمن کلیمیان دانست و آن را پشتیبان والایی برای فعالیت‌های این انجمن بدانیم که در عالی‌ترین منبع قانونی کشور ذکر شده است.

ب) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده:

این قانون به عنوان اصلی‌ترین قانون تعیین‌کننده خطی مشی سیاسی انجمن کلیمیان تهران و سایر انجمن‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی شناخته می‌شود و در واقع مهم‌ترین مستندی است که جواز فعالیت این انجمن تحت نظر آن صادر می‌گردد.

این قانون چستی سیاسی انجمن‌های اقلیت‌های مذهبی را به شکل ذیل تعریف می‌کند:
ماده ۴ فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده: انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت

قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که بیان می‌دارد: «شرکت سهامی، شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد». نباید سبب شود که به اشتباه ما این نهاد را یک شرکت سهامی تجاری قلمداد کنیم چرا که در بدو تاسیس آن نیز هیچ یک از تشریفات یک شرکت سهامی عام رعایت و اجرا نشده و شرایط انحلال پیش‌بینی شده در اساسنامه نیز به طور کامل منطبق بر شرایط قانونی انحلال شرکت‌های تجاری نیست. هرچند ارجاع اساسنامه به قانون تجارت و وجود بندهای متعدد در اساسنامه علی‌الخصوص موارد مربوط به تشکیل مجامع عمومی و نحوه تصمیم‌گیری در آن‌ها و ثبت این نهاد با شماره ثبت ۶ در سازمان ثبت، این شبهه را ایجاد می‌کند که این انجمن را ذیل عنوان شرکت‌های سهامی عام شناسایی کنیم و آن را از حیث ماهیت ذوالجنتین (دارای دو جنبه ماهیتی) بدانیم اما به نظر نگارنده با توجه به تعریف انجمن و تشریح وظایف اصلی آن در اساسنامه و عدم وجود و ثبت برگه سهام به معنای اخذ آن و لزوم اخذ مجوز از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب و تشکل‌های وزارت کشور برای فعالیت، به هیچ عنوان نمی‌توان این نهاد را به عنوان یک شرکت تجاری سهامی عام شناسایی کرد.

اما همانطور که در دفتر ثبت شرکت‌ها این نهاد به عنوان «موسسه» ذکر شده است ما نیز باید قائل بر این باشیم که انجمن کلیمیان را به عنوان یک موسسه شناسایی کنیم و ذیل این تعریف به دنبال چستی حقوقی آن باشیم. چکیده آنچه در متون حقوقی در تعریف موسسه آمده است این است که: موسسه نهادی است که یک شخصیت حقوقی مستقل دارد و برای انجام اموری غیر انتفاعی که جنبه غیرتجاری دارد تشکیل می‌شود و هدف از تشکیل آن عموماً انجام خدمات عام‌المنفعه، خیرخواهانه، فرهنگی و هنری، آموزشی و به طور کلی مجموعه عملیاتی است که منظور اصلی از انجام آن اصولاً کسب سود و درآمد نمی‌باشد. همانطور که دیدیم با توجه به تعاریف ذکر شده عنوان یک موسسه مردم نهاد با نیت خیرخواهانه و کمک‌رسانی به عده‌ای خاص تعریف جامع و نزدیک به واقع‌تری برای نهاد انجمن کلیمیان می‌باشد.

(۲) قانون:

جزء اقلیت‌های دینی شناخته شده بوده و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند؛ لذا مقتضی است در مسایل مطروحه آنان، پس از جلب نظر انجمن کلیمیان تهران، اقدام لازم به عمل آید. محمد یزدی رئیس قوه قضاییه.

این مصوبه در مقام بیان این مطلب است که انجمن کلیمیان به عنوان یک نهاد رسمی و شناخته شده توسط قانون مسئول پاسخگویی و اداره امور مربوط به احوال شخصیه کلیمیان است.

(۳) اصل نمایندگی:

نمایندگی یک اصل حقوقی است که بر طبق آن شخص یا اشخاصی، شخص یا اشخاص دیگر را برای انجام امور حقوقی و بعضی از اعمال مادی خود انتخاب می‌کند و به ایشان اجازه می‌دهند که طبق چارچوب تعیین شده از جانب اصیل اقدام نمایند.

برخی از اموری که توسط هیئت مدیره انجمن کلیمیان صورت می‌گیرد را می‌توان در قالب نمایندگی تعریف کرد مانند مدیریت و اداره نهادهای جامعه کلیمیان مانند مدارس، آرامستان‌ها، زیارتگاه‌ها، سرای سالمندان یهود و ... با این تعریف که هیئت مدیره انجمن کلیمیان که توسط مجمع عمومی (که متشکل از آحاد جامعه کلیمی است) تعیین شده‌اند این توانایی را دارند که در حدود اختیارات قانونی و اساسنامه‌ای نسبت به اموال و دارایی‌های جامعه کلیمی اعمال مدیریت و سرپرستی نمایند. البته همانطور که می‌دانیم این اختیارات تام نیست و در مواردی همچون فروش اموال غیرمنقول موکول به تصویب مجمع عمومی می‌باشد.

در این چند سطر سعی بر این داشتیم که به صورت خلاصه افکار مخاطبین محترم مجله افق بینا را نسبت به ماهیت قانونی و مشروعیت فعالیت‌های انجمن کلیمیان آشنا نماییم. بدیهی است مطالعه اساسنامه و تاریخچه این انجمن و قوانین مرتبط و صحبت با اشخاصی که در راه خدمت به این انجمن و اهداف آن سال‌ها تلاش نموده‌اند می‌توان درک بهتری از ماهیت آن بدست آورد. این کسب آگاهی نه تنها حق هر شخصی از اعضای جامعه کلیمی است بلکه برای آنان که اهمیت برای جامعه خویش قائلند واجب و لازم است.

لازم به ذکر است این مقاله هرگز در مقام تبیین وظایف این انجمن نبوده است. ■

دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

در این قانون وزارت کشور به عنوان صادرکننده پروانه فعالیت انجمن‌های مذهبی اقلیت‌ها شناخته می‌شود که این وزارتخانه به منظور صدور پروانه جهت متقاضیان و نظارت بر فعالیت گروه‌ها اقدام به تشکیل کمیسیونی متشکل از افراد ذیل می‌نماید که به کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و تشکل‌ها شهره هست.

(۱) نماینده دادستان کل کشور

(۲) نماینده شورای عالی قضایی

(۳) نماینده وزارت کشور

دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین داوطلبانی که از داخل مجلس و خارج آن به معرفی یکی از نمایندگان حداکثر تا یک هفته قبل از انتخابات کتبیاً به کمیسیون داخلی معرفی شده باشند، تاریخ انتخابات حداقل ۱۵ روز قبل توسط رئیس مجلس در جلسه علنی اعلام خواهد شد.

این قانون کلیه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی انجمن کلیمیان را پوشش می‌دهد و در واقع به حیات آن مشروعیت می‌بخشد.

(ج) قانون تجارت جمهوری اسلامی ایران:

با توجه به اینکه اساسنامه انجمن کلیمیان تهران در ماده ۱۱ خود رعایت تشریفات قانون تجارت را در مورد تشکیل مجامع عمومی و طریقه و حد نصاب رای‌گیری الزامی دانسته است، به این دلیل می‌توان از قانون تجارت و موادی که به تشکیل مجامع عمومی در بحث شرکت‌های سهامی اختصاص دارد به عنوان یکی از منابع قانونی‌ای که در شناخت چستی و ساز و کارهای اداره انجمن تاثیرگذار است نام برد.

(د) مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۳۰ قوه قضائیه:

این مصوبه نیز در راستای اجرای اصل ۱۳ قانون اساسی جهت تعیین تکلیف برای مراجع قضائی و ثبتی تصویب گشته است که به شرح ذیل مقرر می‌دارد امور مربوط به احوال شخصیه کلیمیان باید از انجمن کلیمیان استعلام گردد.

اخذ نظر انجمن کلیمیان تهران در رسیدگی به مسایل مطروحه کلیمیان بخشنامه به مراجع قضایی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نظر به این که مطابق اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیمیان ساکن کشور ایران



اخبار

مهندس امید ممبئی مقدم

مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

اجرای طرح واکسیناسیون کووید ۱۹- در سرای سالمندان یهودی

با توجه به اهمیت حفظ سلامتی سالمندان والامقام جامعه کلیمی و به لطف قادر مطلق، طرح واکسیناسیون سراسری کووید ۱۹- در سرای سالمندان یهودی در دهه سوم فروردین ۱۴۰۰، به مرحله اجرا گذاشته شد. به موجب این طرح که با همت مسئولین سرا همراه بود و با پشتیبانی صمیمانه سازمان بهزیستی کشور جامه عمل به خود پوشید، کلیه سالمندان عزیز و پرسنل سرا در مقابل کووید ۱۹- واکسینه شدند. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران بدین وسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را از کلیه ارگان‌های دولتی و کلیه عزیزانی که به هر نحو، در اجرای این طرح ارزشمند، تاثیرگذار بودند، اعلام می‌دارد.

ابراز تسلیت در گذشت شادروان هوشنگ نصرتی

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با قلبی اندوهگین، درگذشت مرحوم هوشنگ (یحزقل) نصرتی را به خانواده و بازماندگان محترم تسلیت گفته و از قادر مطلق برای نشاما و روح آن شادروان، علو درجات را خواستار است.

عدم فعالیت انجمن کلیمیان تهران در فضای اینستاگرام

همان گونه که پیش از این نیز اعلام شده، خدمت کلیه همکیشان فرهیخته و هموطنان ارجمند یادآور می‌شود انجمن کلیمیان تهران هیچ گونه فعالیتی در فضای مجازی اینستاگرام نداشته و ندارد و کانال روابط عمومی انجمن در تلگرام، تنها کانال رسمی انجمن کلیمیان تهران است که بازتاب‌دهنده نظرات این انجمن می‌باشد. لذا هر گونه ادعا در هر پیج یا کانال، مبنی بر ارتباط با انجمن کلیمیان کذب محض بوده و نظرات مندرج در آن‌ها به هیچ عنوان مورد تایید انجمن کلیمیان تهران نمی‌باشد.

ابراز تسلیت در گذشت مادر محترم آقای فرزاد طوبیان

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه فراوان، درگذشت مادر آقای فرزاد طوبیان را به فرزند، بازماندگان و جامعه کلیمیان تسلیت گفته و با قلبی شکسته و دردمند، برای نشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است. نام خانوادگی «طوبیان» سالهاست بابت فعالیت‌های خیرخواهانه در انجمن کلیمیان تهران، بهشتیه تهران، سرای سالمندان یهودی و حوزه‌های گوناگون دیگر، به جامعه کلیمیان پیوند ناگسستنی خورده است. بی‌تردید روح آن مرحومه نیکوکار، بابت تربیت فرزندی که بخش عظیمی از زمان و انرژی خود را بدون داشتن هرگونه چشم‌داشت، معطوف به کارهای عام‌المنفعه، خیرخواهانه و ایثار به هموعان نموده، قرین رحمت الهی خواهد بود. روابط عمومی انجمن کلیمیان ضمن سپاس‌گزاری از کلیه زحمات فرزند نیکوکار ایشان، برای آن مرحومه رحمت الهی و برای بازماندگان محترم، صبر جمیل آرزومند است.

انتخاب نایب رییس اول و کارپرداز جدید انجمن کلیمیان تهران

پیرو استعفای شهاب شهامی فر از سمت نایب رئیسی اول و با توجه به افراد برگزیده در انتخابات انجمن کلیمیان تهران، مهندس امید ماخانی که پیش از این به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب شده بود، به جمع اعضای هیئت مدیره وارد شد. شایان ذکر است هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران پس از برگزاری جلسه رسمی، ضمن موافقت با استعفای شهاب شهامی فر، پس از رای‌گیری در حضور بازرسان انجمن، مهندس هرصل گل‌شیرازیان را به عنوان نایب رییس اول انجمن کلیمیان انتخاب نموده و مهندس امید ماخانی سمت کارپرداز را با اکثریت آرا به دست آورد. این تغییرات صورت گرفته در سمت‌های اساس‌نامه‌ای انجمن کلیمیان تهران، به اطلاع وزارت محترم کشور جهت درج در دستور کار کمیسیون ماده ۱۰ احزاب رسیده است.

شرکت جامعه کلیمیان ایران در انتخابات ریاست جمهوری

جامعه کلیمیان ایران همواره نقشی برجسته و فعال در صحنه‌های تاریخی ایران عزیزمان ایفا نموده است. حضوری فعال در پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، جبهه‌های نبرد حق علیه باطل در طول هشت سال دفاع مقدس و شرکت پرشور در کلیه انتخابات برگزار شده، نمایانگر تنها گوشه کوچکی از عشق کلیمیان ایران به میهن عزیز خود می‌باشد. همزمان با برگزاری سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری، ششمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، میان‌دوره‌ای مجلس یازدهم شورای اسلامی و میان‌دوره‌ای مجلس پنجم خبرگان رهبری، جامعه کلیمیان نیز دوشادوش سایر هم‌میهنان، حضوری شایان توجه در این انتخابات داشت تا ضمن عمل به وظیفه شرعی و ملی خود، بار دیگر توجه دوستان و دشمنان این مرز و بوم را به رابطه ناگسستنی کلیمیان ایران با ارزش‌های انقلاب و بیعت مجدد با رهبری فرزانه جلب نماید. در همین راستا، دکتر همایون سامه‌یح (نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان تهران) با حضور در شهر اصفهان و به همراهی جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان این شهر، رای خود را به صندوق انداخت. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران ضمن تشکر از افراد جامعه به خاطر حضور حماسی در انتخابات، بهترین‌ها را برای میهن عزیزمان از درگاه پرورگار منان آرزو دارد.

ابراز تسلیت در خصوص شادروان منصور وفامنصوری



روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با قلبی اندوهگین، درگذشت مرحوم منصور وفامنصوری (عضو سابق هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران، عضو سابق هیات امنای سرای سالمندان و خدمتگزار سابق کنیسیای لویان) را به خانواده و بازماندگان محترم تسلیت گفته و از قادر مطلق برای نشاما و روح آن شادروان، علو درجات را خواستار است.

نامه انجمن کلیمیان تهران در خصوص فروشندگان و توزیع کنندگان مواد پروتئینی کاشر

Comité Central
de la

COMMUNAUTE JUIVE DE TEHRAN

Teleg: Andjoman Kalimian
le:

ב'ה'
בניאם חד-א

ועד הקהילה ליהודי תהראן

TEHRAN
Central Jewish Committee

انجمن کلیمیان تهران

شماره ثبت ۶
عنوان تلگرافی: انجمن کلیمیان

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

شماره: ۲۷۲۱۵

شالم

فروشندگان و توزیع کنندگان محترم مواد پروتئینی کاشر (گوشت قرمز و گوشت سفید) احتراماً به علت شکایات متعدد واصله به انجمن کلیمیان تهران، موارد ذیل جهت اجرا اعلام می‌گردد. در صورت عدم رعایت موارد ذکر شده، انجمن کلیمیان تهران اقدامات مقتضی را انجام خواهد داد. بدیهی است که مسئولیت عواقب آن با فرد خاطی می‌باشد.

۱. وجود میز استیل قابل شستشو.
۲. استفاده کلیه پرسنل از روپوش، کلاه و دستکش.
۳. پاکیزه بودن کامل محیط کار.
۴. نگهداری مناسب مواد پروتئینی کاشر و جلوگیری از آلودگی و فساد آنها.
۵. فروش مواد پروتئینی کاشر غیر تازه با اطلاع و رضایت مشتری به ایشان.
۶. مهیا نمودن مواد پروتئینی کاشر آماده به طبخ تنها طبق شرع مقدس یهود و فتاوی بت دین مرکزی تهران.
۷. درج قیمت مواد پروتئینی کاشر در محل قابل رویت مشتری.
۸. ارائه فاکتور فروش به مشتری، درج جزئیات (وزن، قیمت و تعداد «طیور»).
۹. وجود راهکارهای مناسب جهت تفکیک کامل مواد پروتئینی کاشر غیر آماده به طبخ، مواد پروتئینی کاشر آماده به طبخ و نظارت دقیق بر این موضوع.

با تقدیم احترام

رئیس انجمن کلیمیان تهران

دکتر همایون سامه یح

مهندس هرصل گل‌سیرانی



Add: #223, 3rd Floor, Sheykh-Hadi St., Jomhoori Ave., 1139733317,
Tehran - Iran
Tel: (+98 21) 66702556-66707612-66716430 Fax: (+98 21) 66716429
Email: iranjewish@iranjewish.com WWW.IRANJEWISH.COM

نشانی: خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ هادی - شماره ۲۲۳ -
طبقه سوم - کدپستی ۱۱۳۹۷۳۳۳۱۷
نمابر: ۶۶۷۱۶۴۲۹ تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۶۷۰۷۶۱۲ - ۶۶۷۱۶۴۳۰

ابراز تسلیت در خصوص درگذشت شادروان استاد روبن یروشالمی

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با قلبی اندوهگین، درگذشت استاد برجسته‌ی هنر فیروزه‌کوبی در ایران و جهان و یکی از مفاخر بزرگ جامعه کلیمیان ایران در عرصه صنایع دستی، شادروان «روبن یروشالمی» را به جامعه کلیمیان اصفهان، ایران و جهان و به خصوص خانواده و بازماندگان محترم تسلیت گفته و از قادر مطلق برای نِشاما و روح آن مرحوم، علو درجات را خواستار است.

بی‌شک نیک‌نامی، خیرخواهی و مهارتِ منحصر به فرد و پرآوازه‌ی این استاد فقید، تا به ابد در یاد و خاطره کلیمیان اصفهان، ایران و جهان باقی خواهد ماند.

روح ه" תניחנו בגן עדן

עליו חסדים בכבוד ירננו על משכבותם

کسب عنوان پزشک نمونه بیمارستان میلاد توسط پزشک کلیمی

و تقدیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی



همزمان با روز پزشک و طی مراسمی که در شهریور ماه ۱۴۰۰ در بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی میلاد برگزار شد، «دکتر موریس محبتی مقدم» به عنوان پزشک نمونه این بیمارستان پیشرو در خدمات پزشکی ایران و خاورمیانه، معرفی و توسط رییس و مدیران ارشد بیمارستان، از ایشان تقدیر و تشکر به عمل آمد.

شایان ذکر است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز با اهدای لوح تقدیر، از پزشک نمونه کلیمی تقدیر نمود.

خاطر نشان می‌سازد پیش از این در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ و در نخستین آیین تجلیل از نویسندگان، مولفان و مدافعان سلامت اقلیت‌های دینی استان تهران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز از دکتر موریس محبتی مقدم به همراه جناب حاکم دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر سلیمان کهن‌صدق و مهندس آرش آبایی تقدیر و تجلیل به عمل آورده شد. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با کمال مسرت، کسب این افتخار را به پزشک متبحر و برجسته جامعه کلیمیان تبریک می‌گوید.

موفقیت طراح برجسته کلیمی در اجلاس بین‌المللی طراحان کشور



دوریس کهن از طراحان برجسته‌ی همکیش در اجلاس بین‌المللی طراحان مد کشور در سال ۱۴۰۰، به عنوان طراح برتر انتخاب شد. لازم به ذکر است خانم کهن دارای دو ایزوی معتبر «رضایت مشتری» و «طراحی و دوخت (استاندارد سایزگیری و دوخت رعایت شده)» در سال ۲۰۲۱ می‌باشد. ضمن تبریک، برای ایشان آرزوی موفقیت‌های روزافزون داریم. ■

انجمن بانوان کلیمی فرا رسیدن سال ۵۷۸۲ عبری را به عموم همکیشان تبریک عرض کرده و سالی پر از آرامش، سلامتی و برکت برای همگان آرزو می‌کند.

שנה טובה
חג שמח

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران افتخار دارد با انواع کتاب‌های جدید در خدمت همکیشان عزیز باشد.

منتظر دیدار شما عزیزان هستیم .

نشانی : خیابان جمهوری - خیابان شیخ هادی - کوچه هاتف

تلفن : ۶۶۷۰۴۲۴۷

نشست تخصصی روابط الاهیاتی، فرهنگی مسلمانان و یهودیان

سعیدیا بن یوسف فیومی، معروف به سعیدیا گائون (۹۴۲-۸۸۲ م.)، داوود بن مروان راقی شیرازی مشهور به داوود مقمص (۹۰۰ م.)، یعقوب قرقسانی (۹۳۰ م.)، بحیا ابن یاقودا (۱۱۰۰ م.)، و موسی ابن میمون مشهور به هارامبام (۱۲۰۴ م.)

دکتر علی شهبازی استاد دانشگاه ادیان و مذاهب قم در بخش دوم این جلسه، بیان کرد: تاریخچه الهیات یهودی که امروزه از نظام فلسفی برخوردار است به کتاب مقدس برمی‌گردد و بستر نظام سازی آن در فرهنگ اسلامی شکل گرفت و به تکامل رسید و برای شفاف‌سازی این موضوع باید به نهضت ترجمه توجه بیشتری شود.

وی در ادامه گفت: قبل از نهضت ترجمه دو جریان کلامی معتزله و اشعری شکل گرفته بود و در حدود ۲ قرن چند جریان معتزله، اشعری، امامیه، فلسفه افلاطونی و جریان ارسطویی به وجود آمد. در زمان آغاز این جریانات گروهی از علمای یهودی بر روند این مباحث نظارت داشتند و مشارکت آن‌ها در این موضوعات موجبات شکل‌گیری برخی از جریانات فکری مانند جریان خاخامی و قرائیم شد.

شهبازی در تبیین جریان کلامی سوم به نوافلاطونیان یهودی اشاره کرد که متأثر از نوافلاطونی مسلمانان بودند لکن افرادی از ذکر این تأثیرگذاری مسلمانان بر یهودیان ابا دارند، تصریح کرد: نوافلاطونی یهودی به تأثیرپذیری از ابو یوسف کندی، مسئله جمع خالقیت خداوند و نظریه صدور را مطرح کردند و سیر صعود را در دو مرحله ابداع و صدور آفرینش تبیین کردند.

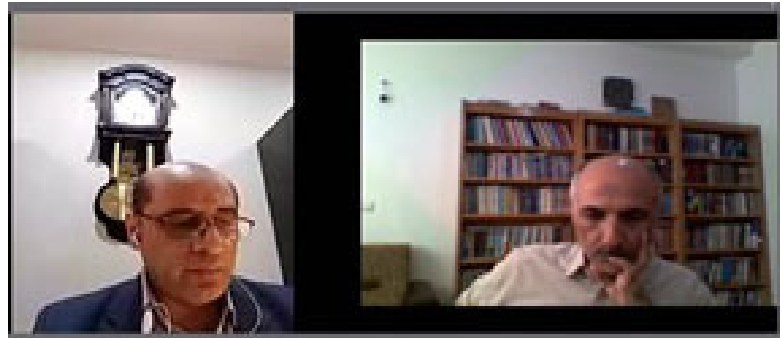
استاد دانشگاه ادیان و مذاهب قم در بخش پایانی به ذکر جریان ارسطوگرایی یهودی و تأثیرگذاری مسلمانان بر یهودیان پرداخت و اظهار داشت: افرادی مانند فخر رازی و غزالی را می‌توان در جریان نقد ارسطوگرایی نام برد.

هشتاد و سومین نشست از سلسله نشست‌های «کلمه سواء» هیئت اندیشه‌ورز اسلام، ادیان و ارتباطات میان فرهنگی معاونت پژوهش حوزه علمیه خراسان با عنوان «روابط الاهیاتی، فرهنگی مسلمانان و یهودیان» با حضور دکتر علی شهبازی، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، و آرش آبائی، محقق و مدرس حوزه یهود یکم تیرماه ۱۴۰۰ به صورت مجازی برگزار شد.

آبائی، در ابتدای این نشست علمی به ذکر خلاصه‌ای از ماهیت الاهیاتی یهود پرداخت و سپس تاریخچه مختصر از حضور یهودیان را در سرزمین‌های اسلامی (بابل، عراق و اسپانیا) در بازه‌ی زمانی ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی بیان نمود. در ادامه، فعالیت‌های فرهنگی الاهیاتی و تبادلات و تاثیر و تاثرات چند دانشمند شاخص یهودی با متفکران معاصر اسلامی را در این دوران با عناوین زیر بررسی و تشریح کرد:

وی به تقسیم‌بندی یهودیان از نظر باورها پرداخت و اظهار کرد: در یهودیت تقسیم‌بندی مذهب یا فرقه وجود ندارد بلکه دو نوع تقسیم بندی در طول تاریخ ایجاد شده است که ناشی از جبر جغرافیایی و عصر روشنگری بوده است.

وی با بیان اینکه یهودیان ایران به لحاظ جایگاه تاریخی و جغرافیایی خود در تقسیم‌بندی سفارادی‌ها قرار می‌گیرند، تصریح کرد: یهودیان ایران ریشه‌دارترین یهودیان دنیا هستند. در بین یهودیان ایران گرایش‌های دینی محافظه کار یا رفورم وجود ندارد و تنها یهودیت سنتی و راست‌گیش در ایران حاکم است.



لازم به ذکر است که دکتر علی شهبازی کتابی را با عنوان «بازتاب‌های کلام اسلامی در فلسفه یهودی» نوشته‌ی هری اوسترین ولفسن ترجمه نموده که در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب منتشر شده است.

نشست سیر شکل‌گیری شریعت یهود

در نشست سیر شکل‌گیری شریعت یهود که ۲۰ خرداد ۱۴۰۰ به صورت زنده از صفحه اینستاگرام انجمن علمی ادیان و عرفان (واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد) پخش شد، آرش آبائی به تشریح تاریخچه‌ی شکل‌گیری احکام و تکمیل و تدوین نهایی آن پرداخت.

آبائی به سه دوره‌ی کلی در سیر شکل‌گیری احکام و شریعت یهود اشاره کرد و افزود: بخش اول با عنوان دوران عهد عتیق از زمان حضرت موسی(ع) شروع و تا آخرین انبیای یهود (حدود ۳۰۰ ق.م.) ادامه دارد، دوران دوم دوره‌ی تلمودی تا حدود ۵۰۰ م. است و سپس دوران پسا تلمودی قرار دارد.

وی با اشاره به متون فقهی شریعت یهود گفت: برای این متون به طور کلی سه بخش را می‌توان در نظر گرفت. نخستین بخش آن تورات (عهد عتیق از کتاب مقدس)، بخش دوم تلمود و بخش سوم توضیح المسائل یا رساله‌ی احکام یهود (شولخان عاروخ) است.

این مدرس و پژوهشگر حوزه یهودیت خاطر نشان کرد: تنوع فکری، التزام و پایبندی دینی یهودیان ایرانی تقریباً مانند الگوی جامعه‌ی اکثریت ایران است. ■

مناسبت‌های تقویمی سال ۵۷۸۲ عبری

مهندس آرش آبائی

مناسبت	تاریخ عبری	تاریخ خورشیدی	
آدینه‌ی رُوش‌هشانا - هتارت نِداریم (ابطال نذرها)	۲۹ الول ۵۷۸۱	۱۵ شهریور ۱۴۰۰	دوشنبه
اول رُوش‌هشانا - آغاز سال ۵۷۸۲ عبری - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۱ تیشری ۵۷۸۲	۱۶ شهریور	سه‌شنبه
دوم رُوش‌هشانا - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۲ تیشری	۱۷ شهریور	چهارشنبه
تَعْنِیت (روزه) گِذَلِیا	۳ تیشری	۱۸ شهریور	پنجشنبه
آدینه‌ی یوم کیپور - هتارت نِداریم - کِپر	۹ تیشری	۲۴ شهریور	چهارشنبه
تَعْنِیت (روزه) یوم کیپور - تعطیل دینی	۱۰ تیشری	۲۵ شهریور	پنجشنبه
آدینه‌ی موعِد سوکُوت	۱۴ تیشری	۲۹ شهریور	دوشنبه
اول موعِد سوکُوت (عید سایه‌بان‌ها) - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۱۵ تیشری	۳۰ شهریور	سه‌شنبه
دوم موعِد سوکُوت - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۱۶ تیشری	۳۱ شهریور	چهارشنبه
هفتم موعِد سوکُوت - هُوشَعنارِبا	۲۱ تیشری	۵ مهر	دوشنبه
موعِد شِمینِی عَصِرَت - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۲۲ تیشری	۶ مهر	سه‌شنبه
موعِد سِیمِحا تُورا - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۲۳ تیشری	۷ مهر	چهارشنبه
اول حَنوکا (جشن روشنایی‌ها) - به مدت ۸ روز (تا دوشنبه ۱۵ آذر)	۲۵ کیسلو	۸ آذر	دوشنبه
تَعْنِیت (روزه) دهم طُوت	۱۰ طُوت	۲۳ آذر	سه‌شنبه
ایلاُتُوت (جشن درختان)	۱۵ شیواط	۲۷ دی	دوشنبه
تَعْنِیت (روزه) اِسْتِر	۱۳ آدار دوم	۲۵ اسفند	چهارشنبه
پوریم	۱۴ آدار دوم	۲۶ اسفند	پنجشنبه
آدینه‌ی موعِد پَسَح - تَعْنِیت (روزه) نخست‌زادگان ذکور	۱۴ نِسان	۲۶ فروردین ۱۴۰۱	جمعه
اول موعِد پَسَح (عید فطیر) - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۱۵ نِسان	۲۷ فروردین	شنبه
دوم موعِد پَسَح - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۱۶ نِسان	۲۸ فروردین	یکشنبه
هفتم موعِد پَسَح - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۲۱ نِسان	۲ اردیبهشت	جمعه
هشتم موعِد پَسَح - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۲۲ نِسان	۳ اردیبهشت	شنبه
پَسَح شِنی - هیلولای رِبی مِئیر بَعْل هَنْت	۱۴ ایار	۲۵ اردیبهشت	یکشنبه
لَگ باعُومِر - هیلولای رِبی شِیمعُون بَریوحای	۱۸ ایار	۲۹ اردیبهشت	پنجشنبه
اول موعِد شاووعُوت (عید هفته‌ها) - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۶ سیوان	۱۵ خرداد	یکشنبه
دوم موعِد شاووعُوت - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۷ سیوان	۱۶ خرداد	دوشنبه
تَعْنِیت (روزه) هفدهم تَموز	۱۸ تَموز	۲۶ تیر	یکشنبه
تَعْنِیت (روزه) نهم آو	۱۰ آو	۱۶ مرداد	یکشنبه
آدینه‌ی رُوش‌هشانا - هتارت نِداریم	۲۹ الول	۳ مهر	یکشنبه
اول رُوش‌هشانا - آغاز سال ۵۷۸۳ عبری - یوم طُوو (تعطیل دینی)	۱ تیشری ۵۷۸۳	۴ مهر ۱۴۰۱	دوشنبه



اجرای طرح واکسیناسیون کووید ۱۹ در سرای سالمندان یهودی - فروردین ماه ۱۴۰۰



شرکت جامعه کلیمیان ایران در انتخابات ریاست جمهوری - خرداد ماه ۱۴۰۰



کسب عنوان پزشک نمونه بیمارستان میلاد توسط پزشک کلیمی - شهریور ماه ۱۴۰۰



ممکن است نامتان فراموشی شود
اما لبخند پرمهر و زحمات بی دریغتان هرگز.
ما ملت ایران قدردان زحمات
شما «کادر بهداشت و درمان» هستیم.